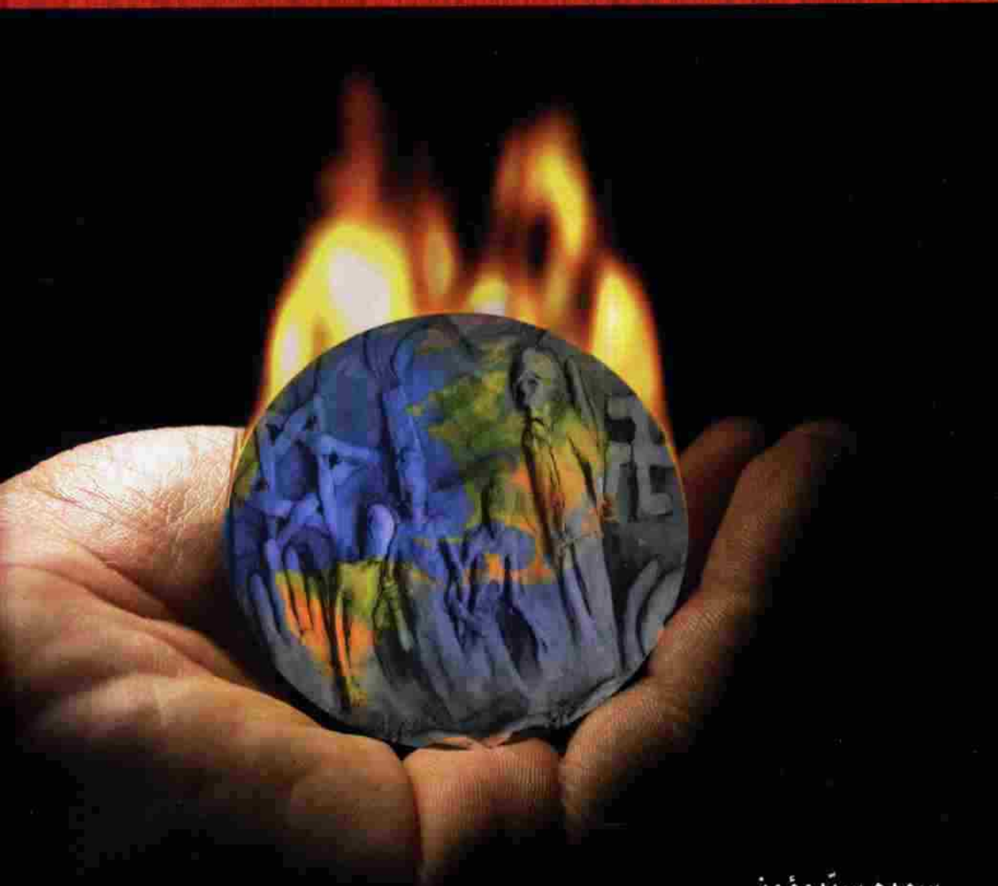
هولوكاست؛

شگردی برای فتح جهان



سوده سیدمؤمنی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

هولوکاست؛

شگردی برای فتح جهان

سوده سید مومنی

پاییز ۱۳۸۸

سرشناسه : سید مومنی، سوده، ۱۳۶۱
عنوان و پدید آورنده : هولوکاست؛ شگردی برای فتح جهان/ سوده سید مومنی
مشخصات نشر : تهران: گل یخ، ۱۳۸۸
مشخصات ظاهری : ۱۶۰ص : مصور
شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۷۰۱۸-۶۷-۸
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
موضوع : قتل عام یهودیان، ۱۹۳۹-۱۹۴۵م.
موضوع : جنگ جهانی دوم، ۱۹۳۹-۱۹۴۵م.- یهودیان
موضوع : صهیونیسم
رده بندی کنگره : ۱۳۸۸ ۴ب۹س/D۸۰۴/۳ رده بندی دیویی : ۹۴۰/۵۳۱۸
شماره کتابخانه ملی : ۱۷۹۵۲۸۲

هولوکاست؛ شگردی برای فتح جهان

نویسنده: سوده سید مومنی
ناشر: انتشارات گل یخ
چاپ و صحافی: چاپخانه مجمع جهانی اهل بیت
نوبت چاپ: نخست
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۰۱۸-۶۷-۸ ISBN: 978-964-7018-67-8
شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه
بها: ۳۰۰۰۰ ریال

تهران: صندوق پستی ۱۴۱۸- ۱۱۱۵۵۵
تلفن: ۰۹۱۲۱۰۶۲۰۴۱- ۰۹۱۲۳۱۴۵۵۶۹- ۰۲۱-۲۲۲۲۵۸۱۸

فهرست مطالب

فصل سوم: کارکردها و پی‌آوردهای هولوکاست

تقدیم به

آیه آیه جهاد،

که بیش از نیم قرن است در نای فلسطین مظلوم، به صوت حزین قرائت می‌شود و برای قاریان کوچک و بی‌گناه فلسطینی که بلندترین فریادها را در کوچکترین حنجره‌ها سرودند ...

به تمام محمد الدوره‌ها

مقدمه

امروزه تبلیغات گسترده‌ای توسط رسانه‌های جمعی غرب در رابطه با واژه هولوکاست انجام می‌شود. مسأله «کوره‌های آدم‌سوزی» و «اتاق‌های گاز هیتلری» امری است که اغلب مردم جهان آن را به عنوان واقعیتی تاریخی پذیرفته‌اند و یا اگر هم تردیدی در وقوع آن دارند جرأت اظهار ندارند.

به ادعای صهیونیست‌ها، هیتلر در جنگ جهانی دوم شش میلیون یهودی را در اتاق‌های گاز خفه کرد و سپس آنها را در کوره‌های آدم‌سوزی سوزاند و تمام این ماجرا دستاویز تبلیغاتی صهیونیست‌ها شده و سال‌هاست برخی کشورهای غربی از جمله آلمان و لهستان با پرداخت غرامت‌های سنگین به یهودیان تاوان این ماجرا را می‌پردازند. اما آیا این ماجرا حقیقت است یا افسانه‌ای بیش نیست؟

از نیمه دوم قرن ۲۰ میلادی و چند سال بعد از پایان جنگ جهانی دوم، واژه هولوکاست در فرهنگ سیاسی، مفهوم و معنای ویژه‌ای یافت و تقریباً به یک اسم خاص مبدل شد. از آن هنگام به بعد، ماجرای کشتار شش میلیون یهودی در جریان جنگ جهانی دوم از سوی نازی‌ها را هولوکاست می‌نامند.[۱]

جنبه دیگر این ماجرا پیوند و گره ناگسستنی این اسطوره با سیاست یهود است. صهیونیست‌ها با دامن زدن به هولوکاست در حقیقت درصدد تحکیم پایه‌های اسرائیل هستند تا با پنهان شدن پشت اسطوره‌ای خیالی، مظلومیت یهود را فریاد بزنند و تشکیل حکومتی مستقل و مقتدر را حق خود

---

۱. مجید صفا تاج، ماجرای هولوکاست بازنگری تاریخی کشتار یهودیان، انتشارات سیب، ۱۳۸۴، صص ۱۰-۹

و در جهت دفاع از خود بدانند. در حقیقت آنها همیشه خود را در خطری ژرف معرفی می‌کنند تا حق عمل غیرانسانی را برای دفاع از خود صادر کنند.

بعد از ایراد سخنرانی‌های مکرر رئیس جمهور محترم ایران، آقای دکتر احمدی‌نژاد پیرامون ماهیت و موجودیت رژیم جعلی حاکم بر سرزمین‌های اشغالی و بخصوص جبهه‌گیری صریح علیه موضوع هولوکاست، بحثی تحت عنوان «ماهیت و واقعیت هولوکاست» در صدر عناوین رسانه‌های خبری جهان قرار گرفت.

اما به واقع در میان اغلب مردم کشور ما شناخت از حقیقت هولوکاست، که در نیم قرن گذشته جزء جدایی ناپذیر اسرائیل بود و همواره آن را یک قوم مظلوم معرفی کرده، سطحی و گمراه کننده بوده است.

در این کتاب سعی شده به صورت اختصار به معرفی یهود و صهیونیسم پرداخته، سپس با بررسی ساختار تاریخی هولوکاست، دیدگاه‌های مخالفان و در نهایت به دستاوردهای حاصل از هولوکاست برای یهودیان اشاره شود.

فصل اول :

یهود و صهیونیسم

۱ - مفهوم یهود و خصلت‌های قومی آن

واژه یهود

قوم حضرت موسی(ع)،[۱] از نسل دوازده فرزند حضرت یعقوب(ع).[۲]

وجه تسمیه آنها به یهود را چنین می‌دانند:

موسی(ع) گفت: (انا هدنا الیک) یعنی خداوندا ما به تو باز گشتیم.

همه بنی‌اسرائیل یا بیشتر آنها را «یهودا» می‌نامیدند، پس این قوم یهوذ خوانده شدند و بعداً به دال معرب گشت.[۳]

راغب در مفردات می‌گوید: یهود از «هاد - یهود - هوداً» به معنای توبه و بازگشت همراه با نرمی و آرامش است و علت نامگذاری قوم موسی به این نام، جمله حضرت موسی(ع) بود که بعد از صاعقه و گناه همراهانش در میقات گفت: «انا هدنا الیک» و این امر سبب شد که به تدریج پیروانش یهودی خوانده شوند.[۴]

درباره نام «یهودا» در سفر پیدایش ۳۵/۲۹ آمده است که چون همسر یعقوب(ع) این فرزند را باردار شد گفت: چون به دنیا آمد حمد و ستایش خدای را به جای خواهم آورد. پس او را یهودا (یعنی ستایش) نامید.[۵]

---

۱. عباس قمی، فرهنگ واژگان قرآن کریم، ترجمه غلامحسین انصاری، انتشارات امیرکبیر، چ ۲، ۱۳۸۵، ص ۳۱۱

۲. محمد رضائی، واژه‌های قرآن، انتشارات مفید، ۱۳۶۰، ص ۳۲۴

۳. سید مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۱۰، چ۳، موسسه فرهنگی آرایه، ۱۳۶۰، ص ۶۲۸

۴. راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، انتشارات مرتضوی، ۱۳۹۲ه.ق، ص ۵۴۴

۵. مصطفی صادقی، پیامبر(ص) و یهود حجاز، چ ۳، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۶، ص ۳۱

یهودی کسی است که به پیامبری حضرت موسی(ع) و کتاب تورات اعتقاد دارد. این چنین شخصی از نظر اسلام «اهل کتاب» است. اما صهیونیست، یهودیی است که متعصبانه معتقد به برتری قوم یهود است و بازگشت به ارض موعود اورشلیم را حق و وظیفه خود می‌داند و طبعاً و لزوماً در آرزوی حکومت جهانی یهود به سر می‌برد و در این راه از هیچ کاری دریغ ندارد.[1]

یهودیت آئینی رسمی و آسمانی است که به نبوت حضرت موسی(ع) قائل هستند و کتاب تورات را به صورت کتاب آسمانی می‌پذیرند. قائلان به آئین یهود می‌دانستند که رسمیت این دین تا آمدن پیامبر بعدی از جانب خداوند متعال است. در هر صورت پیروان این دین پایبند اصول و مقرراتی بودند که در تورات بیان نشده بود. هر چند انحرافاتی اساسی در طول تاریخ این دین به عمل آمد و بعضی فرصت‌طلبان جهت بهره‌برداری شخصی و دنیایی از آن، تحریف‌هایی در آن پدید آوردند.[2]

اعتقادات قوم یهود

یهودیان دارای دین آسمانی هستند با پیامبری حضرت موسی(ع)، آنها معتقد به وجود خداوند یکتا هستند. نام خاص خدا در دین یهود یَهوَه یعنی باشنده (موجود) است. این نام بسیار احترام دارد و بر زبان آوردن آن حتی از طریق قرائت تورات حرام است. بر اثر این تحریم، کسی تلفظ حقیقی آن را نمی‌داند و گاهی در کتاب‌های علمی مغرب زمین، از باب احتیاط آن را بدون

---

۱. شمس‌الدین رحمانی، تصویر آینده، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹، ص ۴۳

۲. هادی آجیلی، «ارتباط هویتی میان یهود و صهیونیسم»، نشریه راهبرد شماره ۴۱ ، ص ۴۳۹

حرکت (yHwH) ثبت می‌کنند. اما گروهی از محققان برآنند که تلفظ حقیقی آن یَهوَه است.[۱]

در نزد یهودیان، یهوه مظهر بخشندگی و مهربانی است و در عین حال، جبار و قهار و انتقام‌جو است.[۲]

هنگامی که سه ماه از خروج بنی‌اسرائیل از مصر گذشته بود، حضرت موسی(ع) مأموریت یافت برای گفتگو با خداوند به بالای طور سینا (=کوه سینا) برود. وی در آنجا دو لوح دریافت کرد که فرمان‌های خداوند بر آنها نقش بسته بود.[۳]

از جمله آن فرمان‌ها، ده حکم بسیار مهم است که به ده فرمان معروف شده است، این اوامر عبارتند از:

۱. برای خود خدایی جز من نگیرید.
۲. به بت سجده نکنید.
۳. نام خدا را به باطل نبرید.
۴. شنبه را گرامی بدارید.
۵. پدر و مادر را احترام کنید.
۶. کسی را به قتل نرسانید.
۷. زنا نکنید.
۸. دزدی نکنید.
۹. بر همسایه شهادت دروغ ندهید.

---

۱. حسین توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ، چ ۵، انتشارات سمت، ۱۳۸۱، ص ۸۸

۲. محسن اسلامی، لابی صهیونیسم در ایالات متحده آمریکا، انتشارات فقاهت، ۱۳۸۴، ص ۷۳

۳. حسین توفیقی، همان، ص ۸۰

۱۰. به اموال و ناموس همسایه طمع نورزید.[۱]

تعالیم یهود، آن است که به هر یهودی، واجب است که بیت‌المقدس را دوبار در سال زیارت کند و یک هفته در آن جا بماند. به تقدس روز شنبه سخت معتقد هستند، طبق احکام دینی در میان ایشان رسم ختنه واجب است، تعالیم دینی از سیزده سالگی واجب می‌شود. مراسم ازدواج در معابد انجام می‌گیرد ازدواج با غیریهودی را حرام می‌دانند، محل عبادت آنان «کنیسه» نام دارد. آنان در بعدازظهر جمعه که دست از کار می‌کشند، برای عبادت به کنیسه می‌روند. در روز شنبه، هیچ کاری انجام نمی‌دهند حتی از پختن غذا هم خودداری می‌کنند. همانند دین اسلام، گوشت بسیاری از حیوانات مخصوصاً خوک (گراز) برای آنها حرام است و ذبح غیریهودی را هم نمی‌خورند.[۲]

اعتقاد به روز رستاخیز، با توجه به تأثیرات دین زردشت در بین یهود مطرح شده است. چرا که در تورات تحریف شده امروز از روز رستاخیز سخنی به میان نیامده است. ایشان، مجتهدان خویش را از باب احترام، ربن؛ یعنی استاد ما و ربی؛ یعنی استاد من می‌خوانند. اما خود ایشان از باب نوعی تواضع، خود را تلمیذ خاخانیم؛ یعنی شاگردان حکیم می‌خوانند.[۳]

در خصوص وظایف این عده جان بی‌ناس می‌نویسد:

«ربانیون را دو وظیفه و دو تکلیف بود که می‌بایستی برای عامه مردم به جا آورند؛ «نخست آنکه: کتاب مقدس و صحف انبیا را برای آنها شرح و تفسیر کنند... وظیفه دوم ربانیون آن بود که مراسم عبادات و مناسک مذهبی

---

۱. همان، ص ۸۰

۲. غلامعلی آریا، آشنایی با تاریخ ادیان، موسسه فرهنگی انتشاراتی پایا، ۱۳۷۶، ص ۱۴۳

۳. محسن اسلامی، همان، ص ۷۵

را از حالت تمرکز در معبد اورشلیم خارج کرده و مجامع عدیده را برای عامه مردم در همه جا و در هر قصبه و قریه فراهم سازند».[۱]

اسرائیلی‌ها زن را چون ابزار فعالی می‌دانند که فقط برای ارضاء تمایلات جنسی مردان آفریده شده و باید بر او مثل چهارپا حکم راند.

در دعای مخصوص از کتاب تورات آمده است: «خدایا سپاسگذارم که مرا زن و حیوان نیافریدی!»

در میان یهودی‌های ساکن در فلسطین گروه‌های تندرو به قدری در این زمینه راه افراط را پیموده‌اند که دیدنی است.[۲] آنها اعتقاد دارند که زنان در دوره عادت ماهیانه ناپاک و پلید هستند و باید از آنها دوری کرد. بنابراین آنها حتی در کنار زنان یهودی در اتوبوس و تاکسی نمی‌نشینند.[۳]

خصلت‌های قومی یهود

بی‌تردید، یهودیان از جهات بسیاری با دیگر ملت‌های جهان متفاوتند. آنان طی دوران حیات طولانی خویش، همیشه به عنوان یک اقلیت وابسته و تابع در حاشیه جوامع و در کنار ملت‌های مختلف جهان زیسته‌اند. در میان این ملت‌ها «خوی یهودی» و «رفتار و منش یهودی» مقوله‌ای آشنا و شناخته شده به شمار می‌آمده و در طول تاریخ، تقریباً به یک معنا به‌کار می‌رفته است.[۴]

---

۱. جواد مشکور، خلاصه ادیان و تاریخ دین‌های بزرگ، ۱۳۶۲، انتشارات شرق، ص ۱۴۳

۲. فریبا انیسی، رازهای سرزمین سبز، انتشارات بروج، ۱۳۸۶، ص ۷۷

۳. همان، ص ۷۵

۴. احمد کریمیان، یهود و صهیونیسم (تحلیل عناصر قومی، تاریخی و دینی یک فاجعه)، موسسه بوستان کتاب قم، ۱۳۸۴، ص ۶۳

بر این اساس، یهودیان در طول تاریخ همواره به داشتن هنجار و رفتاری ویژه، شاخص بوده‌اند. در سراسر دورانی که در موضع ضعف و ناتوانی بـه سـر می‌بردند، تن به خضوع و ذلّت و تملّق و احیاناً مزدوری می‌سپردند و در موارد اندکی هم که به طور موقت اقبال و قـدرتی مـی‌یافتنـد، قـساوت و رذالـت و خشونت را از حد می‌گذراندند.[۱]

یهودیان به عنوان قـومی دینـی تـاریخی بـه دارا بـودن صـفات زیـادی مشهورند که حتی بسیاری از این صفات در قرآن کریم نیز اشاره شده است از جمله:

رشوه‌خواری – خیانت در امانت – رباخواری – تحریف‌گری – دنیاگرایی – مال دوستی – کشتن پیامبران – خود برتربینی – گـرایش بـه طـاغوت – کتمان حقایق – عهدشکنی – بخل، ... که به اختصار به شـرح چنـد مـورد از مهم‌ترین صفات آنها می‌پردازیم.

۱- تحریف‌گری

یکی از صفات مهم قوم یهود تحریف حقایق است. این صـفت از صـفات روشن و آشکاری است که به طور مداوم در تاریخ یهود و صهیونیسم مشاهده می‌شود از جمله اسطوره‌های جعلی، تفسیرهای خطا از کتب مقدس توجه به برخی آیات و بی‌اعتنایی به آیات دیگر تـورات، تحریـف تـاریخ و ... شـواهدی است که این صفت را در میان صهیونیست‌ها نشان می‌دهد.[۲]

به عنوان مثال، این ادعای تاریخی که یهودیان از نژاد خالص و واحـدی هستند و نیز اولین ساکنان فلسطین که حق حاکمیت بر آن دارنـد یهودیـان

---

۱. همان، ص ۶۴

۲. هادی آجیلی، همان، صص ۴۴۶-۴۴۵

می‌باشند، و در مورد تحریف تورات هم ادعای اینکه، سرزمین‌های نیل تا فرات از سوی خداوند به بنی‌اسرائیل وعده داده شده، در حالی که این سرزمین‌ها در تورات به حضرت ابراهیم(ع) وعده داده شد.[۱] تلاش صهیونیسم برای تحریف قرآن کریم یکی دیگر از مصادیق این صفت است. این صفت در مورد قوم یهود در ۹ آیه قرآن آمده است که به ۲ نمونه از آن اشاره می‌کنیم[۲]:

«فَبَدَّلَ الَّذینَ ظَلَمُوا رِجزاً مِنَ السَّمآءِ بِما کانُوا یَفسُقُونَ»[۳]

«پس از آن ستمکاران حکم خدا را تبدیل به غیر آن نمودند ما نیز به کیفر بدکاری و نافرمانی برایشان عذابی سخت از آسمان نازل کردیم.»

«و اِنَّ مِنهُم لَفَریقاً یَلوُنَ اَلسِنَتَهُم بِالکِتابِ لِتَحسَبُوهُ من الکِتابِ وَ ما هُوَ مِنَ الکِتابِ وَ یَقُولُونَ هُوَ مِن عِندِالله وَ ما هوَ من عندالله و یَقُولُونَ عَلَی اللهِ الکَذِبَ وَ هُم یَعلَمُونَ»[۴]

«همانا برخی از اهل کتاب قرائت کتاب آسمانی را تغییر و تبدیل می‌دهند تا آنچه از پیش خود خوانده‌اند از کتاب خدا محسوب دارند و هرگز آن تحریف شده از کتاب خدا نخواهد بود و گویند این آیات از جانب خدا نازل شده در صورتیکه هرگز از جانب خدا نیست و با آنکه می‌دانند به خدا دروغ می‌بندند.»

---

۱. همان، ص ۴۴۶

۲. همان، ص ۴۴۶

۳. البقره (۲)/۵۹

۴. آل عمران (۳)/۷۸

۲- مال دوستی

یهودیان قومی هستند که به غایت به مال و ثروت علاقه‌مندند. آنان برای کسب ثروت و حفظ آن روش‌های گوناگونی در پیش می‌گیرند از جمله: رباخواری؛ رشوه‌خواری؛ تصرف اموال مردم؛ خیانت در امانت؛ تحریف آیات الهی در ازای بهایی اندک؛ عهدشکنی به منظور کسب ثروت و بخل.[۱]

محکم‌ترین شاهد بر حس مال‌پرستی یهودیان تسلط آنان بر بزرگ‌ترین شرکت‌های تجاری دنیاست: بازار نفت، اسلحه، مواد مخدر و صنعت سینما همه در دست یهودیان ثروتمندی همچون روچیلدها، راکفلرها، زوریخ و ... است که با ثروت اندوزی به دنیای اقتصاد چنگ زده‌اند.

خاخام «ریچران» در سخنرانی خود به سال ۱۸۶۹ م در شهر «براغ» نزد قبر «سیمون بن یهودا» ایراد کرده بود گفت: «اینک ملت یهود گام‌های بزرگی به سوی قله جهان برداشته و هر روز که می‌گذرد بر قدرت و توانایی و نفوذ ما افزوده می‌شود. ما خداوند این زمان یعنی «طلا» را مالک هستیم، همان خداوندی که توسط هارون به صورت گوساله‌ای درآمد و آن را پرستش کردیم، اکنون به صورت خداوند تمام مردم جهان درآمده است. زمانی که طلاهای جهان را به دست خود ببینیم به وعده‌های آبراهام جامه عمل پوشانده و بر جهان تسلط کاملی خواهیم یافت.»[۲]

در پروتکل اول دانشوران صهیون آمده است: «دوران حاکمیت دیانت سپری شده و زمان حکومت و سرمایه فرا رسیده است.»[۳]

---

۱. سهیلا جلالی کندری، یهود شناخت، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۷۷

۲. هادی آجیلی، همان، ص ۴۵۴

۳. عجاج نویهض، پروتکل‌های دانشوران صهیون، ترجمه حمیدرضا شیخی، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۱، ص ۲۵۱

و نیز در پرتکل دوم: «به کمک مطبوعات، طلا در دست ما انباشته می‌شود.»[۱]

دلبستگی به دنیا در بسیاری از یهودیان به اندازه‌ای بوده که در جهت رسیدن به آن، اقدام به هر عمل نادرست و جنایتی کرده‌اند. در تاریخ صدر اسلام نیز، با وجود آن که پیامبر اسلام را همچون فرزندان خود می‌شناختند اما به دلیل آنکه منافع اقتصادی خود را در معرض خطر می‌دیدند، وی را انکار کردند یهود هدف اساسی خود را دست‌یابی به زیورهای دنیوی انتخاب کرده و چون مطلوب نهایی او همان دنیا است جهت رسیدن به آن تمام ارزش‌های والای انسانی را زیر پا می‌گذارد و عامل تفرقه در میان سایر انسان‌ها می‌شود تا بدین طریق آنها به خود مشغول شده به جان هم بیفتند یهود به چپاولگری خود ادامه دهد.[۲]

در قرآن کریم نیز شواهدی بر مال دوستی یهود آورده شده است که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم.

«أولِئکَ الَّذینَ اشتَرُوا الحَیوه الدُّنیا بِالاخِرَه فَلا یُخَفَّفُ عَنهُمُ العَذابُ وَ لا هُم یُنصَرُونَ»[۳]

«اینان همان کسانند که متاع دو روزه دنیا را خریده و ملک ابدی آخرت را فروختند پس در آخرت عذاب آنها هیچ تخفیف نیابد و هیچکس آنها را یاری نخواهد کرد.»

---

۱. همان، ص ۲۶۰

۲. هادی آجیلی، همان، ص ۴۵۶

۳. البقره (۲)/۸۶

«اِنَّ الَّذینَ یَشتَرُونَ بِعَهدِ اللهِ وَ اَیمانِهِم ثَمَناً قَلیلاً اُولئِکَ لاخَلاقَ لَهُم فیِ الاخِرَهِ وَ لا یُکَلِّمُهُم اللهُ وَ لا یَنظُرُ اِلَیهِم یَومَ القِیمَهِ وَ لا یُزَکیّهِم وَ لَهُم عَذابٌ اَلیمٌ»[1]

«همانا آنان که عهد خدا و سوگند خود را به بهایی اندک بفروشند اینان را در دار آخرت بهره‌ای نیست و خدا از خشم با آنها سخن گوید. به نظر رحمت در قیامت بدانها ننگرد و از پلیدی گناه پاکیزه نگرداند و آنان را عذاب دردناک خواهد بود.»

«الَّذین یَبخَلُونَ وَ یَامُرُونَ النّاسَ بِالبُخلِ وَ یَکتُمُونَ ماآ اتهُمُ اللهُ مِن فَضلِهِ وَ اَعتَدنا لِلکافِرینَ عَذاباً مُهیناً»[2]

«آن گروه که بخل می‌ورزند و مردم را به بخل وادار می‌کنند و آنچه خدا از فضل خود به آنها بخشیده از آیات و احکام آسمانی کتمان می‌کنند و خدا بر کافران عذابی خوار کننده مهیا داشته است.»

شاید عمده گرایش یهودیان به مال دوستی و دنیاپرستی عقیده به ملت برگزیده بودن از جانب خداوند است و شاید هم یهودیان به جز مظاهر زندگی مادی به چیز دیگری ایمان ندارند.

۳ - قوم برگزیده

یکی از مشخصه‌های بارز یهود، روحیه نژادپرستی و برتر دانستن خود بر سایر امت می‌باشد که این را می‌توان در فکر و اندیشه و هم در رفتارهای اجتماعی و روابط اجتماعی آنان مشاهده نمود. نمونه‌های فراوانی از آن در تاریخ بنی‌اسرائیل و یهود موجود است که یک نمونه از آنها همین است که

---

۱ . آل عمران (۳)/ ۷۷

۲ . النساء (۴)/۳۷

برای خود حتی نزد خدا دارای موقعیت ویژه مانند موقعیت فرزند نزد پدر قائل شده و سایر بندگان را افراد بیگانه با خدا معرفی می‌کنند.

یهود مانند شاهزادگان فکر کرده، تصور می‌کنند در تشکیلات خدایی هم همان روابط انسانی آن‌هم شاهانه حکومت می‌کند و نزدیکان و فرزندان! خدا از تکلیف و مأموریت و مجازات معاف بوده و تنها آنها حق بهره‌مندی و خوردن و لذت بردن را دارند کسی را نرسد که آنها را مورد سؤال و بازخواست قرار دهد.[1]

به دیگر سخن، براساس متون دینی یهودیان، آنان عطیه الهی‌اند و خداوند آنان را دوست می‌دارد و از این‌رو، آنان را از میان مردم زمین برای اداره حکومت جهانی برگزیده است.[2]

از دلایل یهودیان برای اثبات برگزیده بودن خویش، ویژگی‌هایی است که به گمان آنان، تنها در یهودیان وجود دارد. یهودیان گمان می‌کنند که شباهتی به ملل دیگر ندارند و نژادشان پاک‌ترین و خالص‌ترین نژادهاست و به این دلیل، در سراسر تاریخ از پذیرش حاکمیت و سلطه هر کسی جز پروردگار عالم سرباز زده‌اند. همچنین، یهودیان بر آنند که قوم یهود، ملتی است بی مانند و آنان نخستین مورخان دنیا و تنها دارندگان فرهنگ مستقل در خاورمیانه و جهان، گل سرسبد آفرینش، مردمی کوشا و توانا، اولین کاشفان حکومت جهانی خدا، نژاد برتر و ملت مقدس هستند و به دلیل

---

۱. عبدا... حاجی صادقی، سیمای یهود در قرآن، بنیاد قرآن و عترت سپاه، ۱۳۸۴، ص ۶۳

۲. احمد محمدی، «بررسی تاریخی – تحلیلی یهود ستیزی و پیدایش صهیونیسم»، مجموعه مقالات سمینار بین‌المللی بررسی هولوکاست: چشم‌انداز جهانی، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴، ص ۳۵۳

برخورداری از این ویژگی‌ها، بر دیگران می‌بالند و خود را شایسته حکومت مستقل و یا سلطه بر جهانیان می‌دانند.[۱]

یهودیان مدعی‌اند که خداوند در کتاب‌های دینی آنان، وعده داده است که روزی فرزندان و بازماندگان قوم برگزیده و در همان حال پراکنده یهود را از سراسر جهان به دور کوه صهیون اورشلیم گرد می‌آورد و آنان را برای همیشه از آوارگی نجات می‌دهد و در فلسطین ساکن می‌کند. خداوند این وعده را توسط یک منجی الهی محقق می‌سازد.[۲]

برتری قوم یهود در اصل خاستگاهی توراتی دارد چنانچه براساس متون دینی یهودی، یهود قوم برگزیده، خداوند است زیرا خدا به بنی‌اسرائیل وعده حکومت از نیل تا فرات را داده است. در واقع کتاب مقدس یهودیان آنان را قومی که خداوند کیفرشان داده و در همان حال برگزیده است معرفی می‌کند.[۳]

در آیاتی از قرآن کریم و منابع یهود، به نژادپرستی و ادعای برتری این قوم اشاره شده است.

«وَقالَت الیَهودُ وَ النّصاری نَحنُ اَبناءُ الله وَ اَحِبّاؤُهُ»[۴]

«یهود و نصارا گفتند: ما فرزندان و دوستان خداییم.»

---

۱. همان، ص ۳۵۳

۲. همان ۳۵۳

۳. عبدا... حاجی صادقی، همان ۳۵۳

۴ . المائده (۵)/۱۹

در این آیه مسئله قوم برگزیدهٔ خدا بودن به روشنی مطرح و حتی بالاتر از آن بر این مطلب تصریح شده است که بنی‌اسرائیل خود را فرزندان خدا می‌دانسته‌اند.[۱]

«قوم برگزیده» عنوانی است که در تورات و تلمود فراوان به چشم می‌خورد. به گونه‌ای که مردم جهان به دو بخش اسرائیلی و غیراسرائیلی تقسیم شده‌اند. «اعتقاد یهودیان به این که قوم برگزیده‌اند مقوله‌ای اساسی در آیین یهود است و در تلمود آمده است که اسرائیل به دانه زیتون شباهت دارد چون زیتون امکان آمیختن با دیگر مواد را ندارد. در سفر تثنیه ۶/۷ آمده است: شما قوم مقدسی هستید که خداوند از میان دیگر ملت‌های زمین شما را انتخاب کرده است و این به جهت فزونی شما نیست بلکه تعداد شما کم است ولی این انتخاب به جهت محبت خدا به شما و سوگندی است که برای پدرانتان یاد کرده است.»[۲]

شگفت آن که در تلمود آمده است: اعتبار اسرائیلی بیش از ملائکه است و یهودی جزئی از خداست.

آن که یهودی را بزند، گویی عزت الهی را زده است. قوم برگزیده تنها یهود است و بقیه مردم حیوانند!! غیریهودی هر که باشد دشمن است و نباید به او رحم کرد. یهودی حق دارد در اموال دیگران تصرف نماید به همین جهت است که قرآن می‌فرماید: «اگر دیناری به آنان بدهی به تو باز نمی‌گردانند. چون معتقدند که در برابر غیریهودی مسئولیتی ندارند.»[۳]

---

۱. حسین فریدونی، صهیونیسم سرطانی بر پیکر جامعه بشری، انتشارات آفاق، ۱۳۸۶، ص ۱۹

۲. مصطفی صادقی، همان، ص ۳۷

۳. همان، ص ۳۸

منشأ بسیاری از تجاوزات و جنایاتی که یهودیان در طول تاریخ و در عصر حاضر صهیونیسم انجام می‌دهند، به همین روحیه برتری‌طلبی و نژادپرستی یهود برمی‌گردد.

اصحاب اخدود در قرآن

یکی از مهم‌ترین شیوه‌هایی که قرآن برای هدایت انسان به آن پرداخته، چهره‌نمایی از اقوام و ملل و بررسی چگونگی احوالات امت‌های پیشین، رفتارهای فردی و اجتماعی، برخوردهای آنها با پیامبران و فرجام زندگی آنها به دقت در قرآن آمده و در نهایت همه این‌ها را برای عبرت‌آموزی و پند گرفتن مؤمنان دانسته است.

در میان مجموعه اقوام و ملت‌هایی که شرح حال و زندگی و سوانح حیات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آنان در قرآن عرضه شده است، بنی‌اسراییل برجستگی ویژه‌ای دارد. قرآن از بنی‌اسراییل بیش از هر قوم دیگری سخن گفته است.[۱]

گزارش گسترده از بنی‌اسراییل در قرآن، جهت قصه‌گویی نیست، بلکه بدان جهت است که مسلمانان با روحیّات و اندیشه دشمن سرسخت خود آشنا شوند، و حیله‌های مختلفی را که آنان به قصد سدّ کردن راه هدایت و اضلال به کار می‌برند، بشناسند تا بتوانند با آنان مبارزه کنند. از سوی دیگر بدانند، صرف انتساب به یک دین الهی موجب نجات نخواهد بود؛ بلکه باید با تقوا و پرهیزکار بود و به دین الهی تمسک جست تا مقرب درگاه الهی شد. نیز با آگاهی از خلق و خوهای ناپسندی که موجب انحراف یهودیان از دین

---

۱. سهیلا جلالی کندری، همان، ص ۱۲

شد، خود در پیروی اسلام دقت داشته باشند، و از انجام آن اعمال، و رشد آن صفات اخلاقی جلوگیری کنند.[۱]

اینک به نمونه‌ای از اعمال یهودیان که در قرآن به آن اشاره شده می‌پردازیم:

سوره بروج آیات ۱ تا ۲۲

یکی از معروف‌ترین موارد کشتار، مربوط به «ذنواس» آخرین پادشاه «حمیر» در سرزمین «یمن» است.[۲]

این واقعه هولناک در فاصله زمانی بعداز ظهور حضرت مسیح(ع) و قبل از بعثت پیامبر اسلام(ص) در یمن اتفاق افتاده است.[۳]

«ذنواس» که آخرین نفر از سلسله گروه «حمیر» بود، به آیین یهود درآمد و گروه «حمیر» نیز از او پیروی کردند. او نام خود را «یوسف» نهاد و مدتی بر این منوال گذشت؛ پس به او خبر دادند که در سرزمین نجران، در شمال یمن، هنوز گروهی بر آیین نصرانیت باقی هستند. هم مسلکان ذنواس او را وادار کردند که اهل نجران را به پذیرش آیین یهود مجبور کند. او به سوی نجران حرکت و ساکنان آنجا را جمع کرد و آیین یهود را بر آنها عرضه داشت؛ ولی آنها نپذیرفتند.[۴]

سپس اجتماع عظیمی را دور هم جمع نمودند و این گونه به مجازات آنان پرداختند:

---

۱. همان، ص۱۲

۲. محمد جواد مهری کرمانشاهی، مجموعهٔ کامل قصه‌های قرآن، چ۲، انتشارات آیین دانش، ۱۳۸۶؛ ص ۳۵۹

۳. مهدی علیخانی، «افسانه شوآه و صنعت هولوکاست»، خبرگزاری شریف نیوز، ۸۴/۲/۱۶

۴. محمد مهدی کریمی نیا، «ماهیت اعتقادی و دینی صهیونیسم»، مجموعه مقالات سمینار بین‌المللی بررسی هولوکاست چشم‌انداز جهانی، ص۱۵۳

«ذنواس» پادشاه یهودی در جایگاه مخصوصی که برای او تدارک دیده‌اند. نشسته است و خاخام‌های یهود، اطراف او به احترام ایستاده‌اند، مقابل جایگاه، گودال‌های خندق مانند و عمیقی در زمین زبانه می‌کشد. آن سوی میدان، جمع انبوهی از مردان، زنان و کودکان در حالی که غل و زنجیر بر دست و پا و گردن آنها زده‌اند در محاصرهٔ سربازان و صاحب منصبان مسلح سپاه ذنواس به زانو نشسته‌اند. شیون زنان، ناله دردناک مردان و گریه سوزناک کودکان فضا را آکنده است. خاخام بزرگ یهود با اشارهٔ «ذنواس» فرمان او را برای آخرین بار و با صدای بلند به اسرا که جمع انبوهی از مردان و زنان و کودکان یمنی هستند، ابلاغ می‌کند.[1]

اسرا تنها دو راه پیش روی دارند، یا از مسیحیت اعلام انزجار کرده و به دین یهود درآیند و یا در آتش سوزان و پرلهیب بسوزند. امّا، اسرا که از پیروان پاکباخته مسیح(ع) هستند، دست از ایمان خویش برنمی‌دارند و بعد ... به فرمان پادشاه یهودی، تمامی آنان را زنده زنده به درون آتش انداخته و می‌سوزانند ... کودکان نیز، به جرم آن که پدران و مادران آنها مسیحی مؤمن و خداپرست بوده‌اند، از زنده سوختن در آتش خشم پادشاه و خاخام‌های یهود در امان نمی‌مانند.[2]

این کوره‌های آدم‌سوزی که به دست یهود به وجود آمد، احتمالاً نخستین کوره‌های آدم‌سوزی در طول تاریخ بوده است.[3]

---

۱. مهدی علیخانی، همان

۲. حسین شریعتمداری، «هولوکاست افسانه نیست»، روزنامه کیهان، ۸۴/۹/۲۲

۳. محمد مهدی کریمی‌نیا، همان، ص ۱۵۳

۲ - صهیونیسم

واژه صهیونیسم

مأخوذ از واژه صهیون،[۱] کلمه صهیون از کتاب عهد قدیم گرفته شده است و در واقع، ریشه در تورات و کتاب‌های منضمه آن دارد[۲]. صهیون به معنی کوه خشک یا پر آفتاب،[۳] صهیون نام کوهی در جنوب غربی بیت‌المقدس است[۴] که قرن‌ها محل عبادت زاهدان و دنیاگریزان یهودی است.[۵] و به طور اعم بر سرزمین بیت‌المقدس نیز اطلاق می‌شود.

صهیونیست در لغت به معنی دلباخته کوه صهیون می‌باشد.[۶]

و به کسی اطلاق می‌شود که به دلیل دلبستگی به کوه صهیون و سرزمین بیت‌المقدس زندگی رهبانی را برگزیده، تارک دنیا شده و با سکنی گزیدن در کوه صهیون و ترک زندگی مادی به عبادت در آن دیار مشغول شده، زندگی چنین افرادی در دین یهود از طریق صدقه‌های دیگران تأمین می‌گردد.[۷]

صهیونیسم به عنوان یک مکتب را چنین معرفی می‌کنند:

---

۱. روژه گارودی، پرونده اسرائیل و صهیونیسم سیاسی، ترجمه نسرین حکمی، چ ۴، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۷، ص ۱۷۷

۲ . حسین فریدونی، همان، ص ۲۹

۳. مجید گودرزی، «حقایقی پیرامون هولوکاست»، مجموعه مقالات سمینار بین‌المللی بررسی هولوکاست؛ چشم‌انداز جهانی، وزارت خارجه، ۱۳۸۴، ص۲۴۲

۴. علی اکبر ولایتی، ایران و مسأله فلسطین بر اساس اسناد وزارت امور خارجه، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۳۳

۵. هادی آجیلی، همان، ص ۴۳۸

۶. حسن واعظی، نبرد نابرابر، انتشارات سروش، ۱۳۷۹، ص ۱۱

۷. همان، ص۱۱

نهضت ملی یهودی با الهامات مذهبی و سیاسی که هدف از آن بازگشت یهودیان به فلسطین است که از نظر یهودیان سرزمین خودشان (ایرتص اسراییل) تلقی شده و می‌خواهند در آن سرزمین یک کانون یهودیت ایجاد کنند. اگرچه واژه صهیونیسم فقط از اواخر قرن نوزدهم ظاهر شد، اما مفهوم بازگشت به صهیون از زمان انتقال یهودیان به بین‌النهرین پس از دست رفتن استقلال امپراطوری‌های عبری بنی‌اسرائیل (در ۷۲۱ ق.م.) و یهودا (در ۵۸۷ ق.م.) ایجاد شده است.[۱]

اندیشه صهیونیسم

قبل از رنسانس، صهیونیسم سیاسی هیچ معنا و مفهومی نداشت.[۲] پس از رنسانس، در قرن هفدهم و هجدهم به مرور زمان صهیونیسم سیاسی متولد شد.[۳] و در مسیری کاملاً متفاوت از این‌ها، الگوها و مرام فکری و عملکرد صهیونیسم مذهبی، جریان یافت. زیرا قبل از آنکه به موجودیت یهودیت به عنوان یک دین الهی و عرفان نهفته در صهیونیسم مذهبی توجه داشته باشد. به نژادپرستی افراطی و تلاش برای برتری قوم یهود (البته با تعریف مذهبی آن) اذعان داشت.[۴]

بنابراین به جای آن تعریف قدیمی از صهیونیسم که سرشار از مؤلفه‌هایی دینی و عرفانی بود در اواخر قرن ۱۹، واژه صهیونیست به کسانی اطلاق می‌شد که یهودیان را نژاد اصیل و قوم برتر می‌دانستند و معتقد بودند

---

۱. روژه گارودی، همان، ص۱۷۷

۲. احمد محمدی، همان، ص ۳۴۳

۳. حسن واعظی، همان ۱۱

۴. احمد محمدی، همان، ص ۳۴۳

که خداوند بنی‌اسرائیل را بر سایر اقوام برتری داده و حاکمیت بر کره زمین را به آنان واگذار نموده است.[۱]

صهیونیست‌های سیاسی با این نگرش نژادی و برتری طلبی‌های قومی، سرزمین فلسطین را ارض موعود قلمداد کردند و خواستار شکل‌گیری ملت یهود و ایجاد دولت بنی‌اسرائیل در ارض موعود شدند.[۲]

بنابراین می‌توان گفت: «صهیونیسم ... از یهودیت، فقط به عنوان استتار و عذر توجیهی استفاده می‌کند.» و جالب اینکه یکی از ایدئولوگ‌های صهیونیستی تصریح می‌کند: «صهیونیسم همانند یک آمبولانس است که با زیر پا نهادن قوانین و مقررات رانندگی به نجات یهود! می‌شتابد!»[۳]

از قرن ۱۹ به افرادی که مطابق اسطوره‌ها و هویت دینی خود اعتقاد به بازگشت قوم یهود به فلسطین و تشکیل دولت یهودی داشتند، «صهیونیست» گفته شد. لذا اگرچه صهیونیسم در ابتدا به خدا اعتقادی نداشت و حرکت غیردینی بود و طرفداران آن، بر این باور بودند که تبعید قوم یهود، نه حاصل گناه آنان بلکه نتیجه شمار اندک یهودیان می‌باشد، اما بعدها پذیرفتند با استفاده از تعالیم دینی و روش‌های سیاسی، ملت یهود را باید در مکانی خاص گرد آورد. در نتیجه صهیونیسم را می‌توان «تفسیر سیاسی تورات» برشمرد.[۴]

---

۱. حسن واعظی، همان

۲. هادی آجیلی، همان، ص ۳۳۷

۳. محمدتقی تقی‌پور، توطئه جهانی، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۱۹

۴. هادی آجیلی، همان، ص ۴۳۸

مبنای فکری تشکیل اسرائیل

خشونت، کشتار و برافروختن آتش جنگ از اجزای لاینفک صهیونیسم در مسیر آرمان مورد نظر بود. تئودور هرتزل در خاطرات خصوصی و محرمانه خود به این اصل تأکید کرده بود که فشار نظامی عنصری لازم در استراتژی صهیونیسم است.[۱]

این اسرار چیزی نبود جز طرح جنگ جدید و فراگیری در اروپا که نه تنها ضرری برای صهیونیسم در برنداشت بلکه در پیشبرد برنامه‌ها و تحقق آرمان آن بسیار ضروری و نقش اساسی داشت.[۲] چنین بود که رویداد بزرگی به نام جنگ جهانی اول برپا شد و همانگونه که هرتزل خبر داده بود، یهودیان نه فقط آتش‌افروز جنگ بودند بلکه بیشتر از رؤسای کشورهای درگیر جنگ درباره مدت تقریبی استمرار و یا پایان آن اطلاع داشتند.[۳]

با شروع جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ یهودی (۱۲۹۳ ه.ش.)، متنفقین به رهبری انگلستان و فرانسه در مقابل متحدین به رهبری آلمان و امپراطوری عثمانی صف‌آرایی کردند. در این مقطع زمانی اکثر قریب به اتفاق کشورهای عربی در خاورمیانه از جمله فلسطین تحت حاکمیت و سیطره امپراطوری عثمانی قرار داشتند. انگلستان برای دستیابی به پیروزی در مقابل آلمان و دولت عثمانی، هم به حمایت صهیونیسم جهانی و یهودیان اروپا و آمریکا نیاز داشت و هم به همکاری اعراب خاورمیانه وابسته بود. صهیونیسم جهانی برای همکاری با متفقین خواستار مساعدت انگلستان برای تشکیل

---

۱. محمدتقی تقی‌پور، پس پرده هولوکاست، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۴، ص ۶۱

۲. دیوید هرست، تفنگ شاخه زیتون، ترجمه رحیم قاسمیان، انتشارات بنیاد، ۱۳۷۰، ص ۱۲

۳. محمدتقی تقی‌پور، همان، ص ۶۲

ملت و دولت یهود در سرزمین فلسطین بود و اعراب نیز برای همکاری با انگلستان تضمین‌هایی برای استقلال خود می‌خواستند.[۱]

جنگ جهانی اول بهترین موقعیت و فرصت را برای تحقق اهداف صهیونیسم مهیا ساخت. از دیدگاه رهبران صهیونیستی «مسأله صهیونیسم، با آغاز جنگ اهمیت پیدا کرد» و در این مقطع زمانی صهیونیسم به یک واقعیت تبدیل شد.[۲]

اگرچه تأسیس کشور یهودی‌نشین در فلسطین هدف غایی صهیونیسم و هدف اصلی تلاش‌های صهیونیستی است، اما راه دستیابی به هدف در گرو یک رشته مراحل واسطه قرار دارد.[۳]

جنگ جهانی اول چندین بار به دستور سرمایه‌داران بزرگ بین‌المللی [آتش افروزان اصلی و پشت پرده جنگ] به تعویق افتاده بود. زیرا اگر این جنگ پیش از موعد شروع می‌شد، کشورهایی که مورد نظر آنها بودند، درگیر آن نمی‌شدند. از این‌رو صاحبان طلا، یعنی اربابان جهان ناچار شدند چندین بار، شور و هیجان نظامی را که تبلیغات خود آنها برانگیخته بود فرو بنشانند.[۴]

فلسطین از سوی ارتش انگلیس، به فرماندهی یک ژنرال یهودی به نام «آلبنی» اشغال شد و اعلامیه «بالفور» از سوی وزیر امور خارجه وقت بریتانیای کبیر در نوامبر سال ۱۹۱۷ مبنی بر اعلام موافقت حکومت

---

۱. حسن واعظی، همان، ص ۵۷

۲. محمدتقی تقی‌پور، همان، ص ۶۴

۳. ناهوم سوکولوف، تاریخ صهیونیسم، ترجمه داود حیدری، ج ۲، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۷، ص ۷

۴. هنری فورد، یهود بین‌الملل، ترجمه علی آرش، انتشارات موسسه فرهنگی، پژوهشی ضیاء اندیشه، ۱۳۸۲، ص ۲۳۵

پادشاهی انگلیس با ایجاد کانون ملی یهود در فلسطین صادر و امپراتوری عثمانی نیز متلاشی گردید.[۱]

مشکل و مانع عمده صهیونیسم و قدرت جهانی حامی آنها، به ویژه انگلستان و آمریکا این بود که علی‌رغم شعارهای صهیونیستی: «فلسطین، سرزمین بی‌مردم در انتظار مردم بی‌سرزمین»، مردم اصیل فلسطین و صاحبان و ساکنان اصلی آن که قرون متمادی در آن سرزمین سکونت و زمینه تاریخی داشتند، در مقابل کوچ‌نشینان یهود و صاحبان اشغالگر انگلیسی و صهیونی به مقاومت و دفاع جانانه از خانه و سرزمین خود برخاستند. عکس‌العمل شجاعانه و نبرد قهرمانانه و خونین مردم فلسطین در مقابل مهاجمان، مانع پیشروی رهبران و پیشقراولان صهیونیسم شد.[۲]

انگلیس با سلاح و مهمات به کمک یهودیان شتافت آنان را آموزش نظامی داد و سپس برای آنها ارتشی ایجاد کرد که به وسیله آن به کشتار اهالی عرب فلسطین بپردازند.[۳]

رهبران صهیونیسم با دولت استعمار انگلیس در مورد انتقال یهودیان به فلسطین به موافقت رسیدند. و نیز از آنها برای برپایی کشور اسرائیل در آن سرزمین که مطامع آنها را متحقق سازد و نیز در جهت تهیه و تأمین وسائل و امکانات گردآوری میلیون‌ها یهودی – که از نقاط مختلف جهان به فلسطین انتقال یابند – کمک خواستند.[۴]

---

۱. محمدتقی تقی‌پور، همان، ص ۶۷

۲. همان

۳. مجید صفاتاج، دانشنامه فلسطین، ج ۱، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۲۸۸

۴. همان، ص ۲۸۷

رژیم اسرائیل از زمانی که شکل گرفت با جدیت تمام و سعی و کوشش فراوان شروع به فراهم آوردن این وسایل و امکانات کرد.[۱]

بنابراین قصد یهودیان از استیلا به فلسطین و برپایی حکومت اسرائیل در آنجا این بود که این حکومت موارد ذیل را به انجام رساند:

۱- بازسازی معبد سلیمان در محل مسجد الاقصی و برپایی مجدد تخت داوود در بیت‌المقدس و فراهم ساختن وسایل و امکانات به منظور گردآوری میلیون‌ها یهودی در فلسطین.

۲- سیطره اقتصادی بر خاورمیانه عربی و کشورهای اسلامی و بازار قرار دادن آنها برای صنایع یهودی، به طوری که اعراب و دیگر مسلمانان در این میان مصرف کننده تولیدات صنایع اسرائیل باشند.

۳- پیشروی از فلسطین به کشورهای همسایه و عربی دیگر و استیلاء بر آنها به نحوی که مرزهای این کشور از نیل تا فرات گسترش یابد.[۲]

در بیانیه رسمی اعلام موجودیت دولت اسرائیل در ۱۹۴۸ تأکید شده است که: «با توجه به حقوق طبیعی و تاریخی قوم یهود است که این دولت در فلسطین تأسیس شده است.» قابل ذکر است که در تبلیغات صهیونیست‌ها از مفهوم حقوق طبیعی در وعده سرزمین یک «حقوق الهی» ساخته شده است تا بر اساس آن حق الهی صهیونیسم بتواند فلسطین را به اشغال خود درآورد.

صهیونیست‌ها حق الهی خود را این‌گونه توجیه می‌کنند که: از زمانی که ابراهیم(ع) از شهر «اور» درعراق به سوی فلسطین رفت، خداوند همواره

---

۱. همان، ص ۲۸۷

۲. همان، ص ۲۸۸

به او و فرزندانش این نوید را داده است کـه: «ایـن سـرزمین را بـه ذریّـه تـو خواهم بخشید.» براساس همین قرارداد الهی موسی نیز عبرانی‌هـا را از مـصر به سوی کنعان حرکت داد و اینکه یهودیان بر فلسطین عنوان «ارض موعود» می‌گذارند از همین‌جا ناشی می‌شود. بنی‌اسرائیل در فلسطین تـشکیل دولـت داده و بناهای مقدس و مذهبی برپا کردند. دو پادشاه قدرتمند یهودی **داوود** و **سلیمان** در این سرزمین حکومـت کـرده‌انـد داوود شهراورشـلیم را مرکـز حکومت خود قرار داده و سلیمان هیکل ابراهیم را ساخته است. از زمانی کـه یهودیان از آنجا بیرون رانده شده‌اند پیوسته به درگـاه خداونـد نالیـده و از او خواسته‌اند که بتوانند دوباره به آنجا بازگردند.

دولت اسرائیل نیز براساس همین حـق مـسلم تـاریخی «ارض موعـود» تشکیل شد. آنها اشغال فلسطین را چنین استدلال می‌کننـد کـه تـسلط بـر سرزمین فلسطین ناشی از حقی است که پروردگار در مورد بازگـشت اخـلاف ابراهیم و قوم یهود به این سرزمین به ابراهیم داده شده است.[۱]

صهیونیست‌هـا عمـده دلایلـشان دربـاره مـشروعیت دولـت اسـرائیل را براساس دلایل تاریخی و توراتی ذکر کرده‌اند. آنها مدعی هستند که یهودیان همان فرزندان هبرون (Hebren) قدیم هستند و حق دارند بار دیگر بـه وطـن خود یعنی فلسطین بازگردند. آنها بر ایـن شـعار تکیـه مـی‌کننـد کـه «یـک سرزمین بدون خلق برای یک خلق بدون زمین.»[۲]

گلدامایر نخست‌وزیر وقت رژیم صهیونیستی با استناد به اشـعار، دربـاره حق تاریخی یهود بر فلسطین می‌گوید: «چنین نبوده که خلـق فلـسطین در

---

۱. همان، ص ۳۴۷

۲. همان

فلسطین بودند و ما آمدیم و آنها را بیرون کردیم و کشورشان را از آنان گرفتیم، آنها اصلاً آنجا نبودند و وجود خارجی نداشتند.»[۱]

صهیونیست‌ها علاوه بر ادعای تاریخی بر فلسطین، در مفروضات خود نیز چیزی را در نظر می‌گیرند که آن را «ملت یهود» نامیده‌اند و برای توجیه تسلط خود بر فلسطین تمام مسائل خود را بر این فرض استوار می‌سازند. آنان برای «ملت یهود» یک تداوم چند هزار ساله قابل تصورند.[۲]

هرتزل بنیانگذار صهیونیسم برای درست جلوه دادن صهیونیسم و «ملت یهود» واژه ملت را چنین توصیف می‌کند: «در نظر من ملت عبارت است از گروهی از افراد با پیشینه تاریخی و پیوستگی قابل شناخت و ناشی از وجود یک دشمن مشترک.» صهیونیست‌های امروزی و رهبران اسرائیل نیز با تکیه بر این تعریف از ملت، فلسطین را سرزمین ملت یهود می‌خوانند و خود را وابسته به ملتی به نام اسرائیل می‌دانند.[۳]

طرح ادعای یهود

ادعای اسرائیل مبنی بر حق تاریخی یهود بر سرزمین فلسطین اولین بار در سال ۱۹۱۹ در گزارش سازمان صهیونیسم جهانی در کنفرانس صلح ژنو مطرح گردید. در این گزارش ادعا شده است که؛ این سرزمین کانون تاریخی یهودیان است، بعد اضافه شده است که فلسطین وطن تاریخی ملت یهود است و یهودیان با زور از این کشور بیرون رانده شده‌اند.

اساس ادعای صهیونیست‌ها در این گزارش چنین بیان شده است:

---

۱. همان

۲. همان

۳. همان

الف- سرزمین فلسطین وطن تاریخی ملت یهود است که در آنجا به بزرگ‌ترین پیشرفت نائل آمده است ...

ب- در بعضی قسمتهای جهان به ویژه در اروپای شرقی شرایط زندگی میلیونها یهودی رقت‌انگیز است ... نیاز برای نجات آنان ضروری است ... و فلسطین راه نجات خوبی به‌نظر می‌رسد.

ج- ولی وسعت فلسطین به اندازه‌ای نیست که بتواند بیش از بخشی از یهودیان جهان را در خود جای دهد ... به هر جهت داشتن یک وطن ملّی یهودی در فلسطین بی‌نهایت برای آنان ارزشمند است.

د- این چنین فلسطینی که ثروت واقعیش همان اختلاف واقعی تمدن‌های آن است برای جهان به مقیاس بزرگتری ارزش خواهد داشت.[1]

---

۱. همان

فصل دوم :

هولوکاست و واقعیتهای تاریخی

۱ - بررسی تاریخی یهود ستیزی

تابوی هولوکاست

یهودیان به تدریج در حال تبدیل نمودن هولوکاست به یک مذهب می‌باشند و دلیل آن نیز کاملاً روشن است زیرا همان‌گونه که «روبر فورسیون» اظهار کرده نمی‌توان یک مذهب را با مباحث و استدلالات علمی رد نمود.[۱]

گرمار رادولف، از نویسندگان برجسته، در کتاب درس‌های هولوکاست می‌نویسد: «هولوکاست بزرگ‌ترین تابوی جوامع مدرن است. تابویی که حتی اجازه نمی‌دهند اعلام کنیم که یک تابوست.»[۲]

خاخام میشل گولدبرگ یکی از رهبران مذهبی و نویسندگان یهودی در این‌باره می‌گوید: «برای بسیاری از یهودیان، "احترام و تقدیس" هولوکاست به یک مذهب جدید تبدیل شده است؛ و مانند هر کلیسای متحد دیگری، فرقه هولوکاست اصول مذهبی و ایمان و مناسک و مقدسات خاص خود را دارد.»[۳]

الی وایزل که از «بازماندگان حرفه‌ای» هولوکاست است، در مقام روحانی این مذهب جدید می‌گوید: «هولوکاست یک راز قدسی است، رازی که به حلقه جماعت کاهنان باز مانده محدود شده است.»

---

۱. هولوکاست و اسلام ستیزی، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۵۴

۲. سید مجتبی عزیزی، همان، ص ۵۰

۳. مارک وبر، «پشت پرده بزرگداشت هولوکاست»، ناظر امین (ماهنامه فرهنگی، آموزشی و اجتماعی)، مرداد ۸۵، شماره ۲۹، ص ۴۰

از دیدگاه وی، هولوکاست یک «مسأله قدسی» است، آنچنان که وقتی فرد وارد این حوزه می‌شود باید کفش‌هایش را درآورد و هر بار که واژه هولوکاست را بر زبان جاری می‌کند، حالت خشوع پیدا کند. این برداشت الی وایزل و سایر برداشت‌های این چنینی از هولوکاست، که در بسیاری از کتاب‌های یهودی آمده، از سفر خروج (سوره ۳ آیه ۲) برداشت شده است. آنجا که خداوند بر موسای لرزان در آستانه ورود به طور سینا فرمود:

«بدین‌جا نزدیک مشو، کفش‌هایت را از پا درآور، چون تو در سرزمین مقدس ایستاده‌ای.»[۱]

نشانه دیگر «مقدس جلوه دادن» هولوکاست را می‌توان در قداست بخشی بازماندگان یافت. شرکت کنندگان در گردهمایی جهانی بازماندگان هولوکاست، در ژوئن ۱۹۸۱ سوگند یاد کردند «اجازه نمی‌دهیم خاطره قدسی ۶ میلیون از کشته شدگان ما تحقیر یا فراموش شود.» از نظر رومن پولانسکی، بازماندگان هولوکاست، قدیسین یهودی هستند و شماره‌هایی که در اردوگاه‌های تجمعی به بازوی آنها خالکوبی شده، نشانه قداست آنهاست.[۲]

«سایمون ویزنتال» به عنوان یکی دیگر از روحانیون عالی مقام فرقه هولوکاست می‌گوید: «زمانی که هر یک از ما با ۶ میلیون قربانی یهودی مواجه شویم، از ما خواهند پرسید که با زندگی ما چه کردید و من خواهم گفت شما را فراموش نکرده‌ام.»[۳]

اکنون اکثر یهودیان بیش از آن که به خدا معتقد باشند، به شش میلیون قربانی اعتقاد دارند. رهبران صهیونیسم با زیرکی هر چه تمام‌تر از

---

۱. سیدمحمد تراهی، همان، ص ۱۸۹

۲. همان ص ۱۹۰

۳. دفتر انتشارات اسلامی، همان، ص ۵۴

هولوکاست برای اتحاد یهودیان جهان بهره‌برداری می‌کنند و آنها را در وضعیت دائم هیجانی و جنون ناشی از آزار و اذیت (فرضی) نگاه می‌دارند. آنها این باور را به یهودیان تحمیل می‌کنند که تنها در صورت اتحاد با یکدیگر خواهند توانست از وقوع یک هولوکاست دیگر جلوگیری کنند.[۱]

گرمار رادولف نیز گزارش می‌دهد که اکنون در کشورهای غربی چنان در مورد هولوکاست عمل می‌شود که نشان می‌دهد هولوکاست جنبه دینی و مذهبی پیدا کرده است. او معتقد است که اکنون موزه‌های هولوکاست به مکانی برای عبادت تبدیل شده‌اند.[۲]

موزه‌ها و بناهای یادبود هولوکاست که همچون قارچ در سراسر آمریکا و اروپا در حال روییدن است، در واقع معابد این مذهب جدید است و «بازماندگان» هولوکاست همچون «الی وایزل» رهبران این مذهب جدید می‌باشند. برای اثبات این مطلب کافی است به جمله‌ای از «وایزل» اشاره کنیم که می‌گوید: «هولوکاست یک راز مقدس است که رمز آن را تنها بازماندگان روحانی می‌دانند.»[۳]

روزنامه لوس‌آنجلس تایمز در خبری راجع به افزایش شمار بازدیدکنندگان از موزه اردوگاه داخائو، این چنین تیتر می‌زند: «رکورد [در تعداد] مراجعه کنندگان به زیارتگاه قربانیان نازی» بدین ترتیب داخائو، به یکی از زیارتگاه‌هایی تبدیل می‌شود که مؤمنین یهودی می‌توانند برای زیارت به آنجا بروند.[۴]

---

۱. همان، ص ۵۵

۲. سیدمجتبی عزیزی، همان، ص ۹۴

۳. دفتر انتشارات اسلامی، همان، ص ۵۴

۴. سیدمحمد تراهی، همان، ص ۱۹۱

تبدیل شدن هولوکاست به مذهبی جدید در غرب هنگامی بیش از پیش جلب توجه می‌کند که در نظر آوریم مسیحیت به عنوان یک مذهب در بخش زیادی از اعتقادات و معنویات خود بر رنج‌هایی که مسیح تحمل کرد و بر موضوع (فدا) و رنج کشیدن مسیح به جای پیروانش و در نهایت بردار رفتن او به قیمت بخشش همه گناهان پیروان او مبتنی است. در این مذهب جدید که از آن به مذهب هولوکاست تعبیر می‌شود رنج‌های ادعایی یهودیان در اردوگاه‌های نازیسم جایگاهی مانند و حتی برتر از رنج‌های مسیح در مذهب مسیحیت می‌یابد.[۱]

کلود لانزمن، تبلیغات‌چی صهیونیسم اهل فرانسه و کارگردان فیلم بلند و بدون تردید ضعیف «شوآه» کتمان نمی‌کند که آئین هولوکاست قرار است جایگزین مسیحیت شود:

«اگر آشویتس فرار از وحشت تاریخ است، در این صورت پایه‌های مسیحیت فرو خواهد پاشید. مسیح پسر خداست، کسی که تا انتهای تحمل انسانی پیش رفت، جایی که سخت‌ترین دردها را تحمل کرد ... اگر آشویتس حقیقت دارد، در این صورت رنج انسانی‌ای وجود دارد که با رنج مسیح قابل مقایسه نیست ... در این مورد مسیح اشتباه است و او منشأ رستگاری نخواهد بود ... آشویتس دلیل انکار مسیح است.»[۲]

آمیراهاس، یکی از نویسندگان یهودی، می‌نویسد «رنج‌هایی که والدین ما در گتوها و اردوگاه‌های اروپا کشیده‌اند و اضطرابها و فشارها و زجرهای روانی و روحی که آنها تحمل کرده‌اند به عنوان سلاحی برای خنثی کردن

---

۱. همان، ص ۵۰

۲. همان، صص ۱۹۰-۱۸۹

انتقادات بین‌المللی علیه جامعه‌ای که ما در اینجا (اسرائیل) به وجود آورده‌ایم به کار می‌رود ...»[۱]

مذهب هولوکاست به هدف کنترل مردم خدمت می‌کند و مصونیت مهمی را برای اسراییل فراهم می‌آورد به طوری که نمی‌توان از آن انتقاد کرد و به یهودیان اجازه می‌دهد تا رفتار ویژه‌ای در بسیاری از کشورهای غربی داشته باشند. همچنین این پدیده به یهودیان در غرب اجازه می‌دهد در حالی که خودشان را به عنوان یک اقلیت تحت تعقیب به تصویر می‌کشند، کنترل نامناسبی بر رسانه‌ها و اقتصاد داشته باشند.[۲]

«آنتی سمیتیسم» سناریوی قرون اخیر

واژه فارسی یهودستیزی یا یهود آزاری به جای واژه انگلیسی Antisemitism به کار گرفته شده است که البته برگردان صحیحی نیست. چرا که این واژه انگلیسی به معنی ضدیت با نژاد سامی یا سامی ستیزی است. و نژاد سامی نیز به نوادگان فرزند بزرگ حضرت نوح(ع) برمی‌گردد، که شامل اعراب، یهودیان و غیره می‌شود.

شاید اگر واژه قدیمی یهودی منفور برای بیان این مفهوم مصطلح می‌گشت، دیگر نیازی به شرح وجه تسمیه واژه آنتی سمیتیسم نبود و کار محققین را نیز در به کارگیری ترجمه صحیح آن آسان می‌نمود چرا که در این خصوص دیگر مخیر به استفاده از معنای تحت‌اللفظی سامی ستیزی به جای آنتی سمیتیسم و معنای مصطلح آن، یهودستیزی یا یهود آزاری نمی‌شدند.

---

۱. سیدمجتبی عزیزی، همان، ص ۵۰

۲. «هولوکاست زمینه‌ساز مصونیت اسراییل»، روزنامه جوان ۸۴/۱۰/۱، ص ۳

واژه آنتی سمیتیسم اولین بار در سال ۱۸۷۹ توسط فردی به نام ویلیهم مار ابداع گردید که این واژه را برای اولین بار در کتاب خود تحت عنوان «پیروزی یهودیت بر ژرمن‌گرایی» آورده است.[۱]

امروز یهودیان می‌کوشند تا ضمن سرپوش نهادن بر ویژگی‌های قومی خویش، با ایجاد جنجال و هیاهو، نسبت به رفتارهای خشونت‌آمیزی که در گذشته بر ضد آنان صورت گرفته است، تصویری حق به جانب مظلومانه و رقّت‌بار ارائه دهند. ایشان از رفتارهای مزبور با عنوان «یهودستیزی» و یا «دشمنی با قوم سامی» یاد می‌کنند و در هیاهوی تبلیغاتی خویش ادعا می‌کنند که «یهودستیزی» دارای ابعاد سه‌گانه زیر است:

استمرار تاریخی. بدین معنا که از بدو تاریخ ظهور یهود، تا زمان حال، این آزارها و فشارها پیوسته ادامه داشته است.

گستره جغرافیایی. یعنی این آزارها محدود به منطقه‌ای خاص از جهان نبوده، بلکه شامل یهودیان سراسر گیتی بوده است.

شدت عمل. آنها مدعی‌اند که آزارهایی که یهودیان متحمل شده‌اند، چنان شدید و بی‌رحمانه بوده است که هیچ نژاد و قومی در جهان، مانند آن را ندیده است.[۲]

دلایل بدبینی و انزجار از یهود را در دوره‌های مختلف تاریخ و در میان اقشار مختلف مردم با گرایش‌ها، عقاید و آداب مختلف در نواحی گوناگون جهان، ناشی از بعضی خصلت‌ها، آداب و ویژگی‌های منحصر به فرد یهود دانسته‌اند. از نظر این دسته از نویسندگان، یهودی در میان دیگران خود را

---

۱. علیرضا سلطانشاهی، پژوهه صهیونیست، ج ۲، انتشارات مرکز مطالعات فلسطین، ص ۱۳۲

۲. احمد کریمیان، همان، ص ۹۱

«برگزیده» و «برتر» می‌داند. به عهد و پیمان وفادار نیست، چون قایل به رعایت قاعده بازی نیست. او خود را به هر رنگی در می‌آورد. به هر شیوه‌ای برای رسیدن به هدف متوسل می‌شود. برای پنهان کردن نیات خویش مجاز به استفاده از هر پوششی است.

قدرت انطباق‌پذیری آنان در محیط و در میان اقشار مختلف بسیار بالا و متفاوت با دیگران است. رباخواری، پول محوری، زرسالاری، قوم‌گرایی، تقلب، حیله‌گری از جمله ویژگی و خصلت‌های یهود قلمداد شده است.[۱]

که این‌ها همه می‌تواند دلیلی محکم برای طرد شدن یهودیان باشد.

دلایل یهودستیزی از دید ویل دورانت در کتاب تاریخ تمدن از جامعیت بیشتری برخوردار است. وی هفت دلیل برای یهودستیزی برمی‌شمارد:

۱. دلایل و عقاید دینی (عقاید دینی یهودیان و غیریهودیان)
۲. دلایل نژادی
۳. آئین قربانی مقدس و یا همان خون برای فطیر مقدس
۴. رقابت‌های اقتصادی و رباخواری یهودیان
۵. ملی‌گرایی مسیحیان و مقاومت یهودیان
۶. مرگ سیاه یا طاعون و نقش یهود در شیوع آن
۷. انگیزیسیون یا تفتیش عقاید (عمدتاً در اسپانیا)[۲]

حال با استفاده از نقطه نظرات مورخین و نظریه‌پردازان مذکور، دلایل و ریشه‌های یهودستیزی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد.

۱. دلایل اعتقادی

---

۱. اسرائیل شاهاک ، همان، ص ۲۱

۲. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه بدره‌ای و دیگران، ج ۶، نشر آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۵۸، صص ۸۶۷-۸۵۱

۲. دلایل رفتاری یهودیان
۳. دلایل سیاسی[۱]

تئودور هرتزل از سردمداران یهود می‌گوید:

یهودستیزان، در آینده‌ای نزدیک، دوستان ما خواهند بود و کشورهایی که با یهودیان خصومت می‌ورزند، هم‌پیمان و متحد ما محسوب خواهند شد![۲]

پیام عبارت هرتزل، روشن است. او به خوبی می‌دانست که صهیونیسم باید اهرم اقتدار و نفوذ خود را بر مظلومیت قوم یهود متکی سازد. هر چه این شکنجه‌ها و آزارها، یهودیان را بیشتر تحت فشار قرار دهد، تحریک احساسات عمومی جهان، برای پذیرش و حمایت از اهداف صهیونیسم، و اخذ غرامت از دولت‌های «یهودستیز» آسان‌تر خواهد بود.[۳]

راستی تاریخ، کدام قوم را در سراسر جهان سراغ دارد که خویشتن را در برابر کسب آزار و شکنجه بفروشد و عزت و کرامت انسانی خود را در برابر گرفتن غرامت، به سودا گذارده باشد؟[۴]

هولوکاست شمشیر یهودیان را در اتهام یهودستیزی کاملاً تیز کرده است. تبلیغ هولوکاست برای صهیونیست‌ها در حقیقت به نمایش گذاشتن یک نمونه (ساختگی) کامل از یهودستیزی و تصویر کردن کامل آن برای جهانیان است.

---

۱. علیرضا سلطانشاهی، همان، ص ۳۷
۲. احمد کریمیان، همان، ص ۶۵
۳. همان، ص ۶۵
۴. همان، ص ۶۵

سازمان‌های یهودی می‌کوشند با استفاده از حربه هولوکاست و اتهام یهودستیزی، هرگونه مخالفت با هر عملی که از سوی یهودیان صورت می‌گیرد به شدت هرچه تمام‌تر سرکوب کنند.[۱]

الف) ایران باستان

مظلوم‌نمایی شگرد تبلیغاتی کهن و مؤثر در میان یهود بوده است.

یهودیان ادعا می‌کنند که در اوج مظلومیت در ایران در معرض سوءنیت و احتمالاً آزار قرار داشتند، اما مطابق آن چه در متون و منابع یهودی بدان اعتراف صریح شده است، آنها در آن مقطع تاریخی، در اوج قدرت، نفوذ و سیطره در ایران بودند.

«کوروش» آخرین فاتح کشورهای «کلده» و «آشور» و نجات دهنده قوم یهود از اسارت بابل با روش وحشیانه پادشاهان «کلدانی» سخت مخالف بود و روی این حساب، پس از فتح بابل، یهودیان را از بند اسارت پادشاهان «کلدانی» آزاد کرد.[۲]

لذا به کوروش در منابع یهودی لقب «مسیح منجی» دادند.[۳]

بسیاری از یهودیان بعداز آزادی به «کشور پارس» آمده و در منطقه‌های «فارس» و «اصفهان» سکونت یافتند.[۴]

فاصله بین کوروش و خشایار شاه یک فاصله کوتاه چند ده ساله است. طی این چند ده سال یهودی‌ها موقعیت بسیار بالایی در ایران پیدا می‌کنند.

حالا داستان از اینجا آغاز می‌شود.

---

۱. سیدمجتبی عزیزی، همان، ص ۵۵

۲. سیدجواد علم‌الهدی، شناخت صهیونیسم بین‌الملل، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۱۸۹

۳. گفت‌وگو با محمدتقی تقی‌پور، «هولوکاست دروغ مقدس غرب»، روزنامه کیهان ۸۴/۱۰/۶، ص ۱۲

۴. سیدجواد علم‌الهدی، همان، ص ۱۸۹

«اِستِر»، زن خشایار شاه یکی از دختران یهودیه بوده که پدر او در اسارت بابل به طرف شهر شوش هجرت نموده و این دختر در دامن عمویش «مَردخای» یهودی پروریده شد. موقعی که خدمتگذاران دربار خشایارشاه دختران زیبای را از هر طبقه به مجلس شاه می‌بردند و نشان می‌دادند. «مَردخای» با زحمت توانست دختر برادر خود را هم به خواجه سرایان دربار معرفی کند. اتفاقاً دخترک زیبا مورد پسند شاه واقع شده و او را میان دختران انتخاب کرد. این جریان موجب شد که یهودیان شهر شوش به دربار شاه نزدیک شوند و غالباً گرفتاری‌های یهود توسط استر و مردخای برطرف می‌شد.[1]

استر و مردخای نفوذ خود را در دربار و نزد خشایارشاه افزایش و گسترش می‌دهند و سرانجام در قالب توطئه‌ای سهمناک، هامان وزیر اعظم دربار هخامنشی را به همراه، جمعی از فرزندان و اعضای خانواده او به اتهام ضدیت با یهود یا یهودستیزی، در شوش پایتخت دولت هخامنشی به طرز فجیعی به قتل می‌رسانند.[2]

بعد از این واقعه از شاه می‌خواهند که یک روز دیگر به آنها مهلت بدهد تا به از بین بردن مخالفانشان ادامه بدهند. در مجموع این دو روز براساس آمار منابع یهودی که موجود است، ۷۵ هزار ایرانی توسط این‌ها کشته شدند – این واقعه در منابع خودشان آمده که تنها به دلیل اینکه گمان می‌کردند عده‌ای از ایرانی‌ها با آنها دشمن هستند آنها را از بین بردند.[3]

---

۱. همان، صص ۸۹ – ۸۸

۲. محمدتقی تقی‌پور، همان، ص ۲۲

۳. گفت‌وگو با محمدتقی تقی‌پور، «هولوکاست دروغ مقدس غرب» ،روزنامه کیهان، ۸۴/۱۰/۶، ص ۱۲

در همان روز خشایارشاه تمام املاک هامان [وزیر اعظم ایران که به دست استر و مردخای به دار آویخته شده بود]، دشمن یهود را به ملکه استر بخشید. سپس وقتی استر به پادشاه گفت که چه نسبتی با مردخای دارد، پادشاه مردخای را به حضور پذیرفت و انگشتر خود را به مردخای داد آنگاه خشایارشاه به ملکه استر و مردخای گفت: «من دستور دادم هامان را که می‌خواست شما یهودیان را نابود کند، به دار بیاویزند شما می‌توانید حکم دیگری مطابق میل خود، به نام پادشاه برای یهودیان صادر کنید و آن را با انگشتر پادشاه مهر کنید.»[1]

به این ترتیب، مردخای یهودی با نام و مهر خشایارشاه در طی فرمانی به یهودیان یادآور شد که «خود را برای گرفتن انتقام از دشمنان خود آماده کنند.»

سپس مردخای لباس شاهانه‌ای را که به رنگ‌های آبی و سفید بود پوشید و تاجی بزرگ از طلا بر سر گذاشت ... و از حضور پادشاه بیرون رفت. یهودیان به خاطر این موفقیت و احترامی که نصیب ایشان شده بود در تمام شوش به جشن و سرور پرداختند.[2]

یهودیان بر دشمنان خود پیروز شدند. در سراسر مملکت ایران، یهودیان در شهرهای خود جمع شدند تا به کسانی که قصد آزارشان را داشتند حمله کنند. همه مردم از یهودیان می‌ترسیدند و جرأت نمی‌کردند در برابرشان بایستند.[3]

---

۱. محمدتقی تقی‌پور، همان، ص ۲۴
۲. همان، ص ۲۴
۳. همان، ص ۲۴

عید پوریم که یکی از مهم‌ترین اعیاد رسمی قوم یهود است، در واقع سالروز یکی از بزرگ‌ترین قتل عام و کشتار تاریخ بشریت است که ده‌ها هزار انسان بی‌دفاع، بدون آن که جرمی مرتکب شده باشند، تنها به دلیل گمان سوء و ادعای واهی و خیال‌پردازانه برخی سران و رهبران یهودی ذی‌نفوذ دربار شاه ایران، طی دو روز به طرز بی‌رحمانه‌ای قتل عام شدند.[۱]

قتل عام هزاران ایرانی در آن زمان صرفاً یک ادعای قوم‌گرایانه و واهی حول محور «مظلوم نمایی» صورت گرفت و امروز بعداز گذشت حدود دو هزار و پانصد سال از آن تاریخ، یهودی‌ها و منابع یهودی آن کشتار عظیم و هولناک را حول محور «مظلوم نمایی» توجیه می‌کنند.

ب) پوگروم‌ها در روسیه

پوگروم واژه روسی است به معنی حمله و کشتار گروهی به وسیله گروه دیگر.[۲]

در سال ۱۸۸۱ الکساندر دوم، طی یک سوءقصد کشته شد و از میان تمام متهمین، انگشت نشانه به سوی یهودیان اشاره رفت. با این حادثه، فصل جدیدی از یهودستیزی در جامعه روسیه آغاز می‌شود که به پوگروم معروف است.[۳]

کانون‌ها و نویسندگان یهودی نیز انگشت اتهام را به سوی مردم روسیه، به ویژه حکومت تزاری نشانه گرفتند لیکن هیچگاه، مدرک و سند روشن و محکمی در این باره ارایه نشد. از سوی دیگر، بسیاری از آگاهان، سازمان‌ها و

---

۱. همان، ص ۲۶

۲. عبدا... شهبازی، «بنیان‌های تاریخی اندیشه سیاسی یهود»، پژوهه صهیونیست، ج ۲، انتشارات مرکز مطالعات فلسطین، ۱۳۸۱، ص ۴۶۷

۳. علیرضا سلطانشاهی، «اقعیت یهودستیزی»، پژوهه صهیونیست، ج ۲، ص ۱۹۴

گروه‌های ذی‌نفوذ یهودی - صهیونیستی روسیه را عامل پنهان و پس پرده جریان پوگروم‌ها معرفی کردند.[۱]

در آن زمان، جمعیت فراوان زرمداران روسیه تزاری، بستر مناسبی برای فعالیت‌های اقتصادی و سوداگری‌های معمول در جامعه یهودی فراهم کرده بود.[۲]

برخی ثروت‌اندوزان از طریق دادن وام به حکومت تزار، دستگاه حکومتی را وامدار خود ساخته بودند. با توجه به چنین موقعیتی، نوعی نگرانی در میان کانون‌ها و مجامع یهودی دارای گرایش‌های صهیونی مبنی بر عدم تمایل و آمادگی یهودی‌های روسیه برای کوچ و مهاجرت مشاهده می‌شد.[۳]

در قرن نوزدهم شواهدی دال بر این در دست بود که یهودیان به تدریج در حال تحلیل رفتن و جذب در سایر ملل هستند اندیشه‌های آنتی سمیتیسمی وضع فوق را تغییر داد و در این رابطه صهیونیسم نقش عمده‌ای را به عهده گرفت.[۴]

با این همه بعضی نویسندگان یهودیان به طور غیرصریح، کانون‌ها و اشخاص ذی‌نفوذ و فعال صهیونی را عامل اصلی یهودستیزی در روسیه معرفی کردند. ولادی میر ژابوتینسکی یکی از رهبران متعصب صهیونیسم، نه تنها رهبران و سازمان‌های یهودی ناسازگار با برنامه صهیونیستی کوچاندن یهودی‌ها به فلسطین را همواره تهدید می‌کرد، بلکه به صراحت گوشزد

---

۱. محمدتقی تقی‌پور، همان، ص ۴۷

۲. علیرضا سلطانشاهی، همان، ص ۱۹۴

۳. محمدتقی تقی‌پور، همان، ص ۴۸

۴. محمدتقی تقی‌پور، «قصه قوم برگزیده»، پژوهه صهیونیت، ج ۱، انتشارات مرکز مطالعات فلسطین، ۱۳۸۱، ص ۳۳۸

می‌کرد: «اگر دست از کارهایشان برندارند، به زودی باید منتظر تهاجم دیگری برای قتل و غارت یهودیان باشند.»[1]

تئودور هرتزل بنیانگذار اولین کنگره جهانی صهیونیسم نیز طی یادداشتی به وزیر امور داخله روسیه به طور تلویحی به نقش و دخالت بعضی سازمان‌ها و کانون‌های صهیونیستی در ماجرای یهودستیزی روسیه اشاره و اعتراف کرده بود.[2]

پیامد مهم پوگروم‌ها در روسیه که بعدها در اوایل قرن و نیز هم زمان با جنگ اول در روسیه تکرار شد، مهاجرت یهود به سرزمینی بهتر بود که اتفاقاً به سفارش موکد بزرگانی از قوم یهود، هم چون لیلیان بلوم صورت می‌گرفت. یکی از این سرزمین‌ها فلسطین بود که در آن زمان رقم مهاجرین به آن سه هزار نفر برآورد شده است. سرزمین اصلی برای مهاجرت یهودیان در آن زمان رقم مهاجرین به آن سه هزار نفر برآورد شده است.[3]

آمارها حکایت از آن دارند که بر اثر تبلیغات فریبنده مبتنی بر ماجرای مزبور از مجموع دو و نیم میلیون یهودی که از سال ۱۸۸۱م. تا سال ۱۹۱۴م. (یعنی از آغاز ماجرای پوگروم‌ها تا شروع جنگ جهانی اول)، از شرق اروپا مهاجرت کردند، حدود دو میلیون نفر به آمریکا، سیصد و پنجاه هزار نفر به اروپای غربی و بقیه یعنی یکصد و پنجاه هزار نفر دیگر، شماری به آرژانتین و سایر کشورها و تعداد بسیار کمی به فلسطین رفتند.[4]

---

۱. محمدتقی تقی‌پور، پس پرده هولوکاست، ص ۴۸

۲. همان، ص ۴۹

۳. علیرضا سلطانشاهی، همان، ص ۱۹۴

۴. همان، ص ۴۶۶

به روایت منابع تاریخی، انعکاس ماجرای پوگروم‌ها فضایی از رعب و ترس در میان عامه یهود در روسیه ایجاد کرد و زمینه‌ساز کوچ و جابه‌جایی صدها هزار یهودی شد. اگرچه اکثریت این یهودیان به کشورهای آمریکا و اروپا رهسپار شدند لیکن گروه‌ها و دسته‌هایی نیز به فلسطین منتقل شدند یا کوچ کردند.[۱]

برخی رهبران و نویسندگان یهودی برای تحریک احساسات قومی یهود به نفع آرمان صهیونیسم، به شدت از جریان پوگروم‌ها بهره‌برداری کردند.

ج) دریفوس در فرانسه

جریان دیگری که پس از ماجرای پوگروم‌ها در روسیه، حول محور مظلوم نمایی برای یهود، افکار و احساسات عمومی که در اروپا، به خصوص فرانسه را به نفع صهیونیسم و آرمان‌های صهیونیستی تحریک کرد و برانگیخت، ماجرای «دریفوس» بود.[۲]

یک افسر یهودی به نام «آلفرد دریفوس» به اتهام تحویل مدارک سری به آلمانها، به وسیله شورای نظامی محاکمه شد.[۳]

روزنامه‌های یهودستیزی با دنبال کردن اخبار این ماجرا در تحریک افکار عمومی و فراهم آوردن جوی مغرضانه و عدم رعایت بی‌طرفی در محاکمه‌اش، سهم به سزایی داشتند. سرانجام، دادگاه دریفوس را به حبس ابد محکوم کرد؛ درجه‌های نظامی او را در انظار عمومی کندند و به جزیره

---

۱. محمدتقی تقی‌پور، پس پرده هولوکاست، ص ۵۴

۲. همان، ص ۵۷

۳. روژه گارودی، همان، ص ۱۷۹

شیطان (دویلز آیلند) واقع در ساحل آفریقا (که مستعمره فرانسه بود) تبعید شد. روزنامه‌های یهودستیز نیز از این حکم استقبال کردند.[۱]

اما یهودیان در برابر این رسوایی که موجب شده بود ملل اروپا با نظر تردید و تحقیر به آنها نگاه کنند ساکت ننشستند و با استفاده از همه امکانات موفق به تشکیل دادگاه تجدیدنظر و تقدیم مدارک تازه شدند.[۲]

در این میان امیل زولا، نامه معروف «من متهم می‌کنم» را در ژانویه ۱۸۹۸، در دفاع از دریفوس منتشر ساخت. درگیری بین «طرفداران دریفوس» (روشنفکران، سوسیالیست‌ها، طرفداران اصلاحات بنیادی، یهودیان و ضدکلیساها) با «دشمنان دریفوس» (ارتش، دادگستری، کاتولیک‌ها، ملی‌گراها، یهودستیزها) تا حدی بالا گرفت که آشفتگی‌های ناشی از آن، خود جمهوری را تهدید می‌کرد. مباحث و مجادلات سیاسی، فرهنگی و نژادی در روزنامه‌ها مطرح می‌شد و برخی از دستگیری‌های هواداران دریفوس به راه افتاد. اما در نهایت، پس از دادگاه‌های گوناگون و آراء متنوع، در سپتامبر ۱۸۹۹، دریفوس تبرئه و در ۱۹۰۶ به خدمت فراخوانده شد و نشان «لژیون دونور» دریافت نمود.[۳]

بدین سان یهودیان بیشترین بهره‌برداری تبلیغاتی را جهت تثبیت موقعیت خود نمودند.

تبرئه دریفوس علامت و نشانه قبول شدن ملت یهود جزو جامعه اروپا بود و برعکس محکومیت او حقوق اجتماعی را که به تازگی یهودی‌ها به دست آورده بودند، لغو می‌کرد. دریفوس بی‌گناه و بی‌تقصیر، احترام و حیثیت

---

۱. عبدالوهاب المسیری، همان، ج ۲، ص ۴۰۴

۲. احمد کریمیان، همان، ص ۳۱

۳. روژه گارودی، پرونده اسرائیل و صهیونیسم سیاسی، ص ۱۸۰

ملت یهود را نه فقط در فرانسه بالا می‌برد بلکه در تمام کشورهای اروپا، یهودی‌ها دارای مقام و منزلتی بهتر و شایسته‌تر می‌شدند.[۱]

زمینه‌سازی برای تأسیس رژیم جعلی و غاصب صهیونیستی در منطقه خاورمیانه از ماجرای دریفوس آغاز شد. گفته شده است هرتزل پدر صیهونیسم جدید، از مشاهده وقایع مربوط به دریفوس به فکر تأسیس کشوری مستقل برای یهودیان صهیونیست افتاده است.[۲]

تئودر هرتزل در سال ۱۸۹۶، یعنی دو سال پس از محاکمه دریفوس، کتاب «دولت یهود» را به نگارش در آورد!

در مقدمه این کتاب هرتزل اعلام کرد:

که اندیشه‌های او در این کتاب، یعنی تأسیس دولت یهود، تازگی ندارد. هیجانات و التهاباتی که ناشی از اندیشه‌های ضدسامی می‌باشد، ضرورت و فوریت برپایی چنین مهمی را در اسرع وقت در دستور کار قرار داده است.[۳]

بازتاب صهیونیستی قضیه دریفوس نقطه عطفی برای ترغیب و تشویق یهودی‌های اروپا سازگاری و موافقت با اندیشه صهیونیستی کوچ یهود به فلسطین و تکمیل پروژه گروه «عاشقان صهیون» و «جنبش بیلو» در آن دوران گردید. به بیان دیگر مسأله دریفوس در فرانسه، حلقه دیگری از مظلوم نمایی یهود و روی دیگر سکه پوگروم‌ها در روسیه، در مسیر اسکان یهودی‌ها در فلسطین بود.[۴]

---

۱. محمد طیب، «نقش پنهان» ، پژوهه صهیونیت، ج ۲ ، ص ۲۷۳

۲. همان، ص ۲۵۳

۳. علیرضا سلطانشاهی، همان، ص ۱۹۹

۴. محمدتقی تقی‌پور، همان، ص ۵۸

جنگ جهانی دوم

قبل از جنگ جهانی دوم، به دلیل برتری‌طلبی و قدرت مداری انحصاری یهودی‌ها، فضای عمومی اروپا را موجی از انزجار و تنفر علیه یهود فرا گرفته بود. که چنین فضایی کاملاً در جهت عکس برنامه‌ها و اهداف رهبران صهیونیسم و کانون‌های قدرتمند و ذی‌نفوذ یهودی بود.[۱]

در آن سال‌های قبل از شروع جنگ، افکار عمومی اروپا به تدریج نسبت به این واقعیت وقوف پیدا می‌کرد که نه فقط رسانه‌های خبری و مطبوعاتی، بنگاه‌های انتشاراتی، مراکز تولید فیلم، بلکه مؤسسات بزرگ صنعتی، تولیدی، تجاری و بانک‌ها در آمریکا و اروپا تحت سلطه یهودی‌ها قرار گرفته است. از نظر سازمان‌ها و کانون‌های قدرتمند و ذی‌نفوذ یهود، بخش عمده این آگاهی و اطلاع‌رسانی از ناحیه آلمان هیتلری بود. این روند در اروپا به هیچ وجه به نفع سرمایه‌سالاران یهودی نبود و باید هر چه زودتر فضای فکری نه تنها اروپا و جهان غرب، بلکه دنیا تغییر پیدا می‌کرد.[۲]

طرح برپایی جنگ جهانی دوم بهترین و مناسب‌ترین گزینه برای تغییر اوضاع جهانی (چه در میان یهودی‌ها و چه در جوامع غیریهودی)، در مسیر استراتژی صهیونیسم بود. در خلال سال‌های بین جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸م.) تا شروع جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹م.)، سلطه مالی و نفوذ سیاسی یهود به طور سهمناکی افزایش یافته بود. آلمان تا مدت‌ها پس از جنگ اول، صحنه تاخت و تاز آنها بود. سیطره یهود در آمریکا، انگلستان و فرانسه واضح

---

۱. همان، ص ۶۸

۲. همان، ص ۷۱

و بدیهی بود. همان کسانی که طراح و برنامه‌ریز اولین جنگ جهانی بودند، مشغول تهیه نقشه جنگ دوم و تدارک برنامه‌های آن شدند.[۱]

فضای تنفر و انزجار از یهود در اروپای تحت سلطه مشهود بود. سران و رهبران صهیونیسم، آلمان نازی و در رأس آن هیتلر و دستگاه رایش سوم را منشأ و عامل این بی‌زاری و نفرت در میان مردم آلمان و بلکه کل اروپا قلمداد و معرفی می‌کردند. طی معاهده «ورسای»، پس از جنگ جهانی اول، در سال ۱۹۱۹م. بخش‌هایی از مناطق متعلق به آلمان به کشور تازه تأسیس لهستان واگذار شده بود. علاوه بر این به آلمان تحمیل کردند که ۱۳۲ میلیارد مارک به عنوان خسارت به طرف مقابل بپردازد.[۲] آلمانی‌ها نسبت به این معاهده که از جمله نتایج و پیام‌های جنگ اول و دست پخت سرمایه‌داران یهودی بود به شدت معترض و منزجر بودند.

در سال ۱۹۳۲ تقریباً اقتصاد آلمان ورشکسته محسوب می‌شد. افزایش شدید بی‌کاری، ورشکستگی اکثر شرکت‌ها، تراکم دیون خارجی و هزینه‌ها و غرامت‌های جنگی که آلمان باید می‌پرداخت، وضع اقتصادی این کشور را به کلی نابسامان کرده بود. اوضاع نابسامان اجتماعی و اقتصادی آلمان زمینه مساعدی برای آمدن هیتلر ایجاد کرده بود.[۳] در ژانویه ۱۹۳۳ که هیتلر به

---

۱. همان، ص ۶۸

۲. روژه گارودی، تاریخ یک ارتداد اسطوره های بنیانگذار سیاست اسرائیل، مترجم مجید شریف، موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۵، ص ۱۴۰

۳. غلامرضا رفعت‌نژاد، «بخت النصر قرن بیستم» ، فصلنامه مطالعات تاریخی، شماره ۱۴، ویژه‌نامه هولوکاست ، ص۷۵

سمت پیشوای «رایش آلمان» منصوب شد.[۱] در آن زمان آلمان بر اروپا سایه افکند و به پیروزی‌های سیاسی دست یافت.

شواهد و دلایل قطعی در دست است که آلمانی‌ها بیشترین کوشش خود را به کار می‌بردند تا بین نخبگان و برگزیدگان اروپا نوعی همکاری و مشارکت فکری ایجاد نمایند آنان اعتقاد داشتند اگر توده‌های عظیم اروپا از زیر بار استثمار و بهره‌کشی نظام سرمایه‌داری تحت سیطره یهود خلاص شوند، در آن صورت برای مدتی طولانی صلح برقرار خواهد شد. نخبگان فکری جامعه آلمان امیدوار بودند بدین ترتیب به صلح و همکاری در بین کشورهای همسایه آلمان دست یابند.[۲]

این یک «اروپای جدید» در حال ساخته شدن بود و دقیقاً همان چیزی که جامعه جهانی یهود، باید با هر قیمتی، هر چند به بهای به خاک کشاندن تمدن مسیحی اروپا، از ایجاد آن جلوگیری می‌کرد. زیرا اگر انجام چنین طرح و نقشه‌ای توفیق می‌یافت از آن پس کشورهای اروپایی، یکی پس از دیگری، از یهود خارج می‌شد.[۳]

در چنین فضایی، سحرگاه اول سپتامبر ۱۹۳۹، به فرمان هیتلر «قضیه سفید»، (نام رمز حمله به لهستان)، که در سوم آوریل ۱۹۳۹ تهیه شده بود، به اجرا گذاشته شد ۱/۵ میلیون سرباز آلمانی به درون لهستان تاختند و به درهم کوبیدن نیروی کوچکی که پایداری می‌کرد پرداختند[۴].

---

۱. سیمور مارتین لیپست، دایرة المعارف دموکراسی، ترجمه کامران فانی، نورالله مرادی، ج ۲،کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳، ص ۵۶۴

۲. محمدتقی تقی‌پور، همان، ص ۷۰

۳. لوئیس مارشالکو، فاتحین جهانی، ترجمه عبدالرحیم گواهی، انتشارات تبیان، ۱۳۷۷، صص ۸۶-۸۵

۴. حمدالله آصفی، آلمان از دوپارگی تا یگانگی، انتشارات نوید شیراز، ۱۳۷۳، ص ۱۰۵

جنگ جهانی دوم از سال ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ میان قدرت‌های «محور» (عمدتاً آلمان، ایتالیا و ژاپن) و قدرت‌های «متفق» (عمدتاً انگلستان، فرانسه، ایالات متحد آمریکا، شوروی و چین) در گرفت.[۱]

۲ - واقعیت تاریخی

هولوکاست

هولوکاست از دو واژه یونانی holos به معنای تمام یا همه و kalein به معنای سوزاندن ترکیب یافته است.[۲] هولوکاست Holocaust به معنای «سوزاندن با آتش است که به طور کامل از بین برود.»[۳] این واژه روی هم رفته به معنی همه‌سوزی است و در اصطلاح از آن به قربانی و یا قربانی بزرگ یاد می‌شود.[۴]

با توجه به تعریف فوق‌الذکر می‌توان گفت که «هولوکاست» در لغت به معنی «قربانی، قربانی بزرگ، با آتش سوزاندن و به معبود رسیدن می‌باشد.»[۵]

معادل این واژه در عبری کلاسیک، اولم کالیل و در عبری مدرن، **شوآه** است.[۶]

---

۱. مارتین لیپست، همان، صص ۵۶۴-۵۶۳

۲. اسرائیل شاهاک، همان، ص ۱۹

۳. زهرا خشک جان، «طرح کلی مقاله در مفهوم و ریشه‌یابی هولوکاست»، مجموعه مقالات سمینار بین‌المللی، بررسی هولوکاست چشم‌انداز جهانی، ص ۱۰۰

۴. علی عبدالله‌زاده، «زوایای یهودی سوزی»، مجموعه مقالات سمینار بین‌المللی؛ بررسی هولوکاست چشم‌انداز جهانی، ص ۲۵۲

۵. نشریه رویداد و گزارش، مؤسسه تحقیقات و پژوهش‌های سیاسی – علمی ندا، ۸۱/۱۱/۶ ، شماره ۱۶۶، ص ۱۹

۶. علیرضا سلطانشاهی، همان، ص ۲۱۴

«در زمان تشکیل رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸ که بن گورین اعلامیه – به اصطلاح – استقلال اسرائیل را قرائت کرد در نسخه عبری به جای واژه «هولوکاست» از کلمه «شوآه» استفاده شده بود. این واژه یک کلمه عبری به معنای فاجعه است و کاربرد آن مورد علاقه کسانی بوده که بر منحصر بودن قتل عام یهودیان تأکید دارند.»[۱]

رژیم صهیونیستی بعدها در تقویم عبری، روزی را به همین نام برای یادبود به اصطلاح کشتار دسته جمعی یهودیان اختصاص داد.

البته باید به این نکته توجه داشت که واژه انگلیسی Holocaust دو مفهوم عام و خاص دارد. مفهوم آن، نابودی گسترده (به ویژه با آتش) و جان باختن انسان‌های بسیار است.

برای مثال، از آنجا که به کارگیری سلاح‌های هسته‌ای، موجب میزان خسارت و مرگ و میر بسیار زیاد می‌شود، این رویداد را معمولاً Nuclear Holocaust می‌گویند.

بنابراین، برای رساندن مفهوم عام واژه Holocaust، معادل فارسی «همه‌سوزی»، «قتل عام (با حریق)»، «کشتار همگانی (با سوزاندن)» - را به کار می‌برند.[۲]

وانگهی، مفهوم خاص همین واژه که در زبان انگلیسی بیشتر به صورت The Holocaust (با حرف تعریف The پیش از کلمه و حرف بزرگ H در ابتدای کلمه) مشخص می‌شود، در اصل کلمه «هولوکاست» یک اصطلاح دینی یهودی است که اشاره به قربانی‌ای است که برای پروردگار قربانی

---

۱. مجید صفا تاج، همان، ص ۱۴

۲. همان، صص ۱۵-۱۴

می‌شود، آن را کباب نمی‌کنند، بلکه کاملاً می‌سوزانند و هیچ قسمتی از آن برای قربانی کننده، یا کاهنانی که از طریق خوردن قربانی‌ها روزگار می‌گذراندند، باقی نمی‌ماند. به همین جهت، هولوکاست دارای بالاترین قداست در میان تمام آداب دینی بود و به عنوان کفاره گناهان کبیره تقدیم پروردگار می‌شد. از سوی دیگر، هولوکاست تنها قربانی‌ای بود که غیریهودیان می‌توانستند تقدیم کنند.[۱]

هولوکاست، کشتار جمعی یهودیان به دست حزب نازی آلمان هیتلری، پیش از جنگ دوم جهانی و هنگام آن است که به روش‌های گوناگون از جمله سوزاندن یهودیان انجام می‌گرفت. معادل فارسی که برای رساندن این مفهوم به کار می‌رود، «یهودی سوزی» است.[۲]

کلمه هولوکاست در دوران معاصر، معمولاً برای اشاره به حذف فیزیکی یهودیان به دست نازی‌ها به کار می‌رود.[۳]

زمینه‌های فکری

قبل از ورود به بحث هولوکاست، خاستگاه و زمینه‌های پیدایی این قضیه می‌بایست مورد مداقه قرار گیرد که در این میان اندیشه‌های رایج و مورد استفاده در آلمان دوره نازی از اهمیت بسیاری برخوردار است. از آن جمله می‌توان به ایده‌های هوستون استوارت چمبر لین (۱۹۲۷-۱۸۵۵) انگلیسی، اشاره کرد. وی در کتاب خود به عنوان یک دکترین نژادی که «در سال ۱۸۹۹ در مونیخ آلمان» به چاپ رسید، بر آن است که «رد پای اروپا را

---

۱. عبدالوهاب المسیری، همان، ج ۲، ص ۴۳۷.

۲. مجید صفا تاج، همان، صص ۱۵-۱۴

۳. عبدالوهاب المسیری، همان، ج ۲، ص ۴۳۹

باید منطبق با ایدئولوژی نژادی آن یافت. چمبرلین، تیوتن‌ها را از قدیمی‌ترین نژادهای آلمانی می‌داند. موجوداتی با خلقتی که قدرت احیاء کنندگی دارد. او به یهودیان برچسب خارجی یا بیگانه می‌زند که دارای نفوذ ویرانگری هستند.»[۱]

در سال ۱۹۰۴ «آلفرد پولتز ۸» فیزیکدان و بیولوژیست آلمانی، انجمن اصلاح‌نژاد آلمان را تأسیس کرد. شانزده سال بعد کتابی با عنوان «مجوز تخریب زندگی غیرمستحق برای حمایت» که اثری مرتبط با توسعه جنبش اصلاح‌نژادی در آلمان بود منتشر شد. این کتاب از نظریه‌ای دفاع می‌کرد که براساس آن نابودی مردم بی‌ارزش باید قانونی شود. از این‌رو مفاهیمی چون «زندگی بی‌ارزش» یا «افراد فاقد ارزش برای زندگی از این کتاب به وسیله نازی‌ها مورد استفاده قرار گرفت». «بایندینگ» و هوکه، در این کتاب درباره انسان‌های فاقد ارزش صحبت کردند. آنها نابودی کسانی که نمی‌توان نجاتشان داد و کسانی که مرگشان نیازی ضروری است و همچنین کسانی که از حیوانات هم ارزش کم‌تری دارند را خواستار شدند. اثر مذکور دو دهه بعد به معنای سیاست هیتلر معروف به راه‌حل نهایی قرار گرفت. وی به دنبال آن بود تا از طریق اجرای سیاست اصلاح‌نژادی زمینه تفوق مطلق آلمان‌ها را در جهان فراهم کند. دستیابی به این هدف از جمله انگیزه‌های مهم هیتلر در به راه انداختن جنگ جهانی دوم بود.[۲]

هیتلر که در سال ۱۹۳۳ به مقام صدراعظمی رسید یهودیان را از عناصر نامطلوب نژادی می‌دانست که باید از فضای حیاتی نژاد برتر، یعنی آلمانی‌ها

---

۱. علیرضا سلطانشاهی، همان، ص ۲۱۵

۲. محمدرضا شبانی – محمدباقر فرهند، «بررسی واقعه هولوکاست به عنوان یک واقعیت مجازی»، مجموعه مقالات سمینار بین‌الملل بررسی هولوکاست: چشم‌انداز جهانی، ص ۳۵۹

خارج شوند. وی در کتاب «نبرد من» که حاوی سخیف‌ترین اندیشه‌های نژادپرستانه است، یهودیان را به تحقیر نژاد آلمانی متهم می‌کند و اختلاط دو نژاد آلمانی و یهودی را که باعث فساد نژاد آلمانی می‌گردد محکوم می‌نماید. هیتلر برای جلوگیری از این به اصطلاح آلودگی نژادی، جداسازی نژاد آلمانی را به یهود توصیه می‌کند.[۱]

همچنین شکست آلمان در جنگ جهانی اول و تحمیل قرارداد ورسای به این کشور را باید یکی از عوامل تشدید کننده یهودستیزی نازی‌ها دانست. به عقیده نازی‌ها، شکست آلمان در جنگ و تحمیل قرارداد ورسای به این کشور به خاطر خیانت یهودیان و کمونیست‌ها بوده است. علاوه بر این، نازی‌ها معتقد بودند رباخوارن یهودی نظام اقتصادی آلمان را به مخاطره انداخته و با نفوذ در امور تجاری و صنعتی آلمان، دولت مستقلی در حکومت آلمان تشکیل داده‌اند، بنابراین باید فعالیت‌های اقتصادی یهودیان محدود شود و حتی دارایی‌های آنان نیز مصادره گردد.[۲]

علاوه بر دلایل گفته شده آنچه اهمیت بیشتری دارد آن است که مردم آلمان بر این تصور بودند که اقتصاد آلمان تحت کنترل یهودیان است. سرمایه‌گذاری یهودیان در بانک‌های اروپایی و افتتاح شعب متعدد بانک‌های خاندان روچیلد در پایتخت‌های مهم کشورهای اروپایی، این تصور را قوی‌تر می‌کرد. در واقع آنها با دیدن وضع رو به بهبود یهودیان و اوضاع وخیم معیشتی خود، روحیه‌ای ضدپول‌پرستی پیدا کرده بودند که مصداق آن را در یهودیان می‌دیدند.

---

۱. سیدمحمد تراهی، جایگاه هولوکاست در پروژه صهیونیسم (اسطوره یا واقعیت)، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۶۳

۲. سیدجواد علم‌الهدی، همان، ص ۱۴۲

آنچه ذهن دولتمردان آلمان را متوجه خود کرده بود، ریشه‌کن کردن سیطره یهودیان بر مقدرات ملت آلمان بود. نام این برنامه و طرح به‌زعم آنان «راه‌حل نهایی» بود که به استراتژی نازی‌ها جهت انهدام دشمن خود اطلاق و پس از نتیجه ندادن سایر روش‌ها، اتخاذ می‌شد.[۱]

سرانجام گرایش‌های یهودستیزانه نازی‌ها در کنار اندیشه‌های نژادپرستانه هیتلر، به تدوین برنامه‌ای جهت مبارزه با یهودیان منتهی گردید.

نازی‌ها برای اجرای نظریه نژادی هیتلر، قوانینی علیه یهودیان وضع کردند که براساس این قوانین، یهودیان پست‌نژادانی به شمار می‌رفتند که خون زهرآلودشان آنها را بذّات جنایتکار بار می‌آورد، لذا زناشویی با آنان ممنوع گردید و آنان از حقوق مدنی، انجام امور تجاری و سایر فعالیت‌های اجتماعی محروم شدند. براساس ماده ۴ قانون حزب ناسیونال – سوسیالیست، هیچ یهودی نمی‌توانست شهروند آلمانی به حساب آید و ماده ۲۴ نیز برخی مشاغل را برای یهودیان ممنوع می‌کرد.[۲]

در این زمان موج حملات علیه یهودیان بیشتر لفظی و تبلیغاتی بود. حملات فیزیکی نیز به صورت خودجوشی و بدون برنامه‌ریزی قبلی انجام می‌گرفت.[۳]

نهایتاً طرح «راه‌حل نهایی» مسأله یهود به اجرا گذاشته شد. این طرح اوج یهودستیزی نازی‌ها بود که براساس آن نازی‌ها قصد داشتند تمام یهودیان را از فضای حیاتی نژاد برتر اخراج نمایند.[۱]

---

۱. علیرضا سلطانشاهی، همان، ص ۲۱۹

۲. روژه گارودی، محاکمه آزادی، ترجمه مجید خلیلی زاده، احمد نخستین، جعفر پاز، موسسه فرهنگی اندیشه معاصر، ۱۳۷۷، ص ۹۶

۳. سیدمحمد تراهی، همان، ص ۶۵

برای طرح راه‌حل نهایی سه مرحله را می‌توان برشمرد:

مرحله اول: اخراج یهودیان از آلمان و اروپا بود؛ در این مرحله نازی‌ها تلاش کردند اموال و دارایی‌های یهودیان ثروتمند را مصادره نمایند.

مرحله دوم: فرستادن یهودیان به «گتوی جهانی پس از تسلیم شدن فرانسه، در اختیار آلمان قرار گیرد و دولت فرانسه بر شهروندان فرانسوی ساکن در این جزیره غرامت و تاوان بپردازد. این طرح به چند دلیل با موفقیت همراه نبود:

اولاً: برای انتقال یهودیان به این جزیره به کشتی‌های بزرگ و غول‌پیکر نیاز بود و آلمان در زمان جنگ نمی‌توانست چنین کشتی‌هایی را به این کار اختصاص دهد.

ثانیاً: فرانسه نیز از موضع محتاطانه‌ای با این موضوع برخورد می‌کرد.»[۲]

مرحله سوم: انتقال یهودیان به شرق اروپا و نگهداری آنان در کمپ‌هایی در لهستان بود؛ نازی‌ها پس از اشغال سرزمین‌هایی در شرق اروپا تصمیم گرفتند در راستای تحقق راه‌حل نهایی، یهودیان را به اردوگاه‌های کار اجباری که بعدها اسطوره‌سازان هولوکاست از آنها به اردوگاه‌های مرگ تعبیر کردند، سمبل سبیعت نازی‌ها بودند و در آنها مردم آلمان و گروه‌های نژادی از جمله یهودیان به بردگی وا داشته شدند.[۳]

۱. رابرت اس وستری، کلیسا و یهودیان، ترجمه مسعود آریایی نیا، مطالعات منطقه‌ای، ۱۳۷۸، ص ۱۲۹

۲. روژه گارودی، محاکمه صهیونیسم اسرائیل، ترجمه جعفر یاره و دیگران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۸، صص ۱۳۸-۱۳۷

۳. سیدمحمد تراهی، همان، ص ۶۶

هیتلر به عنوان رهبر جریان «راه حل نهایی» خواستار آن شد که «یهودیان باید اروپا را ترک کنند و بهترین راه این است که همه آنها به روسیه بروند».[۱]

از سوی دیگر هیتلر اظهار امیدواری می‌کرد «که روزی برسد که با تخلیه یهودیان از اروپا و فرستادن آنها به سوی آفریقا و یا مستعمره‌ای دیگر، ملت یهود به طور قطعی از بین برود.»[۲]

در واقع آنان خواستار خروج یهودیان از آلمان و ثانیاً رفتن آنها به یک جای دیگر بودند. در ابتدا روسیه و بعد آفریقا و در مراحل بعدی مکان‌های دیگر.[۳]

تاریخچه

گفته می‌شود در فاصله ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۵ (جنگ جهانی دوم) قریب به ۶ میلیون یهودی از سراسر اروپا جمع‌آوری و به اردوگاه‌های مرگ در آلمان و لهستان مانند اردوگاه «آشویتس» که مهم‌ترین آنها بود، فرستاده و در کوره‌های آدم‌سوزی سوزانده شدند.[۴]

یهودیان ادعا می‌کنند که آلمانی‌ها عده زیادی از یهودی‌ها را در اتاق بزرگی که از شکاف‌های سقف آن، گاز زیکلون که گازی بسیار خطرناک و کشنده است، منتشر می‌کردند و پس از آن که مطمئن می‌شدند این افراد

---

۱. روژه گارودی، همان، ص ۱۳۷

۲. همان، ص ۳۶

۳. علیرضا سلطانشاهی، همان، ص ۲۱۹

۴. محمدرضا شبانی – محمدباقر فرهند، همان، ص ۳۵۸

مرده‌اند وارد این اتاق می‌شدند و اجساد آنها را برای سوزاندن در کوره‌های آدم‌سوزی بیرون می‌آوردند.[۱]

در اواخر جنگ جهانی دوم صحنه‌های دلخراش بعضی از اردوگاه‌ها و اجساد افرادی که از بیماری تیفوس جان داده بودند، زمزمه‌های وجود کوره‌های آدم‌سوزی را افزایش داده و صهیونیست‌ها با کمک ابزار تبلیغاتی خود روی این مسأله سرمایه‌گذاری کرده و حقیقت را تحریف و آنطور که می‌خواستند بر اساس یک واقعیت مجازی ارایه کردند.[۲]

صهیونیست‌ها براساس تکاپویی که چندین قرن و در طول تاریخ یهود داشته‌اند از قرن نوزدهم شرایط سیاسی و اقتصادی و اجتماعی دنیای غرب را برای طرح علنی ایده‌های خودشان مناسب دیدند. در این راستا فعالیت‌های مختلفی را دنبال کردند. بخشی از این برنامه‌ها تحریک یهودی‌ها و ترغیب آنها برای دل کندن از مناطقی بود که در آنها پذیرفته شده و کاملاً صاحب امتیاز و امکانات بودند. عامه یهود برایشان سخت بود که از آن امتیازات و امکاناتی که در غرب مثلاً در فرانسه یا در انگلستان و حتی در خود روسیه برخوردار بودند، دل بکنند. برای همین بسیاری از یهودیان و حتی رهبران یهودی معتقد بودند فلسطین یا هر کجای دیگر دنیا برای ما یک ناکجاآباد است. ما در اینجا پذیرفته شده‌ایم و می‌خواهیم در همین جا باشیم.[۳]

بنابراین سران و رهبران صهیونیسم و کانون‌های قدرتمند صهیونیستی برایشان خیلی سخت و ناگوار بود که با همه امکانات و امتیازاتی که وجود

---

۱. اشراف السادات میرداودی، «نقد و بررسی کمیت و کیفیت ادله طراحان هولوکاست (هولوکاست از منظر اسناد و مدارک)»، مجموعه مقالات سمینار بین‌المللی بررسی هولوکاست: چشم‌انداز جهانی، ص ۲۰۲

۲. محمدرضا شبانی – محمدباقر فرهند، همان

۳. گفتگو با محمدتقی تقی‌پور، فصلنامه مطالعات تاریخی، (ویژه نامه هولوکاست)، شماره ۱۴، صص ۱۶-۱۵

داشت، قوم یهود را راضی کنند که اینجا جای شما نیست و ما جای دیگری برای شما در نظر گرفته‌ایم. تازه اشغال فلسطین بخشی از استراتژی جهانی یهود بود.[۱]

بنابراین این‌ها باید ترفندی می‌اندیشیدند که این ترفند یا تکاپوی ادبی – تبلیغی جواب نمی‌داد. از سوی دیگر این ترفند باید عامه غیریهود را هم مجاب می‌کرد. یعنی آنها را از لحاظ ذهنی و فکری توجیه می‌کرد. اینها فعالیت‌ها را تحت عنوان آنتی‌سمیتیزم یعنی یهود آزاری دنبال کردند. به این معنا که یهودی‌ها را بگونه‌ای تحت فشار و آزار قرار دهند که عامه یهود فکر کنند در هیچ کجای دنیا امنیت ندارند. یعنی علی‌رغم اینکه در بافت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دنیای غرب پذیرفته شده‌اند، باز امنیتی ندارند. بنابراین فعالیت‌ها شروع می‌شود، حتی داستان دریفوس و پوگروم‌ها در روسیه، بخشی از آن سناریوی آنتی‌سمیتیزم است. این فعالیت‌ها ادامه پیدا می‌کند تا جنگ جهانی اول. وقتی فعالیت‌ها جواب نداد این‌ها برنامه دیگری را در پیش می‌گیرند که منجر به جنگ جهانی اول می‌شود. آن هم جواب نمی‌دهد و به جنگ جهانی دوم و زایش ماجرایی به نام هولوکاست منجر می‌شود.[۲]

بازداشتگاه‌ها و اردوگاه‌های اسرای جنگی

پس از به حکومت رسیدن حزب ناسیونال سوسیالیست به رهبری آدولف هیتلر در آلمان، نازیها در پی تصرف قاره اروپا و جبران شکست جنگ جهانی اول، مبتنی بر دیدگاه‌های نژادی خود که در پی آلمانی عاری از هرگونه ناخالصی گروه‌های مذهبی، غیراخلاقی، سیاسی و نژادی بود، دست

---

۱. همان، صص ۱۶-۱۵

۲. همان، صص ۱۶-۱۵

به کار ساخت اردوگاه‌هایی شدند که بعدها بسیاری همچون زندانی‌های جنگ، کمونیست‌ها، هم‌جنس‌بازان، مجرمین و یهودیان به صورت مجزا یا درهم‌آمیخته در آن جای می‌گرفتند. بسیاری از این اردوگاه‌ها موقت و محل عبور بازداشت شدگان بود و برخی از آنها گتو، برخی بازداشتگاه پلیس و برخی هم مرکز اجتماع اولیه به شمار می‌رفت.[1]

با شروع جنگ در سال ۱۹۳۹ و گسترش دامنه آن در اروپا، بازداشتگاه‌های اولیه جای خود را به اردوگاه‌های جمعی و اردوگاه‌های کار اجباری دادند.

چنین اردوگاه‌هایی ابتدا در خاک آلمان و سپس در سرزمین‌های تحت اشغال نازیها در شرق اروپا ایجاد شدند.

آمارها نشان می‌دهد که در مجموع، نازی‌ها از سال ۱۹۳۳ – سالی که در آلمان به قدرت رسیدند – تا سال ۱۹۴۵، سال پایان جنگ دوم بیش از ده هزار بازداشتگاه و اردوگاه کار اجباری در سرتاسر اروپا ایجاد کردند.[2]

از مهم‌ترین اردوگاه‌ها می‌توان به «آشویتس»، «چل منو»، «میدانک»، «تربلینکا»، «داخائو»، «بلزک»، «درولزک»، «اورانینبورگ»، بوخنوالد، برگن – بلسن و راولنبروک اشاره کرد.[3]

ساخت اردوگاه، کار جدیدی نبوده و نیست و همواره در کشورهای در حال جنگ به ویژه کشورهای اشغالگر، انجام می‌شده است. البته این تعداد اردوگاه که برخی رقم چهارده هزار را نیز برای آن ذکر کرده‌اند مختص جنگ

---

۱. سیدمهدی ناظمی، «کوره‌های حقیقت‌سوزی، فصلنامه مطالعات تاریخی (ویژه‌نامه هولوکاست)، شماره ۱۴ »، ص ۱۱۸

۲. مجید صفاتاج، همان، صص ۹۲-۹۱

۳. سیدمجید حسینی، «هولوکاست را بشناسیم»، روزنامه کیهان، ۱۳۸۴/۱۲/۱۳، شماره ۱۸۴۶۸

جهانی دوم است جنگ جهانی دوم انبوهی از کشته‌ها و زخمی شدگان و اسیران را در تاریخ به خود اختصاص داده، مشهور است فقط تعداد کشته‌های جنگ جهانی دوم از تعداد کل کشته‌های جنگ‌های تاریخ بشریت تا پیش از عصر مدرن بیشتر بوده است. تقریباً در جایی گفته یا ذکر نشده است که دولت رایش سوم اردوگاهی را ویژه یهودیان تأسیس کرده باشد. هر چند کاملاً بدیهی است که دولت آلمان فشارها و محدودیت‌هایی را برای یهودیان آلمان و سایر متصرفاتش ایجاد کرده بود؛ از جمله، ایجاد گتوهای متمرکز.

چنین مشهور است که نازی‌ها، اردوگاه‌های متمرکزی احداث کرده بودند و گروه‌های مزاحم و آنها که با ایدئولوژی ناسیونال سوسیالیست در تضاد بودند و نیز اسرای جنگ در چنین اردوگاه‌هایی نگه داشته می‌شدند و ادعای هولوکاست از اینجا مطرح می‌شود که تعداد زیادی از یهودیان آن زمان اروپا در این اردوگاه‌ها به کارهای اجباری سنگین مشغول بودند و به ترتیب اولویت (از افراد پیر، ناتوان و کودکان) به صورت گروهی قتل عام می‌شدند.[۱]

از جمله موارد تحریف شده، اصطلاح «اردوگاه‌های کشتار جمعی» است. لازم به ذکر است که در بین جنگ اصطلاح اردوگاه‌های کار اجباری مصطلح بود و اصطلاح اردوگاه‌های کشتار جمعی صرفاً پس از پایان جنگ و توسط برندگان جنگ وارد ادبیات سیاسی شد.[۲]

هدف نازی‌ها کوچ اجباری یهودیان آلمان به سرزمین‌های شرقی بود در واقع سوء استفاده متفقین و سپس صهیونیست‌ها از مسئله اردوگاه‌های کار

---

۱. سیدمهدی ناظمی، همان، ص ۱۱۹

۲. رئوف علائی، «ابعاد نهان بهره‌برداری تبلیغاتی صهیونیسم از مسأله هولوکاست»، مجموعه مقالات سمینار بین‌المللی بررسی هولوکاست؛ چشم‌انداز جهانی، ص ۴۱۵

اجباری از زمانی شروع شد که در اواخر جنگ سربازان انگلیسی صحنه‌های وحشتناکی را پس از دستیابی به اردوگاه برگن – بلسن دیدند.

در آخرین ماه‌های جنگ، در سال ۱۹۴۵، یک اپیدمی در اردوگاه «برگن – بلسن» شیوع یافت به طوری که آلمانی‌ها قادر به مهار آن نبودند. البته در آن زمان اوضاع عمومی آلمان بسیار از هم پاشیده، اسفبار و غم‌انگیز بود. هیچ‌گونه مواد غذایی و دارویی به اردوگاه نمی‌رسید. نیروی هوایی متفقین از ماه‌ها قبل، راه‌ها، جاده‌ها و مسیرهای قطار (راه‌آهن) را بمباران می‌کرد.[1]

در چنین شرایطی زمانی که انگلیسی‌ها وارد این اردوگاه شده و با صحنه‌های هولناک آن مواجه شدند فرصت مطلوبی برای دولتمردان انگلیسی به دست آمد تا به نوعی درگیر شدن خود در جنگ و تحمیل مصائب و مشکلات آن به مدت شش سال را برای مردم خود توجیه نمایند. در نتیجه سیل خبرنگاران و روزنامه‌نگاران با حضور در اردوگاه به تهیه عکس و فیلم و گزارش اقدام نمودند. بدین گونه افسانه اردوگاه‌های کشتار جمعی شکل گرفت. پس از آن تبلیغات سینمایی صهیونیستی تلاش نمود با بهانه قرار دادن تصاویر اردوگاه برگن – بلسن و با تحریف تصاویر، کوره‌های لاشه‌سوزی و اجساد تلف شدگان از بیماری‌های واگیردار – که وجود آنها در چنین اردوگاه‌هایی ضروری است – را به عنوان کوره‌های آدم‌سوزی و اتاق‌های گاز ویژه اعدام افراد به جهانیان بقبولانند.[2]

---

۱. محمدتقی تقی‌پور، همان، صص ۹۰-۸۹

۲. رئوف علائی، همان

اتاق‌های گاز

یکی از پایه‌های اصلی هولوکاست، تأکید صهیونیست‌ها بر وجود اتاق‌های گاز زیکلون‌ب برای اعدام دسته جمعی یهودیان در اردوگاه‌های نازی بوده است.[۱]

یهودیان مدعی هستند که آلمان هیتلری از اتاق‌هایی مجهز به سیستم ورودی ویژه گازهای سمی و خفه‌کننده برای از میان بردن یهودیان استفاده می‌کردند. مطابق این ادعا یهودیان ابتدا در اتاق رختکن کاملاً برهنه می‌شده‌اند، سپس موهای زنان نیز کاملاً کوتاه (و برای استفاده به آلمان فرستاده) می‌شد و پس از آن در اتاق گاز همه آنها کشته می‌شدند آن گاه جسد آنها را در کوره‌های آدم‌سوزی و یا در فضای آزاد می‌سوزاندند. مطابق این ادعاها، آلمانی‌ها در اردوگاه‌های تربلینکا و بلزک از گاز اگزوز ماشین و اردوگاه‌های آشویتس و ... از گاز بسیار سمی و کشنده زیکلون بهره می‌بردند.[۲]

تحقیقات علمی که در اطراف اماکن مورد ادعا انجام شده، عدم صحت آن را ثابت می‌کند. «فرد لوشتر» متخصص و مهندس اتاق‌های گاز از آمریکا، مکان‌هایی را که در «آشویتس»، «بیرکنائو» و «مجدانک» به عنوان اتاق گاز مورد استفاده قرار می‌گرفت، برای انجام آزمایش انتخاب و ثابت کرد که این اماکن برای این منظور مورد استفاده قرار نگرفته و همچنین حتی یک ذره کوچک از ترکیب سیانور که از اجزاء فعال سم «زیکلون‌ب» است و گفته می‌شود از این سم برای کشتار یهودیان در آشویتس استفاده شده، در محل

---

۱. زهرا خشک‌جان، همان، ص ۱۰۶

۲. سیدمجتبی عزیزی، همان، ص ۳۶

وجود ندارد. اما چیز مهمی که لوشتر در گزارش خود به اثبات رسانده این بود که با فرض اینکه این تجهیزات بتواند وجود اتاق‌های گاز را به اثبات برساند، به خاطر تعداد بالای فوت شدگان، سهم هر اتاق گاز ۱۶۹۳ نفر در هر هفته می‌باشد. این امر از نظر زمانی مستلزم ۶۸ سال برای اعدام تعداد ۶ میلیون نفر است، یعنی رایش سوم باید ۷۵ سال حکومت کرده باشد، تا آن تعداد را کشته باشد. ضمناً لوشتر در گزارش خود اشاره می‌کند که این مکان‌ها کاملاً پوشیده بوده و هیچ راهی برای تخلیه یا ریختن گاز در آنها وجود ندارد و بر روی آنها منافذی وجود دارد که این مسئله باعث خروج گاز از اتاق و منجر به کشته شدن دیگر پرسنل اردوگاه‌ها نیز می‌شده است.[۱]

باید توجه داشت که ضروری‌ترین و نخستین لازمه اثبات وجود اتاق‌های گاز و یا کوره‌های آدم‌سوزی، این بود که دستور این اقدام از جانب هیتلر یا مشاورینش به جهانیان ارائه شود اما در آرشیوهایی که مقامات آلمانی با دقت فراوان فراهم کرده بودند و بعداز جنگ، کاملاً از جانب متفقین ضبط شدند بودجه‌های تخصیص داده شده برای این اقدام، نه رهنمودهای مربوط به ساختمان و عملکرد این اتاق‌ها، هرگز پیدا نشده است.[۲]

در واقع اگر جنایتی توسط آلمان‌ها در اتاق‌های گاز صورت گرفته، حداقل باید آثار و تجهیزات مربوط به این اتاق‌های اعدام دسته‌جمعی در اردوگاه‌های مذکور پیدا می‌شد و به عنوان «آلت و حربه جنایت» معرفی می‌گردید، ولی این آثار تا به امروز پیدا نشده‌اند.[۳]

---

۱. «گزارش تجمعی صبح صادق از بازتاب اظهارات رئیس جمهور درباره رژیم صهیونیستی (احمدی‌نژاد در حریم ممنوعه غرب)»، هفته‌نامه صبح صادق، ۸۴/۹/۲۸، ص ۱۰

۲. زهرا خشک‌جان، همان، ص ۱۰۶

۳. همان

اکنون همگان پذیرفته‌اند که در اردوگاه‌های غربی (در سرزمین اصلی آلمان) هیچ اتاق گازی وجود نداشته حتی حامیان هولوکاست پذیرفته‌اند که ادعاهای قبلی آنها درباره این اردوگاه‌ها نادرست بوده است. اما در اردوگاه‌های شرقی (خارج از خاک اصلی آلمان) نیز آن‌گونه که محققانی چون فوریسون، ماتونیو، تونر و ... نشان داده‌اند هیچ اتاق گازی وجود نداشته است و آنچه به عنوان اتاق گاز در اردوگاه‌هایی مانند آشویتس به نمایش گذاشته می‌شود به لحاظ فنی برای چنین کاری کاملاً ناکارآمد بوده است که واضح‌ترین دلیل آن عدم وجود حفره‌ای در سقف این بناها برای ورود گاز خفه کننده و سمی زیکلون‌ب می‌باشد.[۱]

کوره‌های آدم‌سوزی

مسئله دیگر در باب هولوکاست، اذعان مدعیان آن بر وجود کوره‌های آدم‌سوزی در اردوگاه‌های اسرا در آلمان است که در آنجا یهودیان، پس از کشته شدن در اتاق‌های گاز روانه کوره‌های آدم‌سوزی که در مجاورت این اتاق‌ها قرار داشت می‌شدند. به قول مدعیان این داستان، به صورت انسان وارد کوره‌ها شده و خاکستر پودر شده آنها از آنجا خارج می‌شد.[۲]

با توجه به آنچه طرفداران هولوکاست در مورد آشویتس ادعا کرده‌اند، باید کوره‌های آشویتس (پنج کوره)، قبل از اتمام کار اردوگاه ساخته شده باشد. که این پنج کوره شامل حدود سی لوله بزرگ خروجی (یعنی سی تنور) می‌شوند. البته گزارش WRB، ۱۰۸ لوله و گزارش زندانی‌های روسی و لهستانی ۴۶ لوله را بیان می‌کند. اگر از همه شک و شبهه‌ها و بحث و

---

۱. سیدمجتبی عزیزی، همان، ص ۳۶

۲. زهرا خشک‌جان، همان، ص ۱۰۸

نظرهای طولانی در مورد کوره‌ها صرفنظر کنیم، حداقل یک نکته را به طور قطعی باید بپذیریم و آن اینکه کوره‌ها ساخته شده و آماده بودند، می‌شد در خوش‌بینانه‌ترین حالت امید داشت که در روز حدود ۱۰۵۸ نفر سوزانده شوند، آنگاه اگر هر روز کوره‌ها کار می‌کردند، در طی چهار سال با کمی اغراق می‌شد آمار قربانیان ادعایی آشویتس را پذیرفت ولی افسوس که این کوره‌ها یک سال بیشتر کار نمی‌کردند و پرواضح است که کارکرد هر روزهٔ کوره‌ها اغراق‌آمیز است. حتی اگر تصور کنیم چنان کوره‌هایی از آغاز وجود می‌داشتند باز هم بسیار بعید بود که مثل نظم ریاضی، بتوانند چنان آدم‌سوزی ادعایی را راه بیندازند. استهلاک کوره‌ها و تاب و عقل کارگران (که خود ساکنان آشویتس بودند) و ... از مهم‌ترین موانع معقول این اتفاق هستند.[1]

نکته جالب توجه در خصوص کوره‌های آدم‌سوزی، اغراق بسیار زیادی است که در ارتباط با حواشی این کوره‌ها از جانب داعیان آنها صورت گرفته است. به عنوان مثال سایمون و یزنتال در سال ۱۹۴۶، عملاً یک فن‌آوری دیگر به کوره‌ها اضافه می‌کند و می‌گوید: این کوره‌ها، حاوی شیارهایی بود برای جمع‌آوری چربی یهودیان مقتول تا از آن صابون ساخته شود. بر هر صابون، علامت اختصاری R.J.F (چربی خالص یهودی) حک شده بود که این صابون‌ها برای استفاده سران نازی و همسرانشان به آنها اهدا می‌شد.[2]

سوزاندن اجساد در چاله‌ها یا کوره‌هایی که بدین منظور تهیه شده‌اند، ادعای احمقانه‌ای است. آتشدان کوره، مثل آتش ناشی از یک تل هیزم نیست

---

۱. سیدمهدی ناظمی، همان، ص ۱۲۸

۲. زهرا خشک‌جان، همان، ص ۱۱۰

که بشود به راحتی به آن نزدیک شد. اجسادی که به اصطلاح برای سوختن روی هم تلمبار می‌کردند به مرور می‌سوختند و چربی آنها اولین چیزی است که می‌سوزد. اجساد، مثل مرغ سوخاری نیستند که برشته شوند و روغن آنها هم راه بیافتند تا بتوان با کفگیر جمع کرد و دوباره روی تل اجساد ریخت و یا آنها را در مسیری خاص هدایت نموده و برای ساختن صابون R.J.F مورد استفاده قرار داد.[۱]

بیماری تیفوس

در جنگ جهانی دوم، در سال‌های میانی و رو به پایانی جنگ، بیماری تیفوس در اردوگاه‌های اسیران در خاک آلمان و بخشی نیز در سرزمین لهستان شیوع پیدا کرد.[۲] ظاهراً شیوع این بیماری در اروپای مرکزی و در اردوگاه‌های کار اجباری همزمان با انتقال زندانیان شوروی آغاز شد.[۳]

نازی‌ها از بهار ۱۹۴۲ تلاش می‌کردند تا اپیدمی تیفوس را در اردوگاه‌ها از بین ببرند از جمله تمهیدات، استفاده از برخی مواد ضدعفونی کننده از قبیل «زیکلون» برای از بین بردن حشرات ناقل بیماری و پاکسازی و سالم‌سازی محیط اردوگاه‌ها و بلوک‌ها بود.[۴] آنها همچنین برای ضدعفونی کردن لباس‌های اسرا، اتاق‌های دربسته‌ای را که بعدها به اتاق‌های گاز آدم‌کشی معروف شد، در برخی اردوگاه‌ها ایجاد کردند.

---

۱. روبرفورسیون، همان، ص ۲۶۴

۲. گفت‌وگو با محمدتقی تقی‌پور، «هولوکاست دروغ مقدس غرب»، روزنامه کیهان، ۸۴/۱۰/۶، ص ۱۲

۳. سیدمحمد تراهی، همان، ص ۱۳۸

۴. محمدتقی تقی‌پور، همان، ص ۹۰

در مورد اجساد آن عده از اسرایی که بر اثر بیماری تیفوس جان خود را از دست داده بودند و نیز البسه و اشیاء متعلق به آنها، تنها راه و متد علمی تجویز شده مؤثر آن زمان، سوزاندن آنها بود.[۱]

از این‌رو نازی‌ها به توصیه گروه پزشکی اردوگاه‌ها تعدادی کوره‌های جسدسوزی در برخی اردوگاه‌ها، از جمله اردوگاه «آشویتس» و «بیر کناو» ایجاد کردند تا اجساد مردگان مبتلا به بیماری تیفوس و البسه آنها را برای مسدود ساختن و جلوگیری از گسترش این بیماری بسوزانند.[۲]

بنابراین، اماکنی که بعدها، از سوی کانون‌های صهیونیستی و مراکز تبلیغاتی غرب به «کوره‌های آدم‌سوزی» معروف شد، در واقع همان مکان‌ها یا مرده‌سوزخانه‌هایی بودند که آلمانی‌ها، برای پیش‌گیری از سرایت بیماری تیفوس تدارک دیده بودند و از طریق آنها اجساد مردگان و البسه مبتلایان به بیماری تیفوس را می‌سوزاندند و خاکستر می‌کردند.[۳]

شیوع بیماری‌های متعدد و مسری در اردوگاه‌ها و نیز در سراسر اروپای درگیر جنگ، چنین تدارکاتی را در مورد اجساد مردگان مبتلا به تیفوس الزامی می‌ساخت.[۴]

هاینریش هیلمر، از فرماندهان پلیس مخفی حکومت نازی‌ها، چند هفته قبل از پایان جنگ جهانی دوم، در دیدار با نمایندگان کنگره جهانی یهود در این‌باره اظهار داشت:

---

۱. مجید صفاتاج، همان، ص ۱۰۲

۲. زین‌الدین صدیق (ابوالمحی‌الدین)، افسانه قتل عام یهود در جنگ جهانی دوم، نشر هلال، ۱۳۷۲، صص ۲۴-۱۹

۳. محمدتقی تقی‌پور، همان، ص ۹۳

۴. روبر فورسیون، همان، ص ۱۲۷

«برای جلوگیری از شیوع بیماری‌های واگیردار مانند تیفوس مجبور بودیم شمار قابل توجهی از اجساد را که به این بیماری مبتلا شده بودند، بسوزانیم. بنابراین بالاجبار کوره‌های جسدسوزی را ساختیم؛ زیرا اجساد برای ما به حلقه طناب دار تبدیل شده بودند.»[۱]

در اواخر جنگ نیز، نابسامانی اوضاع عمومی آلمان و نرسیدن مواد غذایی و دارویی به اردوگاه‌ها از یک سو و شیوع بیماری تیفوس در مقیاس وسیع از سوی دیگر، موجب بالا رفتن تکان دهنده میزان مرگ و میر در برخی از اردوگاه‌ها از جمله آشویتس، داخائو و برگن بلسن شده بود. مثلاً در سال ۱۹۴۵ و در آخرین ماه‌های جنگ، بیماری تیفوس در اردوگاه برگن بلسن شیوع یافت که آلمانی‌ها نتوانسته‌اند آن را مهار کنند.[۲]

صحنه‌های وحشتناکی که انگلیسی‌ها پس از دستیابی به اردوگاه دیدند، مربوط به شیوع تیفوس بود. انگلیسی‌ها خود نیز در مهار آن دچار مشکلات بسیار شدند، آن چنان که بسیاری از اسیران می‌مردند. بنابراین، آلمانی‌ها و انگلیسی‌ها نبودند که در «برگن – بلسن» می‌کشتند بلکه این تیفوس بود که کشتار می‌کرد. البته بیماری‌های واگیر و مسری دیگری نیز وجود داشتند که همزمان شایع می‌شدند و سوءتغذیه نیز عامل دیگری در شیوع آنها بود.[۳]

نتیجه آنکه عامل مرگ هزاران یهودی و غیریهودی در اردوگاه‌های کار اجباری تنها سیاست‌های سبعانه و نژادپرستانه نازی‌ها نبود، بلکه بسیاری از آنها به واسطه ابتلا به بیماری‌های واگیرداری همچون تیفوس مرده بودند.[۴]

---

۱. سیدمحمد تراهی، همان، ص ۱۳۹

۲. مجید صفاتاج، همان، ص ۱۰۴

۳. همان، ص ۱۰۵

۴. سیدمحمد تراهی، همان، ص ۱۴۰

۳ – تجدیدنظرطلبی

تجدیدنظرطلبی (رویزیونیزم)

اصطلاح Revisionism از واژه لاتین Revidere به معنای «بازنگری مجدد» مشتق شده است.[۱] روبر فوریسون فرانسوی که از متقدمین مکتب بازنگری محسوب می‌شود، این مکتب را در حوزه روش تعریف می‌کند. از دیدگاه وی، بازنگری به هیچ وجه مکتبی اعتقادی نیست و نمی‌توان به آن اهداف خاص سیاسی را نسبت داد.

بازنگری ماده و جوهر یک روش است و اما ایدئولوژی نیست. بازنگری می‌خواهد در همه پژوهش‌ها یک بازگشت به نقطه آغازین انجام شود، و آزمونی حاصل از آزمایش، خواندن و نوشتن مجدد صورت گیرد؛ ارزیابی مجددی که از ارزش‌گذاری و جهت‌یابی مجدد و بازبینی و دوباره پی‌ریزی کردن تبعیت می‌کند.[۲]

به اعتقاد فورسیون، علاوه بر آزمون مجدد، بازنگری ارزیابی مجدد را نیز در دستور کار خود قرار می‌دهد؛ ارزیابی، ارزش‌گذاری پی‌ریزی دوباره اندیشه‌های بازنگری شده را در پی خواهد داشت و در نهایت با نگاهی حقیقت‌یاب، پایه‌های نامطمئن گذشته را مطمئن و قابل استناد می‌سازد. فورسیون در ادامه تعریف خود، بازنگری را متدی عمومی معرفی کرده، دایره نفوذ و توانایی گسترده آن را در پوشش دادن حوزه‌های علم و تفکر مورد

---

۱. همان، ص ۱۲۶

۲. مصطفی حریری، «مکتب تاریخ حقیقی»، فصلنامه مطالعات تاریخی، ویژه‌نامه هولوکاست، شماره ۱۴، ص ۱۵۲

مداقه قرار می‌دهد. از نگاه وی بازنگران آن چنان که امروز شناخته شده است لزوماً در تاریخ متوقف نخواهد ماند:

بازنگری می‌تواند یکصد زمینه از تاریخ، علوم و یا پژوهش‌های ادبی را شامل شود. بازنگری لزوماً فقط در مورد انگاره‌های مسلم و تثبیت شده طرح سؤال نمی‌کند بلکه برخی انگاره‌ها و نظریات را به سمت ارتقاء و تکامل هدایت می‌کند.[1]

از طریق «تجدیدنظرطلبی» تئوری‌ها و فرضیه‌های ثابت منتقدانه مورد بررسی قرار می‌گیرند تا اعتبار آنها بررسی شود. ضروری است دانشمندان بدانند چه زمانی مدارک جدید، نظریه‌های قبلی را تغییر یا تأیید می‌کنند؛ در واقع یکی از وظایف اصلی آنها بررسی مفاهیم ریشه‌دار و تلاش برای ابطال آنها است. تنها در یک جامعه باز که افراد آن در به چالش کشیدن تئوری‌های حاکم آزاد هستند، می‌توان اعتبار این تئوری‌ها را مشخص کرد و اطمینان حاصل نمود که در حال نزدیک شدن به حقیقت هستیم.[2]

روبر فورسیون می‌گوید:

«بازنگری تکذیب نمی‌کند اما در عوض صحت بالاتر را تأیید می‌کند. بازنگر، منکر نیست (یا آن چنان که در فرانسه می‌گویند پیرو مکتب انکار) بلکه تلاش می‌کند تا جایگاه چیزها را جستجو کند و بیابد. در بازنگری هیچ چیز وجود ندارد جز جستجو و یافتن.»[3]

یکی از پدران بازنگری، تاریخدان جوان آمریکایی «هری المربارنز» بود. بازنگری را این‌گونه تعریف می‌کند: «تطبیق و وفق دادن تاریخ با حقایق

---

۱. همان

۲. سیدمحمد تراهی، همان، صص ۱۲۷-۱۲۶

۳. مصطفی حریری، همان، ص ۱۵۳

مسلم». مطالعه بارنز روی حقایق مخالف تبلیغات جنگی در بین سال‌های ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ به او آموخت: حقیقت همواره اولین قربانی جنگ است. تحریفات در تاریخ‌نگاری و تأثیر احساسات در آن، در دوره جنگ بسیار بیشتر است.[۱]

تاریخ‌نگاران تجدیدنظرخواه، کسانی هستند که معمولاً با یافتن شواهد جدید یا بررسی دوباره شواهد قدیمی، به این نتیجه می‌رسند آنچه تاریخ‌نگاران تا آن موقع گفته‌اند، احتمالاً نقص‌ها یا خطاهایی هم دارد. یکی از جاهایی که تجدیدنظرخواه‌ها راجع به آن حرف دارند و حرف‌هایشان هم کم و بی‌معنا و بی‌مدرک نیست همین ماجرای هولوکاست است.[۲]

در سال‌های اخیر علاقه مردم غرب به پدیده هولوکاست افزایش یافته است و تحقیقات نشان می‌دهد که حجم مطالب منتشر شده در رابطه با هولوکاست در دهه ۱۹۹۰ ده برابر دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ میلادی است. این موج علاقه به کشف حقایق تاریخی و مقابله با تبلیغات هالیوودی و ژورنالیستی و تاریخ‌نگاری رسمی به ایجاد یک مکتب جدید تاریخ‌نگاری انجامیده که به «تجدیدنظرطلبی» (رویزیونیسم) یا «تاریخ واقعی» معروف است.[۳]

در سال ۱۹۷۸ زمانی که جیمی کارتر رئیس جمهور آمریکا در هیاهوی بسیار میزبان مذاکرات صلح کمپ دیوید بود، مؤسسه بازنگری تاریخی تقریباً در سکوت مطلق تأسیس شد. در آن زمان هدف از تأسیس چنین مؤسسه‌ای تفاوت زیادی با هدف نشست صلح کمپ دیوید نداشت؛ یعنی صلح، البته این

---

۱. همان، ص ۱۵۵

۲. در هولوکاست شک کنید، پایگاه خبری شریف نیوز، ۸۴/۱۰/۲۷

۳. عبدا... شهبازی، همان، ص ۴۴۷

صلح از طریق متفاوتی غیراز راه مورد پیشنهاد بانیان کمپ دیوید پی‌گیری می‌شد؛ راه مورد نظر بازنگران چیزی نبود جز بررسی و اصلاح تاریخ از طریق حقایق مسلم برای کشف و شناخت ریشه‌های درست درگیری‌ها و مناقشات و از این طریق امکان‌پذیر کردن راه حل آشتی‌جویانه این مناقشات.[۱]

با تمام تدابیر و امکانات به کار گرفته شده جهت اثبات یک واقعه کذب تاریخی، عده‌ای با استناد به شواهد و یافته‌های تحقیقی این داعیه صهیونیست‌ها مبنی بر وقوع هولوکاست را زیر سؤال برده‌اند. این عده عمدتاً با «مؤسسه بازنگری تاریخی» در ارتباط بوده و به «تجدیدنظرطلبان» مشهور هستند.[۲]

بازنگران به شواهد مسئله هولوکاست به شدت شک داشتند و کار سختی را برای «هم‌خوان کردن تاریخ با واقعیت مسلم» آغاز کردند.[۳]

معمولاً از پل رازینیه فرانسوی به عنوان بنیانگذار مکتب «تجدیدنظرطلبی» یاد می‌کنند.[۴]

افرادی همچون مارک وبر، روبر فورسیون، فردریک توبن، روژه‌گارودی، دیوید ایروینگ، آرمان اما دروس و داریوژ را تایژاک معتقدند که هولوکاست مهم‌ترین حربه صهیونیستی است که واقعیت آن یقیناً با اسناد موجود زیر سؤال رفته و مدارک و شواهد ادعایی یهودیان بدون اعتبار و بطلان‌پذیر است.[۵]

---

۱. مصطفی حریری، همان، ص ۱۵۹

۲. علیرضا سلطانشاهی، همان، ص ۲۲۷

۳. مصطفی حریری، همان، ص ۱۵۸

۴. علیرضا سلطانشاهی، همان.

۵. عبدا... شهبازی، همان، ص ۴۴۷

بازنگران یادآور می‌شوند که نقد آنها براساس این حقیقت است که کشته شدن به ناحق یک یهودی هم، غیرقابل قبول و بخشش بوده، همان طور که اغراق در مورد تعداد کشته شدگان یهودی نیز غیرقابل قبول و بخشش است.

با این حال بازنگری تاریخی نمی‌تواند بسیاری از حقایقی را نادیده انگارد، که در حاشیه نتایج تاریخ‌سازی برای جنگ دوم جهانی قرار می‌گیرد. یک بازنگری تاریخی همواره می‌پرسد که اگر کشته شدن یک یهودی غیرقابل اغماض و بخشش است، چه تفاوتی میان ملت‌های یهودی و غیریهودی وجود خواهد داشت. آیا این تنها یهودیان هستند که به واسطه ظلمی که بر آنها روا شده است شایسته همدردی و کمک هستند؟

«هولوکاست»، یکی از دروغ‌های بزرگ تاریخ است که با تأثیرگذاری‌های پشت پرده و گاه آشکار صهیونیسم جهانی به تدریج به اتفاقی قطعی و غیرقابل انکار تبدیل شده و هرگونه تردید و تشکیک در اصل یا جزئیات یا حتی تعداد قربانیان آن گناهی بس بزرگ و نابخشودنی به حساب می‌آید.[۱]

هولوکاست جزو مقدسات تحت الحفظ است که در غرب مدرن بحث درباره آن ورود به حریم ممنوعه تلقی می‌شود.[۲]

هیچ‌گونه انتقادی از هولوکاست پذیرفته نمی‌شود زیرا انتقاد از هولوکاست:

۱. به مثابه کفر است.

۲. باعث غم و اندوه قربانیان و آزار و اذیت یهودیان می‌شود.

---

۱. سیدمجید حسینی، «انکار هولوکاست تلنگر به وجدان‌های خفته جهان»، روزنامه کیهان، ۸۴/۱۲/۱۱، ص ۸

۲. گفت‌وگو با محمدتقی تقی‌پور، «هولوکاست دروغ مقدس غرب»، روزنامه کیهان، ۸۴/۱۰/۶، ص ۱۲

۳. ایدئولوژی سوسیالیسم ملّی را به عنوان بدترین مکتب عقیدتی تمام زمان‌ها توجیه می‌کند.[۱]

در علت‌یابی واکنش تند محافل صهیونیستی به هرگونه شک و تردید در مبانی مورد ادعای آنها یعنی یهودی‌سوزی، این که صهیونیست‌ها با تبلیغات گسترده خود همیشه سعی داشته‌اند ضمن بزرگ‌نمایی ابعاد هولوکاست و یهودستیزی نازی‌ها، از آن در جهت اهداف نامشروع خود استفاده کنند.[۲]

تجدیدنظرطلبان در تلاشند تا حقیقت را دریابند و «حقیقت» خطرناک‌ترین دشمن اسرائیل و یهود بین‌الملل است. به همین دلیل تجدیدنظرطلبان را مورد تعقیب قرار می‌دهند و در بسیاری از کشورها کتب آنها را می‌سوزانند.[۳]

اگر هولوکاست زیر سؤال برود نظام اخلاقی ساخته شده توسط بعضی، با تزلزل روبرو می‌شود؛ همان نظامی که سنگ بنای آن داستان هولوکاست است.

نگرانی مروجین هولوکاست از آن است که با گذشت زمان، از استحکام بنایی که با عنوان هولوکاست بنیان گذارده‌اند، کاسته شود و روزی برسد که دیگر کسی داستان یهودی‌سوزی در طول جنگ جهانی دوم را باور نکند. برخی معتقدند که این نگرانی در پی از دنیا رفتن شاهدان عینی هولوکاست افزایش یافته است، چرا که با نبود شاهدان عینی این ماجرا، اثبات صحت آن برای نهادهای رسمی حامی این تفکر مشکل‌تر خواهد بود. اما مسئله

---

۱. دفتر انتشارات اسلامی، همان، ص ۵۴

۲. سیدعبدالمجید زواری، «گام نخستین شکستن تابوی هولوکاست»، روزنامه جوان، ۸۴/۱۰/۱۵

۳. دفتر انتشارات اسلامی، همان، ص ۵۸

اینجاست که درستی یک واقعه تاریخی مستند نباید وابسته به شاهدان عینی باشد. وقایع مستند تاریخی غبار زمان بر خود نمی‌گیرند و با گذشت زمان در پرده ابهام نمی‌روند.[۱]

هرگونه بحث و گفت‌وگوی علمی و پژوهشی که مبتنی بر ایجاد سؤال، ابهام، تردید یا انکار «هولوکاست» باشد، به منزله ورود به حریم ممنوعه و عبور از خط قرمز «سازمان جهانی صهیونیسم» بوده و سزای آن ضرب و شتم، ترور فیزیکی، بازداشت، محاکمه، حبس، و نیز جریمه‌های سنگین نقدی، به علاوه محروم شدن از مشاغل رسمی دولتی است.[۲]

از اواسط دهه ۱۹۸۰ در بسیاری از کشورهای اروپایی بازنگری غیرقانونی شد. در این زمینه دادگاه‌های اروپا با رسانه‌های عمومی همکاری نزدیکی دارند تا دانشمندان منتظر نظریه رسمی هولوکاست را «منکرین آشویتس»، «منکرین هولوکاست» و ... بنامند.[۳]

در این کشورها قوانین خاصی با عنوان قانون «منکران هولوکاست» ایجاد شده است تا هرگونه بحث و تحقیق آزادانه در مورد این موضوع را سرکوب کند. در اسرائیل، آلمان، فرانسه، اتریش و برخی دیگر کشورها، انکار، مخالفت و بحث عمومی در مورد کشته شدگان هولوکاست و تعداد آنها و یا تبرئه عاملان آن، جرم محسوب می‌شود. هیچ بخش دیگری از تاریخ این‌گونه به واسطه قانون، مورد حفاظت قرار نمی‌گیرد، حتی برآوردهای دقیق تاریخی

---

۱. مصطفی حریری، همان، ص ۱۶۴

۲. محمدتقی تقی‌پور، همان، ص ۱۰

۳. مصطفی حریری، همان، ص ۱۶۶

و فنی اگر با تفسیر رسمی از هولوکاست تعارض داشته باشد، نقض این قانون جرم محسوب می‌شود.[1]

قانونی که تا امروز بسیاری از فرهیختگان آزاداندیش غربی را به جرم تردید در ماهیت افسانه هولوکاست، در قلب اروپا و آمریکای مدعی حقوق بشر و آزاد اندیش، دچار حبس و تادیب و بایکوت تمام عیار نموده است. حتی بسیاری از آنها مورد ضرب و شتم شدید و تهدید جانی قرار گرفته‌اند.[2]

براساس قانونی که پیش‌نویس آن در اوایل دهه ۸۰ میلادی توسط تعدادی از اعضای آژانس بین‌المللی صهیونیسم، تحت سرپرستی «رنه ساموئل سیرات» خاخام معروف فرانسه، تهیه و در ژوئیه سال ۱۹۹۰ میلادی در فرانسه به تصویب رسید؛ هرگونه تردید درباره «هولوکاست»، اعم از تردید درباره کشتار [مورد ادعای] یهودیان در جنگ جهانی دوم، وجود اتاق‌های گاز و حتی کم‌ترین تردید در رقم شش میلیونی یهودیان کشته شده، جرم تلقی می‌شود! و هر کس در فرانسه از این قانون تخلف کرده و در سه موضوع یاد شده تردید کند به یک ماه تا یک‌سال زندان و پرداخت ۲ هزار تا ۳۰۰ فرانک جریمه محکوم می‌شود».[3]

با تصویب این قانون نام ارائه دهنده آن و نخست وزیر وقت فرانسه بر آن نهاده شد: «قانون فابیوس - گسو».[4]

---

۱. مارک وبر، همان، ص ۴۰

۲. ابوالحسن علوی طباطبایی، «افسانه‌سازان «هولوکاست» در سینما – ۱، هولوکاست بزرگ‌ترین سلاح تبلیغی نظام‌سلطه»، روزنامه کیهان، ۸۵/۳/۱۰، ص ۸

۳. ماهنامه شمیم یاس (اجتماعی، سیاسی، فرهنگی)، فروردین ۸۷، شماره ۳۷، ص ۴۴

۴. روژه‌گارودی، اسطوره‌های بنیانگذار سیاست اسرائیل، ترجمه حمیدرضا آژیر، حمیدرضا شیخی، چاپخانه روزنامه قدس، ۱۳۷۷، ص ۱۰

بعدها با فشار آمریکا، انگلیس، فرانسه و آژانس صهیونیستی، این قانون در اکثر کشورهای اروپایی نیز به تصویب رسید.[۱] به طوری که امروزه در بسیاری از کشورهای اروپایی بازنگری در هولوکاست جرمی سنگین شناخته شده است.[۲]

جرج بوش قانون «آنتی سیمیتیزم» را برای به اصطلاح کنترل این پدیده در جهان امضا کرد. هدف از قانون «یهود ستیزی» دولت بوش این است که تمام انتقادها علیه رژیم اسرائیل را به سکوت کشانده و ددمنشی‌ها و دروغ‌های این رژیم را بپوشاند.[۳]

در فرانسه برای این جرم تا یک سال زندان تعیین شده است، در سوئیس تا سه سال و در آلمان (و سرزمین‌های اشغالی) تا پنج سال و در اتریش تا ده سال.[۴]

در اروپا و غرب که مدعی آزادی اندیشه و بیان هستند هرگونه بحث درباره هولوکاست ممنوع است و اگر کسی به نقد آن بپردازد محکوم و زندانی می‌شود.

به طور مثال پروفسور روژه‌گارودی در فرانسه تنها به این علت که جرأت کرد درباره افسانه کوره‌های آدم‌سوزی سخن بگوید مورد تحریم و فشار و تهدید قرار گرفت.[۵]

---

۱. مهدی علیخانی، همان

۲. مصطفی حریری، همان، ص ۱۶۵

۳. عبدا... محمد سیندی، «هولوکاست افسانه‌ای خاص صهیونیسم است»،خبرگزاری مهر، ۸۳/۱۱/۶

۴. مصطفی حریری، همان، ص ۱۶۵

۵. «افسانه کوره‌های آدم سوزی برای باج‌گیری»، روزنامه جوان، ۸۴/۱۰/۶، ص ۱۰

از دکتر جول هیوارد استاد دانشگاه نیوزلند به جرم تحقیق در هولوکاست، سلب درجه علم می‌نمایند. از ارنست زاندل کانادایی آلمانی الاصل به جرم درج مقاله‌ای علیه تحریف‌های تاریخی یهودیان، سلب تابعیت می‌شود.[۱]

جرج اشلی، دبیر تاریخ دبیرستان و حامی مؤسسه مطالعات تاریخی به خاطر دیدگاه‌های تجدیدنظرطلبانه خود، چندین بار هدف حملات تروریستی قرار می‌گیرد.[۲]

ژرژتری عضو سابق شورای منطقه‌ای شهر لیون فرانسه به علت انکار کشتار یهودیان و زیر سؤال بردن وجود اتاق‌های گاز در جنگ جهانی دوم به زندان محکوم شد.[۳]

افرادی مثل «پل رازینیه»، «مورگن گراف»، «استاگلیچ»، «فورسیون» و افراد زیاد دیگری وجود داشته‌اند که بازداشت شدند، از دانشگاه اخراج شدند و برخی از آنها زندگی مخفیانه دارند تا از گزند جوخه ترور مخفی صهیونیست‌ها در امان بمانند و این مسئله در آلمان و فرانسه و برخی کشورهای اروپایی وجود دارد.[۴]

---

۱. «گزارش تحلیلی صبح صادق از بازتاب اظهارات رئیس جمهور درباره صهیونیستی – احمدی‌نژاد در حریم ممنوعه»، هفته نامه صبح صادق، ۸۴/۹/۲۸، ص ۱۰

۲. سایت عملیات روانی، عنوان: شبکه ترور صهیونیسم،

۳. سید عبدالمجید زواری، «گام نخستین شکستن تابوی هولوکاست»، روزنامه جوان، ۸۴/۱۲/۱۵، ص ۳

۴. گفت‌وگو با محمدتقی تقی‌پور، «هولوکاست دروغ مقدس غرب»، روزنامه کیهان، ۸۴/۱۰/۶، ص ۱۲

دیدگاه‌های برخی تجدیدنظرطلبان

۱- روبرفورسیون

پروفسور روبر فورسیون، دانشمند و محقق برجسته فرانسوی، اولین بار در سال ۱۹۸۷، طی سلسله مقاله‌هایی در نشریه لوموند، درباره اسرار پشت پرده تاریخ جنگ جهانی دوم به افشاگری پرداخت. او تا کنون چندین جلد کتاب و ده‌ها مقاله معتبر و مستند علمی و تحقیقی در این خصوص تدوین کرده و به چاپ رسانده است.[۱]

فورسیون درباره اهمیت و دستاورد تحقیقات خود چنین نوشته است:

من مدت‌ها فریب خورده بودم و پانزده سال به واقعیت «اتاق‌های گاز» مثل خورشید نیمروز اعتقاد داشتم.[۲] من تا سال ۱۹۶۰ به واقعیت کشتار بزرگ در «اتاق‌های گاز» اعتقاد داشتم. پس از آن، با مطالعه کتاب‌های پل رازینیه، تبعیدی سابق، عضو نهضت مقاومت و نویسنده کتاب «دروغ اولیس» دچار شک و تردید شدم. پس از چهارده سال تفکر شخصی و آن گاه چهار سال تحقیق خستگی‌ناپذیر، همانند بیست تن از نویسندگان طرفدار تجدیدنظرطلبی، اطمینان یافتم که با یک دروغ تاریخی مواجه هستم.[۳] از اردوگاه‌های آشویتس و بیرکناو – که در آنها اتاق‌های گاز بازسازی شده و بقایایی از «کوره‌های آدم‌سوزی» وجود دارند – چندین مرتبه بازدید کردم. در اردوگاه‌های اشتروتهوف (آلزاس – فرانسه) و مایدانک (لهستان)، مکان‌هایی را که به عنوان «اتاق گاز» معرفی می‌شدند، بررسی کردم. در

---

۱. روبر فوریسون، همان، ص ۹

۲. همان، ص ۱۰

۳. همان، ص ۱۳۸

مرکز اطلاع‌رسانی معاصر یهود در پاریس، آرشیوها، دست‌نویس‌ها، عکس‌ها، شهادت‌های کتبی و هزاران سند دیگر را مطالعه کردم. برای یافتن پاسخ، بی‌وقفه از متخصصین و تاریخدانان پرسش کردم. سال‌ها، اما بیهوده به دنبال فقط یک بازمانده از بازماندگان جنگ بودم که به چشم خود «اتاق‌های گاز» را دیده باشد؛ به ویژه به کثرت مدارک در این مورد وقعی نمی‌گذاشتم. به حتی یک مدرک، فقط یک مدرک راضی بودم، اما همین یک مدرک را هم نیافتم.[1]

فورسیون، درباره فقدان هرگونه شاهد و سند در اثبات وجود اتاق‌های گاز نوشته است:

در مورد «اتاق‌های گاز» مجاور کوره‌ها، نه دستور ساخت، نه مطالعه، نه سفارش، نه صورت هزینه و حتی یک عکس وجود ندارد. در صدها محاکمه (اورشلیم، فرانکفورت و ...) هیچ سندی در این باره ارائه نشده است.[2]

وی به عکس‌های ساختگی از اتاق‌های گاز مورد ادعای صهیونیست‌ها اشاره کرده و ضمن رد این ادعا با استناد به مدارک غیرقابل انکار، با تعجب می‌پرسد، اگر این عکس‌ها واقعی است، چگونه سربازان آلمانی – مورد ادعا – بدون ماسک و بی آن که کمترین پوششی بر دهان، بینی و چشم خود داشته باشند در اتاق‌های مالامال از گازهای کشنده ایستاده و بر جان کندن یهودیان محکوم نظارت می‌کنند؟! و یا درباره یکی دیگر از عکس‌های مورد ادعای صهیونیست‌ها که جمعی از یهودیان را در محاصره چند تانک نشان

---

۱. همان

۲. همان، ص ۱۲۹

می‌دهد، با ارائه اسناد و شواهدی خواندنی و غیرقابل تردید، نشان می‌دهد که تانک‌ها در این عکس، انگلیسی هستند نه آلمانی و ...[۱]

پروفسور روبر فورسیون پس از ده‌ها سال مطالعه و تحقیق بر روی اسناد و جنگ جهانی دوم، در مراکز و مؤسسه‌های بزرگ مطالعاتی و پژوهشی به این واقعیت دست یافت که مسأله «اتاق‌های گاز» و قتل عام یهودی‌ها (هولوکاست) دروغ و افسانه‌ای است که از سوی بعضی مجامع و سازمان‌های یهودی و کانون‌های صهیونیستی، با اغراض کاملاً سیاسی و بلکه اقتصادی ساخته و پرداخته شده است.[۲]

روبر فورسیون، در همایش هولوکاست در تهران، در گفتگو با خبرنگار سیاسی قدس، نظریه جالبی را برای رد هولوکاست با اتاقک‌های گاز مطرح کرده است.

او می‌گوید: از نظر علمی و فنی به کارگیری اتاقک‌های گاز به عنوان اثبات هولوکاست عملی نیست، زیرا اگر قرار بود، به عنوان مثال دو هزار نفر در اتاقک‌های گاز کشته شوند باید از یک نوع اسیدی استفاده می‌شد که کشته شدن آنها را تسریع می‌کرد، بنابراین آلوده شدن زندانبانان با این اسید اجتناب‌ناپذیر بود و از نظر عقلی صحیح به نظر نمی‌رسد که آلمانی‌ها با هر کشتاری، زندانبانان خود را هم می‌کشتند.

وی ادامه داد: من این موضوع را در روزنامه لوموند فرانسه مطرح کردم و خوشبختانه ۳۴ نفر از استادان دانشگاه نظریه مرا تأیید کردند. این

---

۱. حسین شریعتمداری، «هولوکاست افسانه نیست»

۲. مجید صفاتاج، همان، ص ۹۹

پژوهشگر تأکید کرد: از نظر علمی تأیید هولوکاست با اتاقک‌های گاز غیرممکن است.[۱]

فورسیون پس از انتشار اولین سری از نتایج تحقیقات خود، یعنی افشای اسرار پشت پرده تاریخ جنگ جهانی دوم، مورد حمله و تهاجم گروه‌های فشار و کانون‌های قدرت یهودی در فرانسه قرار گرفت، او می‌گوید: من بدترین جرم را مرتکب شده‌ام؛ جرم بیان آزادانه عقاید و دست زدن به یک تابو آنها این موضوع را به من فهماندند و از همه طرف مورد حمله قرار گرفتم. زندگی‌ام از هم پاشید: زندگی شخصی، شغلی و حتی خانوادگی، اما اولین کسی نیستم که چنین مصیبت‌هایی را می‌بینند.[۲]

۲- دیوید ایروینگ

ایروینگ مورخ بسیار معتبری است در حدی که برخی نشریات سرشناس انگلیس نوشته‌اند هیچ کس نمی‌تواند درباره جنگ کار کند و پرفسور ایروینگ را نادیده بگیرد. او اولین کسی است که خاطرات ۷۵۰۰۰ صفحه‌ای گوبلز را به دست آورد و روی آن کار کرد. این خاطرات به مدت پنجاه سال برای مورخین ناشناخته بود و در آرشیوهای سری ارتش سرخ شوروی نگهداری می‌شد.[۳]

ایروینگ در کتاب «جنگ هیتلر» مدعی است که اصولاً در دوران جنگ هیچ نوعی از کشتار یهودیان، «هولوکاست» در کار نبوده است.[۴] ایروینگ

---

۱. مجید معافی، «گفتگوی روبر فوریسون با خبرنگار گروه سیاسی روزنامه قدس»، روزنامه قدس، ۸۵/۹/۲۳، شماره ۵۴۵۰، ص۳

۲. روبر فوریسون، همان، ص ۱۲

۳. مجید صفاتاج، همان، ص ۸۴

۴. مهدی علیخانی، همان

معتقد است که اولاً، در آشویتس و سایر اردوگاه‌های نازی اتاق گاز وجود نداشته است.

ثانیاً، هیتلر هیچ اطلاعی از وجود اتاق‌های مرگ و برنامه سازمان یافته برای کشتار یهودیان نداشته است. (ایروینگ برای کسی که بتواند ثابت کند هیتلر از هولوکاست مطلع بوده جایزه‌ای به مبلغ ۱۰۰۰ پوند تعیین کرده است).

ثالثاً، یک توطئه جهانی وجود دارد که به مورخین اجازه تحقیق بی‌طرفانه و برکنار از پیشداوری در زمینه هولوکاست را نمی‌دهد.

رابعاً، رقم شش میلیون کشته یهودی در جنگ دوم صحت ندارد و تعداد مقتولین یهودی کمتر از یک میلیون نفر است که در اثر بیماری یا در جریان جنگ، مانند دیگران، کشته شده‌اند نه در اثر طرح سازمان یافته امحاء جمعی.[۱]

ایروینگ بارها از سوی گروه‌های یهودی و انگلیس و در سراسر جهان مورد ضرب و شتم قرار گرفته است و همچنین از ورود به کشورهای مشترک‌المنافع ممنوع شده است.[۲]

وی در دادگاهی در پایتخت اتریش به ۳ سال حبس محکوم شد.[۳]

۳- پل رازینیه

پل رازینیه، پس از جنگ جهانی دوم به عرصه تحقیقات تاریخی روی آورد، در زمینه جنگ دوم جهانی به تحقیق و انتشار کتاب پرداخت و از

---

۱. عبدا... شهبازی، همان، ص ۴۴۸

۲. «چه کسانی هولوکاست را افسانه نمی‌دانند؟»، روزنامه جوان، ۸۴/۱۰/۶، ص ۱۱

۳. فریبا انیسی، همان، ص ۱۴۱

جمله به ترسیم وضع اسفناک اردوگاه‌های جنگی نازی دست زد، ولی او به تدریج در جریان تحقیقاتش به نظراتی رسید که تصویر رسمی را کاملاً نفی می‌کرد.[۱]

رازینیه اعلام کرد اولاً، افسانه اتاق‌های گاز برای کشتار زندانیان – اعم از یهودی و غیریهودی – مطلقاً صحت ندارد. ثانیاً در دوران جنگ هیچ سیاستی از سوی آلمان برای کشتار جمعی یهودیان اروپا وجود نداشته است. ثالثاً، یهودیان کشته شده در دوران جنگ بین ۹۰۰ هزار تا ۱/۵ میلیون نفر هستند نه ۶ میلیون نفر و این افراد مانند دیگران در جریان جنگ یا در اثر بیماری‌های مسری، به ویژه تیفوس، از بین رفتند.[۲]

دلایل نقض ادعای هولوکاست:

الف) شهادت بازماندگان اردوگاه‌ها

اولین و مهم‌ترین دلیلی که می‌توان براساس آن خط بطلان بر روی ادعای هولوکاست کشید، شهادت بازماندگان اردوگاه‌های آشویتس و بوخنوالدست.

«ماریاون هرواردن» در دادگاه تورنتو کانادا در سال ۱۹۸۸ درباره اردوگاه آشویتس گفت: من به همراه جمعی دیگر از زنان به وسیله قطار به اردوگاه آشویتس در سال ۱۹۴۲ منتقل شدم. به محض اینکه به آشویتس رسیدیم من و سایر زنان طبق دستور لباس‌های خود را کنده و طبق دستور وارد سالنی شدیم که به وسیله آب و مواد ضدعفونی کننده شستشو شدیم.

---

۱. مهدی علیخانی،شریف نیوز، همان

۲. عبدا... شهبازی، همان، ۴۴۷

آن زمان بیماری‌های واگیردار قربانیان زیادی می‌گرفت و ما برای مصون ماندن از این بیماری‌ها تحت مراقبت قرار داشتیم.[۱]

ب) مقررات حاکم بر اردوگاه‌ها:

در بخشی از این مقررات آمده بود:

تازه واردها تحت آزمایشات پزشکی قرار گیرند و اگر تردیدی در خصوص سلامتی آنها وجود داشته باشد، باید برای مراقبت به قرنطینه فرستاده شوند.

زندانیانی که گزارش بیماری آنها داده شود، باید همان روز به وسیله پزشک اردوگاه، مورد معالجه قرار گیرند تا در صورت لزوم، پزشک آنها را برای معالجات پیشرفته به بیمارستان منتقل نماید.[۲]

پزشک اردوگاه باید بطور منظم از آشپزخانه بازدید به عمل آورد. این بازدید در خصوص اموری مانند غذا و کیفیت آن صورت می‌گیرد و هر نوع کمبود و نقصی باید به فرمانده اردوگاه گزارش شود.

مصدومین باید معالجه و به صورت ویژه نگهداری شوند تا به آنان آسیبی نرسد و کارآیی خود را از دست ندهند.

زندانیانی که آزاد یا منتقل می‌شوند، ابتدا باید قبل از خروج از اردوگاه، برای اطمینان از سلامتی آنان، برای تست پزشکی نزد پزشک اردوگاه بروند.

براین اساس، تنظیم چنین تدابیر و قوانینی برای یک اردوگاه کشتار جمعی، غیرمنطقی است و این تدابیر تنها برای محل‌هایی قابل قبول است

---

۱. «گزارش تحلیلی صبح صادق از بازتاب اظهارات رئیس جمهور درباره رژیم صهیونیستی، احمدی‌نژاد در حریم ممنوعه غرب»، هفته‌نامه صبح صادق، ۸۴/۹/۲۸، ص ۱۰.

۲. همان

که تحت نظارت سازمان‌های بین‌المللی بوده و از آنها برای بازداشت اسیران جنگی و یا مجریان استفاده می‌شود.

ج) آزمایشات فنی و پزشکی:

پروفسور فورسیون در این باره می‌گوید: یهودیان ادعا می‌کنند که آلمانی‌ها تعداد زیادی از یهودی‌ها را در اتاق بزرگی که از شکاف‌های سقف آن، گاز زیکلون منتشر می‌کردند، اعدام کرده‌اند و پس از آن که مطمئن می‌شدند این افراد مرده‌اند وارد اتاق می‌شدند و اجساد را برای سوزاندن در کوره‌های آدم‌سوزی بیرون می‌آوردند در حالی که متخصصان علم شیمی به صراحت اعلام کرده‌اند که زیکلون گازی است بسیار قوی که در جسم و پوست انسان نفوذ می‌کند و دارای قابلیت نفوذ بسیار بالایی است به طوری که حتی با دست زدن به اجساد نیز این گاز قابلیت انتقال دارد و سبب مرگ می‌شود و همین طور فضایی که در آن این گاز پراکنده می‌شود، برای هر کسی که در آن وارد شود، کشنده خواهد بود که به این ترتیب می‌بایست سربازان و نظامیان آلمانی نیز کشته شده باشند. بازنگری‌های تاریخی اثبات کرده که در آن زمان بیماری‌های ویروسی که بر اثر جنگ ایجاد شده بود مانند وبا و تیفوس زیاد شده بود و بسیاری از اجساد را به این دلیل می‌سوزاندند.

ساختمان و امکانات موجود در اتاق‌های گاز نیز بیانگر این است که از آنها هرگز به عنوان اتاق اعدام استفاده نشده است. همچنین با وجود بالا بودن درجه احتراق گاز، تدبیری اندیشیده نشده که پرسنل این ساختمان‌ها و سایرین از معرض گاز و احتراق ناشی از انفجار آن دور نگه داشته شوند. علاوه

بر آنکه وجود سیانور ناچیز در ۳۲ نمونه گرفته شده از اماکن نشان می‌دهد که هیچ‌گونه تزریق گاز هیدروسیانید در آن صورت نگرفته است.[1]

۱. همان

فصل سوم :

کارکردها و پیاوردهای هولوکاست

۱ - کارکردهای سیاسی هولوکاست

الف) اصل مظلوم‌نمایی

تاریخنگاری یهود بر «مظلوم‌نمایی» استوار است؛ و این «مظلوم‌نمایی»، به دلیل پشتوانه نیرومند تبلیغاتی آن، بر افکار عمومی جهان به شدت مؤثر بوده است.

تاریخ اقوام کهن سرشار از داستان‌های جنگ، مهاجرت و اسارت و دربه‌دری است؛ ولی هیچ قومی به سان یهودیان این حوادث را به پرچم «مظلومیت تاریخی» خود بدل نساخته‌اند. این «مظلوم نمایی»، از آغاز، با تحریف‌ها و اغراق‌های بزرگ و حیرت‌انگیز آمیخته است؛ تا بدانجا که می‌توان گفت تاریخ هیچ قومی چنین با «دروغ‌های بزرگ» و «آگاهانه» رقم نخورده است.[۱]

صهیونیسم، مدعی است که در طول تاریخ پس از تبعید از اورشلیم، دائماً مورد آزار و اذیت، تحقیر و کشتار اقوام و ادیان دیگر بوده‌اند و این قوم، به خاطر خدا دچار رنج و محنت طولانی‌مدت بوده و اکنون حق آن‌هاست که دولت و سرزمینی برای خود داشته باشند تا بدون آزار دیگران زندگی کنند.[۲]

برای مظلوم‌نمایی، رژیم صهیونیستی نماد و سمبلی بهتر از هولوکاست پیدا نمی‌کند و از این‌روست که هولوکاست به بارزترین جلوه مظلوم نمایی دروغین یهودیان تبدیل شده است.[۳]

---

۱. عبدا... شهبازی، زرسالاران یهودی و پارسی استعمار بریتانیا و ایران، الیگارشی یهودی و پیدایش زرسالاری جهان، ج۲، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۷۷، ص ۵۱

۲. هادی آجیلی، همان، ص ۴۶۲

۳. سیدمجتبی عزیزی، همان، ص ۵۵

یکی از ارکان اصلی سلطه صهیونیسم در دنیای معاصر به ویژه در سرزمین فلسطین «مظلوم‌نمایی» است.[۱]

آبراهام هشل می‌گوید که «دولت اسرائیل، پاسخ خداوند به آشویتس است» و یا موشه زیرمن، رئیس گروه مطالعات آلمانی در دانشگاه عبری اورشلیم، تأکید می‌کند که هولوکاست توجیه اصلی دولت اسرائیل است. در واقع، برپایی دولت اسرائیل بنابر عقل سلیمی که این افراد ترویج می‌کنند نتیجه منطقی ظلمی است که به یهودیان در هولوکاست رفته است.[۲]

ب) تأسیس «اسرائیل»

واژه «اسرائیل» به حکومت صهیونیستی اشاره دارد.[۳]

این کلمه از نظر اصطلاحی دارای دو معنی اساسی است. اولاً به معنی یهود و به عنوان یک ملت مقدس است و ثانیاً به معنی فلسطین به عنوان سرزمین مقدس است.[۴] اسرائیل رژیمی اشغالگر، در ساحل مدیترانه با مرکزیت تل آویو است،[۵] رژیم اسرائیل، زائیده نهضت صهیونیست است.[۶]

اگرچه در اواخر قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم، اکثریت مهاجران یهودی به ایالات متحده رفتند، اما مطالبات فزاینده‌ای برای ایجاد یک کشور

---

۱. گفت‌وگو با محمدتقی تقی‌پور، «هولوکاست دروغ مقدس غرب»، روزنامه کیهان، ۸۴/۱۰/۶، ص ۱۲

۲. سیدمحمد تراهی، همان، ص ۲۲۷

۳. عبدالوهاب المسیری، همان، ج ۸، ص ۳۸

۴. همان، ج ۱ ، ص ۲۲۸

۵. غلامحسین صاحب، دائرة المعارف فارسی، ج ۱، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۵، ص ۱۳۴

۶. همان، ص ۱۳۴

یهودی، هم برای فرار از تعدیات و هم به منظور تحقق بیشتر مواعید کتاب مقدس، به گوش می‌رسید.[۱]

قرن بیستم یک ویژگی دارد و آن پیدایش یهود در صحنه تاریخ است، به گونه‌ای که پیش از آن، مانند نداشته است. اینها پس از ۲۸ قرن دوباره بر سراسر جهان چنگ انداختند.[۲]

جنگ جهانی اول، به عنوان یک برنامه توطئه‌آمیز حساب شده، باعث تلاشی امپراتوری عثمانی و اشغال فلسطین از سوی بریتانیای کبیر شد. به دنبال آن با تشکیل حکومت سرپرستی انگلیس در فلسطین، به مدت تقریباً ۳۰ سال، زمینه‌های برپایی دولت صهیونیستی فراهم شد. جنگ جهانی دوم نیز با سلاح و پشتوانه روانی و سیاسی «هولوکاست» به عنوان پروژه متمم آن، تأسیس دولت اسرائیل را در پی داشت.[۳]

حضور تئودور هرتزل در دنیای سیاست چنان مجذوبش ساخت که مصمم شد تا با بهره‌گیری از جریانات سیاسی موجود در اروپا، خود را منجی قوم یهود معرفی کند، هرتزل این فرصت را در سال ۱۸۹۴م. / ۱۳۱۲ه.ق. به دست آورد.[۴]

اساس افکار نژادپرستانه هرتزل و صهیونیست‌های دنباله‌رو او را، می‌توان در چهار اصل زیر که در زندگی روزمره، طرز تفکر، و خلق و خوی مردم دولت اسرائیل نقش مهمی دارد، خلاصه نمود:

---

۱. جیمی کارتر، فلسطین صلح یا نژادپرستی، ترجمه محمد حسین وقار، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۶، ص ۷۷

۲. شریف الدین اعرجی، تحلیلی بر پیشگویی نوستر آداموس، ترجمه عباسعلی براتی، انتشارات کامکار، ۱۳۸۳، ص ۳۲۶

۳. محمدتقی تقی‌پور، همان، ص ۱۱۸

۴. علی اکبر ولایتی، همان، ص ۴۲

۱. به لحاظ ارثی و نژادی، یهودی و غیریهودی نمی‌توانند یکجا با هم زندگی کنند.
۲. یهودیان برای محافظت خود، مجبورند در داخل یک کشور جمع شوند. قوانین و احکام مربوط به شناسایی فلسطین به عنوان موطن اصلی و ابا و اجدادی قوم یهود (فقط یهودیان عبرانی)، موجبات این انتخاب ولو با توسل به قوه قهریه، فراهم ساخته است.
۳. یهودیان بوسیله موانع حقوقی و اجتماعی، باید جدا از غیریهودیان و یهودیان مهاجر، نگهداری شوند.
۴. تشکیل دولت یهودی، مستلزم کمک و مساعدت غیریهودیان است.[۱]

هرتزل کتابی به نام «سرزمین یهود» می‌نویسد و در آن تأکید می‌کند که باید کلیه یهودیان از اقصی نقاط جهان در کشوری مستقل، مستقر شوند.[۲] این کتاب اگرچه در ظاهر نامه‌ای است به خانواده روچیلدها اما روی سخنش با تمام رؤسای کشورهای جهان است.[۳]

لازم به توضیح است که اسناد و مدارک تاریخی نشان می‌دهد که این روچیلدها بودند که مسئله فلسطین را به عنوان «ارض موعود» در میان ثروتمندان و روشنفکران یهودی مطرح ساختند و در راه تحقق آن پای فشردند در حالی که بسیاری از یهودیان در آن زمان به سرزمین خاصی نظر نداشتند و برخی از آنها به عنوان «ارض موعود» به آمریکا و حتی آفریقای جنوبی می‌نگریستند. اما با دستمایه مالی و نفوذ سیاسی روچیلدها بود که

---

۱. گروه تحقیقات علمی ترکیه [یحیی هارون]، مبانی فراماسونری، ترجمه جعفر سعیدی، چ ۳، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴، ص۵

۲. ابوالحسن علوی طباطبایی، نیمه پنهان ۲۷، انتشارات کیهان، ۱۳۸۶، ص ۱۵

۳. علی‌اکبر ولایتی، همان، ص ۴۱

این توطئه تحقق پذیرفت و سرانجام به تأسیس «غده سرطانی» به نام اسرائیل در خاورمیانه منتهی شد.[۱]

دایرة المعارف بریتانیکا در مورد خانواده روچیلدها می‌نویسد:

«مشهورترین خانواده بانکدار سراسر اروپا که نام آنها به تنهایی برای مدت‌های مدید مترادف با ثروت افسانه‌ای بوده است و برای قریب به دو قرن بر تاریخ اقتصادی اروپا تأثیری جدی داشته‌اند. موفقیت‌های مداوم آنان هنوز نیز بر همکاری پنهان میان شاخه‌های خاندان و توانایی آنها در سرمایه‌گذاری‌های کلان استوار است.[۲]»

«بارون ادموند روچیلد» کسی است که هفتاد میلیون فرانک طلا در راه اسکان یهود در فلسطین سرمایه‌گذاری کرد؛ رقمی که علیرغم سنگینی آن، در برابر دارایی روچیلدها و اهداف اقتصادی و سیاسی که در چشم‌انداز آینده می‌جستند، وزنی نداشت. به گفته «یوری ایوانف» بانک روچیلد به تنهایی پول مورد نیاز تأسیس ده فلسطین را در اختیار داشت: «ادموند روچیلد» به پاس سهم تعیین کننده‌اش در تأسیس دولت اسرائیل توسط «حیم وایزمن» پیشوای سیاسی صهیونیزم و از سوی صهیونیست‌ها «پدر پیشرو» لقب گرفت.[۳]

هرتزل در فصول مختلف کتاب سرزمین یهود چگونگی نظام این کشور ایده‌آل، مسائلی همچون وضع کارگران، کشاورزان، ساعات کار روزانه و حتی رنگ‌ها و آرم پرچم کشور مورد نظرش را مطرح می‌سازد. یهودیان این کتاب

---

۱. فریبا انیسی، همان، ص ۵۱

۲. عبدالله شهبازی، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی(جستارهایی از تاریخ معاصر ایران، خاطرات حسین فردوست)، چ ۱۹، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۵، ص ۵۱

۳. فریبا انیسی، همان، ص ۴۷

را نپذیرفته و آن را مورد استهزا قرار دادند. حتی به «هرتزل» توصیه می‌شود که به یک روانپزشک مراجعه کند. او نزد روانپزشک معروفی به نام «ماکس - نوردو» می‌رود ولی او نه تنها «هرتزل» را از داشتن عقل سلیم مطمئن می‌سازد بلکه وی را مطمئن می‌سازد و به او قول می‌دهد که در راه رسیدن به هدفش تمام توانایی مادی و معنوی‌اش را در اختیار وی خواهد گذارد.[۱]

دو سال بعد یعنی در سال ۱۸۹۷م./ ۱۳۱۵ه.ق. اولین گردهمایی صهیونیسم بین‌الملل در شهر بال سوییس برگزار شد که در آن قریب به ۲۵۰ تن از رهبران یهودی و صهیونیست گردهم آمدند تا درباره آینده قوم یهود به بحث بپردازند.[۲]

هدف اساسی این کنگره چنگ انداختن به سرزمین فلسطین به عنوان سرزمین موعود و کشور یهود بود.[۳]

علی‌رغم پیگیری‌ها و یکدنگی‌های صهیونیستی به سرکردگی «هرتزل»، دولت‌های اروپایی به ویژه انگلستان به دلیل هراس از امپراتوری عثمانی پیشنهاد کردند که یهودیان در یکی از نقاط زیر مکانی برای زندگی مشترک انتخاب کنند. قبرس – مصر – اوگاندا و یا نقطه‌ای در آمریکای لاتین ولی شعار صهیونیست‌ها تنها سرزمین فلسطین بود و نه جای دیگری، آنها خود را مالک آن سرزمین می‌دانستند.[۴]

---

۱. ابوالحسن علوی طباطبایی، همان، ص ۱۵

۲. عبدالوهاب المسیر، صهیونیسم، ترجمه لواء رودباری، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۴، ص ۶۲

۳. ابوالحسن علوی طباطبایی، همان، ص ۱۶

۴. همان

این نشست سرانجام منجر به صدور مصوبه‌ای شد که در آن هدف صهیونیسم ایجاد یک میهن برای ملت یهود در سرزمین فلسطین با اتکا به حمایت‌های بین‌المللی عنوان گردید.[۱]

از آن پس، فلسطین از سوی صهیونیست‌ها ارض اسرائیل نام گرفت و پرچم صهیونیست و شعار ملی یهود هم معلوم شد.[۲]

در نوامبر ۱۹۱۷ بیانیه‌ای از طرف دولت انگلیس انتشار یافت که به صورت نامه‌ای از طرف لرد بالفور (وزیر امور خارجه انگلیس) خطاب به لرد روچیلد فرستاده شد.[۳] در این بیانیه تأیید شده بود که «دولت اعلیحضرت از تأسیس یک موطن ملی برای یهودیان استقبال می‌کند و همه تلاش خود را برای دستیابی به این هدف به کار می‌برد.» اما این اعلامیه حاوی این تعهد قاطع نیز بود که «هیچ اقدامی که به حقوق مذهبی و شهروندی جمعیت غیریهودی موجود در فلسطین لطمه زند نباید صورت گیرد». زیرا این «جمعیت‌های غیریهودی» ۹۰ درصد ساکنان فلسطین را تشکیل می‌دادند.[۴]

اعلامیه بالفور، با موافقت دولت انگلیس با درخواست صهیونیست‌ها برای تشکیل یک دولت یهودی در فلسطین، پایه سیاست‌های آینده انگلیس در فلسطین را بنا نهاد.[۵] صدور اعلامیه بالفور، که در تولد دولت یهودی –

---

۱. عبدالوهاب المسیر، همان

۲. مؤسسه اطلاعات فلسطین، سیاست و حکومت رژیم صهیونیستی، ترجمه مطالعات اندیشه‌سازان نور، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷، ص ۳۴۰

۳. روژه گارودی، همان، ص ۱۹۴

۴. الکساندر ماتیل، جنبش‌های شخصیت‌ها و مفاهیم، ترجمه کامران فانی، نورالله مرائی، ج ۳، انتشارات کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه تهران، ۱۳۸۴، ص ۹۷۱

۵. مرتضی شیرودی، فلسطین و صهیونیسم، انتشارات تحسین، ۱۳۸۲، ص ۶۵

صهیونیستی اسرائیل سهمی بسیار داشت، ناشی از اشتراک منافع صهیونیستها و انگلیس‌ها بود.[۱]

باید گفت که هیتلر، هرچند ستم‌هایی بر یهودیان داشت، بزرگ‌ترین خدمت را نیز به آنان کرد؛ خدمتی که صهیونیست‌ها هنوز میوه‌های آن را می‌چینند، صهیونیست‌ها از این طریق توانستند احساسات افکار عمومی جهان به ویژه اروپا و آمریکا را به نفع خود برانگیزند و کاری کنند که این ملت‌ها در برابر آنان احساس گناه کنند. این احساسات رفته رفته به جایی رسید که زمینه تشکیل کشوری برای یهودیان را در سرزمین فلسطین آماده کرد با این شرط که حقوق اهالی فلسطین مراعات شود؛ اما این احساسات نیز دگرگون شد و به جایی رسید که به یهودیان حق مطلق داده شد و هیچ‌گونه حقی برای ملت فلسطین باقی نگذاشتند.[۲]

یک نویسنده یهودی به نام «رابرت گلدمن» صریحاً اظهار نمود: «بدون هولوکاست هیچ کشور یهودی‌ای وجود نمی‌داشت.» البته این جمله صحیح است زیرا بدون هولوکاست مسلماً کشورهای جهان هرگز اجازه نمی‌دادند سه سال پس از جنگ جهانی دوم یک کشور یهودی در فلسطین تأسیس شود. در شرایطی که عصر استعمار رو به پایان گذاشته بود غرب و اتحاد شوروی این امکان را فراهم ساختند تا یهودیان به یک ماجراجویی استعماری در فلسطین اقدام کنند.[۳]

---

۱. همان

۲. علی جدید بناب، عملکرد صهیونیسم در برابر جهان اسلام، انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲، صص۷۹-۷۸

۳. دفتر انتشارات اسلامی، همان، ص ۵۶

پروفسور موشه زیمرمن، رئیس گروه مطالعات آلمانی در دانشگاه عبری اورشلیم و کارشناس مطالعات نازیسم، در روزنامه اورشلیم مورخه ۲۸ آوریل ۱۹۹۵ چنین می‌نویسد: «بهتر است بگوییم که هولوکاست، توجیه اصلی تأسیس دولت اسراییل است.»[۱]

در واقع این نسل‌کشی «هولوکاست» به عنوان توجیه نهایی صهیونیسم و تأسیس دولت اسرائیل مطرح گردید. سرانجام، اسراییل در سال ۱۹۴۸م پا به عرصه بین‌المللی گذاشت.[۲] تأسیس دولت اسرائیل به منزله پایان خوش تاریخ مصیبت‌بار یهودیان [!] تلقی گردید.[۳]

امام خمینی(ره) در رابطه با اسرائیل اینطور می‌گوید:

«اسرائیل امروز فرمانفرمای این بلاد اسلامی دارد می‌شود و اگر این بی‌تفاوتی و این کمک و این طفره زدن برای اینکه بشناسد اسرائیل را به رسمیت، اگر این به نتیجه برسد، او فرمانفرمای همه‌شان خواهد شد و همین طور که حالا تحقیرشان کرد و ذلیلشان کرد، در مقابل خودش به امر آمریکا، به طرح آمریکا، این مطلب توسعه پیدا می‌کند و در همه جا ریشه می‌دواند. مکرر این مسأله ذکر شده است که اسرائیل قناعت نمی‌کند به آنجایی که هست، قدم قدم پیش می‌رود».[۴]

---

۱. روژه گارودی، همان، ص ۱۵۰

۲. پرویز امام‌زاده فرد، «ساختار روابط آمریکا و اسرائیل و میزان تأثیرپذیری تصمیم‌گیریهای سیاست خارجی اسرائیل از آن»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ص ۶۲

۳. محمدتقی تقی‌پور، همان، ص ۱۱۹

۴. مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، آمریکا از دیدگاه امام، ستاد نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۷۸، ص ۲۲۴

۲ - کارکرد اقتصادی

باج‌گیری، تاراج و غارت ثروت‌ها

پریفت در ترسیم پیچیدگی شخصیت یهودیان می‌گوید:

یک یهودی همواره در بسته جامعه یا ملتی را می‌کوبد، گریه و التماس می‌کند، جلب عواطف نموده و اظهار بی‌نوایی و کوچکی می‌کند؛ اما چون در را به روی او می‌گشایند و به او اجازه ورود می‌دهند تا در کنار مردم زندگی کند. به چیزی کمتر از سیادت و ریاست بر ایشان رضا نمی‌دهد. سپس شروع می‌کند به یادآوری آن چه بیرون در بر او گذشته است. از این‌رو، با سماجت و جلب عواطف و اصرار فراوان سعی می‌کند دل ایشان را از احساس ارتکاب گناه پر کند.

آنگاه چون مردم به منظور رهایی از مزاحمت‌ها و سماجت‌های او تسلیم خواست وی می‌شوند، بی‌درنگ تقاضای جبران و عوض دارد و به پوزش و اعتذار نیز قانع نمی‌شود؛ بلکه تاوان و غرامت مالی می‌خواهد و مال و ثروت، خود یک سلاح مخوف در چنگ یهود است![1]

صهیونیست‌ها پس از این که توانستند داستان «هولوکاست» را با انواع حیله‌ها و تبلیغات فریبکارانه به صورت یک واقعیت تاریخی جایگزین حقیقت کنند، فرصت را برای تاراج و غارت ثروت پاره‌ای از کشورها و ملت‌های اروپایی غنیمت شمردند.

آن‌ها طرح‌ها و برنامه‌های حساب شده‌ای را در راستای «باج‌گیری»، از این کشورها تدوین و تدارک دیدند و به معرض اجرا گذاردند. شبکه‌ها، سازمان‌ها و بنگاه‌های دریافت غرامت و صندوق یهودی‌سوزی در سوئیس و

---

۱. احمد کریمیان، همان، ص ۷۲

ده‌ها کمیته، مجمع و شرکت بیمه مدعی قیومیت یهودیان از جمله مجامع و مراکزی هستند که بلافاصله مثل قارچ سربلند کردند.[۱]

این پدیده، به عنوان یک تجارت بخش اعظمی از هزینه‌های اسرائیل را که سازمان‌های یهودی با دریافت غرامت به نام بازماندگان دریافت می‌کنند، تایید می‌کند.[۲]

لوئیس مارشالکو در کتاب «فاتحین جهان (جنایتکاران حقیقی جنگ)» می‌گوید:

«اکثر قوم یهود از کشته‌های خویش در جنگ جهانی دوم به سوء استفاده سیاسی و مالی پرداختند، تجارت خوبی به راه انداختند و از آنها در جهت خدمت به هدف سلطه جهانی خویش بهره‌برداری کردند.»[۳]

بعد از جنگ جهانی دوم، صهیونیست‌ها به واسطه این داستان بیشترین سود را بردند، زیرا خود را قربانیان انحصاری معرفی کردند و در کشاکش این مسابقه، دولت اسرائیل را به وجود آوردند و به رغم ۵۰ میلیون کشتگان این جنگ، این دولت را قربانی تقریباً یگانه هیتلر ایسم شناساندند و بر این اساس، آن را بر فراز هر قانونی جای دادند تا تمامی باج‌خواهی‌های خارجی و داخلی را توجیه کند.[۴]

اولین اقدامات بلافاصله پس از پایان جنگ و در دادگاه نورنبرگ صورت گرفت، اما با موفقیت همراه نبود. پس از تشکیل دولت اسرائیل در ۱۹۴۸، طرح ادعای غرامت شکل جدی‌تر گرفت و از حمایت آژانس یهود، برخی

---

۱. محمدتقی تقی‌پور، همان، صص ۱۳۳-۱۳۲

۲. مجید صفاتاج، همان، ص ۱۳۸

۳. همان

۴. روژه گارودی، همان، ص ۲۶۴

سازمان‌های صهیونیستی و همچنین واشنگتن برخوردار شدند. مبنای این ادعاها تسکین دردها و رنج‌های یهودیان و جبران خسارت‌های وارده بر آنها در دوره حزب نازی بود.

ناحوم گلدمن هدف از جعل اسطوره و نقش آن را در تشکیل دولت صهیونیستی این چنین تبیین می‌کند:

«هدف از این افسانه‌سازی‌ها و دروغ پردازی‌ها صرفاً گرفتن غرامت برای قربانیان جنگ نبود، بلکه هدف از آن تهیه بودجه لازم در جهت پایه‌ریزی حکومتی بود که کوچکترین حقی در این رابطه نداشت؛ زیرا زمانی که این جنایات انجام شد، چنین دولتی وجود خارجی نداشت، اما از این مسأله برای فراهم آوردن تسلیحات لازم برای جنایات جدید بهره گرفت.»[۱]

الف) دریافت غرامت از آلمان

در آغاز سال ۱۹۵۱، اسرائیل وارد صحنه شد و برای چهار متفق، یادداشت فرستاد. در این یادداشت‌ها مطالبات یهودیان برای جبران خسارتی که آلمان جدید باید می‌پرداخت، ۱/۵میلیارد دلار برآورد شده بود. همچنین پیشنهاد شده بود؛ نیمی از آن را آلمان غربی و نیم دیگر را آلمان شرقی پرداخت نماید. مبنای محاسبه این مبلغ این گونه بود که اسرائیل حدود ۵۰۰/۰۰۰ یهودی را پذیرفته و هر یهودی فراری حدود ۳/۰۰۰ دلار هزینه دربرداشت. به این دلیل که اسرائیل این قربانیان را نجات داده و به تنهایی بار

---

۱. سیدمحمد تراهی، «کارکرد اقتصادی پدیده هولوکاست»، مجموعه مقالات سمینار بین‌المللی بررسی هولوکاست چشم‌انداز جهانی، ص ۳۲

سنگین مالی آن را به دوش کشیده حق خود می‌داند خواسته‌هایش را به نام ملت یهود مطرح نماید.[۱]

در سال ۱۹۵۲ دولت آلمان مجبور شد با سه توافق نامه مختلف، غرامت‌های کلانی را به افراد مدعی بپردازد.[۲]

بر اساس سه نوع قرارداد جداگانه که با آلمان در سال ۱۹۵۳م./۱۳۳۲ه.ش. منعقد شد، این کشور متعهد گردید صدها هزار یهودی را به عنوان بازمانده اردوگاه‌های جنگ جهانی دوم، زیر پوشش قرار داده و به آنها غرامت بپردازد. بر اساس قرارداد مزبور، بسیاری از این یهودی‌ها باید مادام‌العمر از آلمان غرامت مقرری دریافت کنند.[۳] همچنین در قرارداد دیگر، دولت آلمان از سوی رژیم صهیونیستی موظف شد تا چند صدهزار مهاجر یهودی را که صهیونیست‌ها از سراسر دنیا به سرزمین‌های اشغالی وارد کرده بودند تحت پوشش و حمایت مالی قرار دهد.[۴]

در قرارداد سوم، دولت آلمان موظف به پرداخت پول، به طور مستمر به برخی سازمان‌های یهودی و صهیونیستی است از جمله این سازمان‌ها، «مجمع مطالبات مادی یهودیان از آلمان» است که سازمان‌ها و کانون‌های یهودی متعددی مثل «کمیته یهودیان آمریکا»، در کنگره یهودیان آمریکا»، «موسسه بنای بریث»، «کمیته توزیع مشترک» و ...را پشتیبانی می‌کند و تحت پوشش می‌دهد.[۵]

---

۱. سیدمحمد تراهی، جایگاه هولوکاست در پروژه صهیونیسم (اسطوره یا واقعیت)، ص ۲۳۵

۲. سیدمجتبی عزیزی، همان، ص ۴۲

۳. محمدتقی پور، همان، ص ۱۳۳

۴. سیدمجتبی عزیزی، همان

۵. محمدتقی پور، همان

به این ترتیب دولت آلمان به عنوان غرامت مجبور به پرداخت برخی هزینه‌های اشغال فلسطین توسط یهودیان شد.[۱]

ناحوم گلدمن در سال ۱۹۷۶ اظهار داشت: «بدون غرامت‌های آلمان دولت اسرائیل نیمی از زیرساخت‌های کنونی خود را نداشت. تمام قطارها در اسرائیل (ساخت) آلمان است. کشتی‌ها آلمانی هستند همچنین شبکه‌های برق، بخش اعظم صنایع و ... و این علاوه بر مستمری‌های جداگانه‌ای است که به بازماندگان پرداخت شده است. در برخی از سال‌ها، مبالغی که دولت اسرائیل از آلمان دریافت کرده در مجموع ۲ تا ۳ برابر بیشتر از مجموع پول‌هایی بوده که توسط جامعه جهانی یهود برای این کشور جمع‌آوری شده است.[۲]

پرداخت‌های آلمان، عامل تعیین‌گری در جهش اقتصادی اسرائیل در طی این سنوات اخیر بود.[۳]

توافق‌نامه لوکزامبورگ دولت آلمان غربی را متعهد کرد مبلغ ۳ میلیارد مارک به دولت اسرائیل و ۴۵۰ میلیون مارک به سازمان‌های مختلف یهودی پرداخت نماید، وزیر دارایی آلمان غربی در ۱۹۵۳ اعلام کرد؛ انتظار دارد که میزان پرداخت غرامت‌ها در نهایت به ۴ میلیارد مارک برسد. اما گذشت زمان ثابت کرد که این رقم قابل پیش‌بینی نیست.[۴]

---

۱. سیدمجتبی عزیزی، همان

۲. سیدمحمد تراهی، «کارکرد اقتصاد پدیده هولوکاست»، مجموعه مقالات سمینار بین‌المللی، بررسی هولوکاست؛ چشم‌انداز جهانی، ص ۳۲

۳. روژه‌گارودی، همان، ص ۲۴۸

۴. سیدمحمد تراهی، جایگاه هولوکاست در پروژه صهیونیسم (اسطوره یا واقعیت)، ص ۲۵

همین الان هم آلمان خسارت پرداخت می‌کند و تاکنون بیش از صد میلیارد مارک خسارت پرداخت کرده است و این قرارداد تا سال ۲۰۳۰ ادامه دارد.[۱]

دولت آلمان تصدیق کرد که فقط ۱۵ درصد از پول‌هایی که در اختیار «مجمع مطالبات مادی یهودیان از آلمان» قرار گرفته برای قربانیان یهودی تحت آزار و شکنجه حکومت نازیسم استفاده شده است.[۲]

ب) دریافت غرامت از سوئیس

در سال‌های اخیر، اسطوره هولوکاست به شکل کسب و کار و اخاذی آشکار درآمده و با ادعای نمایندگی همه یهودیان جهان، زنده یا مرده، خواهان بازپس‌گیری سرمایه‌های یهودیان دوره هولوکاست در سراسر اروپا است. سوئیس نخستین هدف این باج‌گیری مضاعف از کشورهای اروپایی است.[۳]

در سال ۱۹۹۵ و دقیقاً پس از برگزاری پنجاهمین سالگرد پایان جنگ جهانی دوم، مجمع یهودیان جهان ادعاهای کم‌رنگ صورت گرفته علیه سوئیس را به عنوان برنامه اصلی خود در دستور کار خود قرار داد.[۴]

اتهام اصلی سوئیس این بود که حساب‌های بانکی مربوط به قربانیان هولوکاست را طی ۵۰ سال گذشته مسدود کرده و به گونه‌ای نظام‌مند، مانع دسترسی وارثان قانونی قربانیان هولوکاست به موجودی حساب‌های راکد به

---

۱. گفت‌وگو با محمدتقی تقی‌پور، «هولوکاست دروغ مقدس غرب»، روزنامه کیهان، ۸۴/۱۰/۶، ص ۱۲

۲. علی عبدالله‌زاده، «زوایای یهودی‌سوزی»، مجموعه مقالات سمینار بین‌المللی بررسی هولوکاست چشم‌انداز جهانی، ص۲۹۴

۳. سیدمحمد تراهی، همان، ص ۲۵۲

۴. سیدمجتبی عزیزی، همان، ص ۴۳

ارزش هفت تا بیست میلیارد دلار شده است. اتهام دیگر نیز این بود که سوئیس دانسته طلاهای قربانیان را به کشور خود قاچاق کرده است. به مفهوم دیگر، آنان مقادیر انبوهی از طلا را که نازی‌ها پس از چپاول قربانیان بازداشتگاه‌ها و اردوگاه‌های مرگ، ذوب کرده و به شکل شمش درآورده بودند، نگهداری کرده‌اند.[۱]

صهیونیست‌ها بانک‌های سوئیسی را برای پرداخت غرامت مربوط به حساب‌های بانکی صهیونیست‌هایی که طی جنگ جهانی دوم ناپدید شده بودند، تحت فشار قرار دادند.[۲]

با این ادعاها موجی از فشارهای تبلیغاتی و دیپلماتیک علیه سوئیس آغاز شد و در حالی که سوئیس به تشکیل کمیته‌ای تخصصی برای رسیدگی به این ادعاها رضایت داده بود، خاخام اسرائیل سینگر (از حامیان و مبلغان مشهور هولوکاست) و دیگر تبلیغات‌چیان هولوکاست با تهدید سوئیس و بانکداران آن به «تبلیغات منفی» خواهان پرداخت غرامت از سوی سوئیس پیش از نتیجه کمیته تخصصی شدند. جنگ تبلیغاتی علیه سوئیس تا آنجا پیش رفت که سوئیس بی‌طرف در دوره جنگ به عنوان حامی هیتلر در یهودی‌کشی مورد حمله قرار گرفت و در نهایت با فشارهای اقتصادی آمریکا و تهدید به تحریم از سوی ایالات متحده مجبور به تسلیم شد.[۳]

---

۱. سیدمحمد تراهی، همان، صص ۲۵۳-۲۵۲

۲. دفتر انتشارات اسلامی، همان، ص ۷۴

۳. سیدمجتبی عزیزی، همان، صص ۴-۳

سوئیس ناگزیر، تسلیم شد و پذیرفت که حداقل در رابطه با مطالبات کانون‌های صهیونیستی مثل کنگره جهانی یهود و نیز کمیته ضدافترا به ریاست آبراهام فاکسمن مبلغ ۱/۲۵ میلیارد دلار بپردازد.[۱]

توافق ۱/۲۵ میلیارد دلاری سوئیس، سه دسته را تحت پوشش قرار می‌داد:

مدعیان حساب‌های بانکی راکد در سوئیس.

پناهندگانی که سوئیس آن‌ها را نپذیرفت.

قربانیان کار سخت اجباری که سوئیس از وجودشان بهره گرفت.[۲]

اما واقعیت، همانگونه که «مجمع مستقل متخصصان» در گزارش خود در ژوئیه ۱۹۹۸ آورده آن است که بانک‌های سوئیس، طلاها را از نازی‌ها خریده بودند. همچنین مدرک قطعی، مبنی بر شیوه نادرست رفتار با حساب‌های راکد یهودیان از سوی بانک‌های سوئیسی وجود نداشت. تمام این ادعاها برای باج‌گیری از بانکداران سوئیسی بود. این باج‌گیری یک بار دیگر در اواخر قرن بیستم قدرت اسطوره را به نمایش گذاشت و ثابت کرد که هولوکاست همچنان ابزار قدرتمندی برای اخاذی است که در اختیار یهودیان قرار دارد.[۳]

---

۱. محمدتقی تقی‌پور، همان، ص ۱۳۶

۲. سیدمحمد تراهی، «کارکرد اقتصادی پدیده هولوکاست»، مجموعه مقالات سمینار بین‌المللی بررسی هولوکاست: چشم‌انداز جهانی، ص ۳۲۷

۳. سیدمحمد تراهی، جایگاه هولوکاست در پروژه صهیونیسم (اسطوره یا واقعیت)، ص ۲۵۵

دریافت غرامت از دیگر کشورها

در حال حاضر سازمان‌های یهودی – صهیونیستی می‌کوشند تا از همه کشورهای اروپای مرکزی و شرقی که به نوعی با هولوکاست مرتبط هستند غرامت دریافت کنند. لهستان و رومانی، اتریش، کشورهایی هستند که در حال حاضر با فشارهای بین‌المللی و حمایت آمریکا مجبور به پرداخت غرامت‌هایی شده‌اند.[۱]

اما بیشترین کمکی که به اسرائیل در ابعاد مختلف اقتصادی و نظامی می‌شود از جانب آمریکا است. جدا از اینکه در آمریکا، اکثر سرمایه‌داران، سهامداران و کارخانه‌داران این کشور یهودی می‌باشند و هر ساله کمک‌های فراوان مالی از این طریق به اسرائیل می‌شود دولت آمریکا نیز در این زمینه سنگ تمام گذاشته و هر سال بودجه‌های هنگفتی برای کمک به اسرائیل به تصویب می‌رساند.[۲]

ابزارهای آموزش و بزرگداشت هولوکاست

حامیان هولوکاست از ابزارهای مختلفی برای آموزش و بزرگداشت این افسانه استفاده می‌کنند، از جمله:

الف- رسانه‌های دیداری (سینما – تلویزیون)

ب- کتاب و آثار مکتوب

ج- موزه‌ها و بناهای یادبود

د- برگزاری روز یادبود هولوکاست در جهان

---

۱. سیدمجتبی عزیزی، همان، ص۴۶

۲. سعید دهدشتی اردکانی، «هولوکاست، پیامدها و بهره‌برداری‌ها»، مجموعه مقالات سمینار بین‌المللی بررسی هولوکاست: چشم‌انداز جهانی، ص۴۹۱

الف) رسانه‌های دیداری (سینما - تلویزیون)

سینما، یکی از مهم‌ترین کانال‌های ارتباط مردمی است و دیدگاه‌های خود را نیز به میلیون‌ها تماشاگر تحمیل و القا می‌کند. صهیونیست‌ها خیلی زود به اهمیت تبلیغاتی صنعت سینما پی بردند و برای مهار آن به تکاپو افتادند.[1]

اصولاً سینما به جهت آن که ابزار خوبی برای پوشش دادن اخبار و عقاید صهیونیسم، حمایت و تبلیغ مستقیم از اسرائیل و نشان دادن مظلومیت یهودیان در جهت و ارتقای سطح یهودیان است مورد توجه سردمداران یهودی بوده است.

البته نباید فراموش کرد که در پروتکل دوازدهم دانشمندان و حکیمان صهیون بر لزوم استفاده وسایل اطلاع‌رسانی و تبلیغی تأکید بسیار شده است، لذا صنعت سینما نیز با توجه به جذابیت ذاتی خویش نمی‌توانست از این قاعده مستثنا باشد. امین مصطفی، نویسنده کتاب «روابط آمریکا و اسرائیل»، اعتقاد دارد که صهیونیست‌ها به پنج دلیل توجه خود را به سینما مبذول داشتند. این دلایل عبارتند از: «برتری یهود از کانال سینما، توجیه اشغال فلسطین، نشر و گسترش عقاید یهود در جهان، نشان دادن تصویری متزلزل از اعراب و ارائه تصویر همیشه پیروز از اسرائیل در خلال جنگ.»[2]

---

۱. علی جدیدبناب، همان، ص ۱۱۰

۲. محسن اسلامی، همان، ص ۱۴۹

براین اساس، هیچ عجیب نیست که می‌بینیم طلایه‌داران صنعت سینمای جهان و به ویژه سینمای آمریکا، اغلب از یهودیان هستند.[۱]

«هولوکاست» یا به تعبیر دیگر یهودی‌سوزی، یک باز نمود ایدئولوژیکی است که در اثر تکرار و تبلیغات گسترده صهیونیسم جهانی به عنوان یک رویداد تاریخی و واقعیت غیرقابل انکار به افکار عمومی القا شده است. ولی مردم جهان اطلاع موثق، مستند و یا معتبری درباره آن ندارند و کسی هم در برابر قوانین جاری در اروپا و آمریکا در مورد نفی و یا حتی تردید در آن نمی‌تواند صحبت کند. به گونه‌ای که «هولوکاست» در محافل دانشگاهی و دیگر مراکز آموزشی در جهان به ویژه در غرب به صورت یک واقعه تاریخی غیرقابل تشکیک مورد آموزش قرار می‌گیرد.

بسیاری از رسانه‌های دیداری و شنیداری غرب که عموماً توسط کلان سرمایه‌داران و تئوریسین‌های ورزیده صهیونیست اداره می‌شوند، از همان آغاز چنان جوی پیرامون «هولوکاست» به راه انداختند تا در سایه این هجوم تبلیغاتی، این افسانه را به عنوان حقیقتی انکارناپذیر و غیرقابل تردید به مردم دنیا بقبولانند. بدین سبب ورزیده‌ترین عوامل با تخصص‌های گوناگون در زمینه‌های فنی و فرهنگی و هنری و حتی سرشناس‌ترین سینماگران و بازیگران به کار گرفته شدند تا افکار عمومی دنیا را تحت‌الشعاع قرار دهند، آنچنان که در پناه آن جوخه‌های مرگ صهیونیست‌ها وحشیانه‌ترین کشتارها را علیه مردم بی‌دفاع فلسطین اعمال نمایند.

در همین راستا فیلم‌ها و مجموعه‌هایی به گونه‌ای جهت‌دار ساخته شده و در جهان غرب بدون هیچ‌گونه تفسیر، توضیح و یا ملاحظه‌ای، ترجمه و

---

۱. علی جدید بناب، همان، ص ۱۱۰

برای اقشار مختلف در کشورها یا جهان سوم به نمایش گذاشته می‌شوند و این بمباران تبلیغاتی همچنان ادامه دارد. مسئله «هولوکاست» در جنگ جهانی دوم، امروز نه تنها به عنوان بزرگ‌ترین سلاح تبلیغی نظام سلطه جهانی مطرح است، بلکه جنایات آمریکا و اروپا در کشورهای جهان سوم و حتی ممالک اسلامی با آن توجیه می‌شود.

فیلم‌های مربوط به هولوکاست یا آنهایی که به هولوکاست اشاره می‌شد و یا در زمینه داستانی آنها قرار می‌گرفت در کشورهای مختلف اروپایی از جمله ایتالیا، فرانسه، لهستان، مجارستان، رومانی و چکسلواکی سابق به وفور ساخته شدند و خشونت آلمان نازی و معصومیت یهودیان را به گونه‌ای افراطی تصویر کردند. یهودیان از همان سال‌ها حضور خود را در صنعت سینمای آمریکا و اروپا، در کمیته‌های ویژه جشنواره‌ها و در روند تولید، توزیع و نمایش فیلم‌ها، مطرح کردند ستارگان و هنرمندان سینما و تلاش در جهت جلوگیری از تبلیغات ضدیهودی کاملاً نشان دادند و در نهایت حقایق تاریخی و اجتماعی را در جهت اغراض توسعه‌طلبانه و تجاوزکارانه صهیونیسم وارونه جلوه دادند.

از جمله تأثیرگذارترین تولیدات فرهنگی صهیونیستی که کمک زیادی به برآوردن خواسته‌های صهیونیسم نموده، تولیدات سینمائی هالیوود است که پس از این به توضیح بیشتر پیرامون آن می‌پردازیم. این تولیدات بعد از جنگ جهانی دوم و در راستای مظلوم‌نمایی یهودیان افزایش یافتند کارگردانان یهودی‌الاصل آثار متعددی را در این زمینه تولید کردند که با بهره‌گیری از بهترین تکنیک‌های سینمایی و بازی هنرمندان بزرگ هالیوود که اکثر آنها یهودی بودند بینندگان خود را چنان تحت تأثیر قرار می‌دادند که در پایان فیلم آنها با احساس همدردی و تأسف از آنچه بر سر یهودیان در

جنگ رفته است خود را مدیون به کمک‌رسانی به بازماندگان قوم می‌دانستند. سپس همین فیلم‌ها با برنده شدن در جشنواره‌ها و فستیوال‌های هنری که گردانندگان پشت پرده آنها نیز صهیونیست بودند توفیق بیشتری برای بازار گرمی و تأثیرگذاری می‌یافتند.[۱]

صهیونیست‌ها با گسترش سیطره خود در رسانه‌ها دو هدف عمده را دنبال می‌نمودند، نهادینه کردن هویت یهودیان و تاریخ‌سازی برای صهیونیسم و سپس جهانی کردن اسطوره‌ها و خرافات صهیونیستی یهودی.[۲] شش کمپانی فیلم‌سازی که در ۱۹۲۰ در هالیوود، لس آنجلس به وجود آمدند همگی توسط مهاجران یهودی بنیان گذارده شد. البته سایر رسانه‌ها نیز از سیطره صهیونیست در امان نماندند.[۳]

مایکل مدود یهودی منتقد فیلم گفته است:

«بی‌فایده است اگر کسی سعی در انکار قدرت و نفوذ یهودیت در رسانه‌های فراگیر کند. در هر فهرستی از عوامل مؤثر فیلم‌سازی در هر استودیوی فیلم، اکثریت با یهودیان است.»[۴]

رابنیز یهودی و رئیس هالیوود می‌گوید:

«من فکر می‌کنم؛ یهودیان باهوش‌ترین مردم جهان هستند.»

او به صنعت فیلم‌سازی اشاره می‌کند و می‌گوید:

---

۱. رئوف علایی، «ابعاد پنهان بهره‌برداری تبلیغاتی صهیونیسم از مسئله هولوکاست»، مجموعه مقالات سمینار بین‌المللی، بررسی هولوکاست: چشم‌انداز جهانی، ص ۴۱۲

۲. رئوف علایی، همان، ص ۴۱۲

۳. همان، ص ۴۱۱

۴. مایکل هافمن و موشه لیبرمن، فلسطین‌کشی، هولوکاست اسرائیلی، ترجمه محمد رضا عادلی، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۶، ص ۲۶

«تمام این صنعت توسط یهودیان اداره می‌شود، حتی والت دیزنی و خنده‌دار است؛ چون والت دیزنی یک مرتجع افراطی بوده اگر او می‌دانست پس از مرگش مایکل ایزانر و جفری کاتز نبرگ شرکتش را اداره می‌کنند در گور خود می‌لرزید. این گوشه‌ای شگفت‌آور از یک مجازات عادلانه می‌باشد.»

رابنیز با خنده حرف خود را تمام می‌کند.[1]

دیری نپایید که یهودیان با خرید مشهورترین شرکت‌های تولید فیلم در جهان، به ویژه در آمریکا توانستند مهار این رسانه را در دست بگیرند. در برخی آمارها آمده است که بیش از ۹۰ درصد از کل دست‌اندرکاران سینمای آمریکا (از تهیه کننده و کارگردان گرفته تا بازیگر و فیلمبردار و تدوینگر) از یهودیان هستند.[2]

صهیونیست‌ها تقریباً به طور کامل شرکت‌های تولید «هالیوود» (پایتخت سینمای آمریکا) را در دست دارند؛ برای مثال، شرکت «یونیور سال» در مالکیت کارل لیمل است. شرکت «گلدن» در تملک ساموئل گلدن و آدولف زوکور قرار دارد. «شرکت مترو» نیز در تملک لویس بی.مایر بود که این دو شرکت بعد در هم ادغام شدند و اکنون به «متروگلدن مایو» معروف است. همچنین شرکت «برادران وارنر» در تملک هارنی وارنر و برادران او است. شرکت «پارامونت» به هود کنسون تعلق دارد. شرکت‌های «یونایتد آرتیست» و «آر.کی.یو» از آن یهودیان است.[3]

همچنین کمپانی «فاکس قرن بیستم» تحت نفوذ یهودیان است.[4]

---

۱. مایکل هافمن و موشه لیبرمن، همان، ص ۲۵

۲. علی جدید بناب، همان، ص ۱۱۱

۳. همان

۴. همان ص ۱۴۸

هم اینک بیشتر مدیران، تولیدکنندگان و کارگردانان هالیوود، یهودی‌اند، از استودیو پارامونت Paramount Studio تا استودیو یونیورسال Universal Studio و ام جی ام (MGM) و والت دیزنی (Walt Disney) واستودیوهای سینمایی واقع در دیگر شهرها، نظیر بربنک (Burbank) و استودیوسیتی (City Studio)[1] ....

هالیوود

پس از ادعای کشتار شش میلیون یهودی در جنگ جهانی دوم، سرداران صهیونیسم که تسلط بی‌چون و چرای خود را بر روزنامه‌ها، نشریات، تلویزیون، رادیو، سینما، تئاتر و دیگر هنرها و ابزارهای اطلاع‌رسانی دیکته کرده‌اند، با استفاده از این امکانات، یک ادعای جعلی و دروغین را به عنوان رخدادی قطعی و غیرقابل انکار به خورد جهانیان دادند. هولوکاست داستانی خودخواهانه است که به منافع اقتصادی و سیاسی صهیونیست‌ها کمک می‌کند؛ هالیوود به طور گسترده‌ای توسط صهیونیست‌ها کنترل می‌شود و آنان فیلم‌های بی‌شماری درباره هولوکاست به جامعه ارائه می‌دهند.

در عرصه سینما، هالیوود با بهره‌گیری از سلاطین سینمای آمریکا و غرب همچون «استیون اسپلبرگ»، «رومن بولانسکی»، «فدریکو فلینی» و با ساختن فیلم‌هایی همچون فهرست شیندلر، پیانیست، زندگی زیباست، منطقه خاکستری و صدها فیلم دیگر، سعی نمود تا به جهانیان گوشزد کند که آنها حق فراموش کردن این روایت به اصطلاح مقدس را ندارند.[2]

---

۱. احمد کریمیان، همان، ص ۲۰۱

۲. گزارش تحلیلی صبح صادق از بازتاب اظهارات رئیس جمهور درباره رژیم صهیونیستی، احمدی‌نژاد در حریم ممنوعه غرب، هفته‌نامه «صبح صادق» ۸۴/۹/۲۸، ص ۱۰

مورخ آمریکایی نیل گابلر (Neal Gabler) بر این باور است که این یهودیان بودند که هالیوود را به وجود آوردند. او می‌گوید: سینما و فیلمبرداری را غیریهودیان اختراع کردند اما فکر هالیوود را یهودیان شکل دادند. دارا بودن پتانسیل بسیار بالا در تصاویر با احساس، تعدادی از مهاجران یهودی را به این مسیر سوق داد که به ایجاد و تأسیس استودیوها، سیستم‌های تولید و تئاتر روی آوردند. افرادی چون آدولف زوکر (Adolph Zuker) ویلیام فاکس (William Fax) ساموئل گلدوین (Samuel Godwyn) لوئیس بی. مایر (Louis B.Mayer) کارل لیمل (Carl Leammle) مارکس لو (Marcus Loew) برادران وارنر (Warner Brothers) و تعدادی دیگر توانستند تکنولوژِی غریبه‌ای را به صنایع عظیم میلیاردی مبدل سازند. آن عده که در ایجاد هالیوود نقش داشتند توانستند قدرت سیاسی وسیعی به دست آورند. البته در ابتدا این مشکل هم وجود داشت که عقاید مذهبی یهود در مقابل جلوه‌های سینمایی و فرهنگ سینما حفظ گردد که البته یهودیان با متعالی کردن عقاید یهود از پرده سینما، این شأن را حفظ نمودند. البته حضور مستقیم یهودیان در پرده سینما به صورت فعال به دهه ۱۹۶۰ برمی‌گردد.[۱]

هالیوود در انتهای قرن بیستم نیز نشانه‌هایی از تبادلات قومی و نژادی دارد. اصلی‌ترین مدیران هالیوود (مدیران استودیوها) یهودی هستند. نویسندگان، تولید کنندگان و در سطحی کمتر کارگردانان هالیوود یهودی هستند. تحقیقاتی که جدیداً انجام شده مبیّن آن است که ۵۹ درصد محصولات هالیوود را یهودیان هدایت و تولید می‌کنند.

---

۱. محسن اسلامی، همان، ص ۱۵

گلد برگ نویسنده کتاب «قدرت یهود» معتقد است که قدرت هالیوود به یهودیان این قدرت را می‌دهد که قدرت سیاسی قابل ملاحظه‌ای را برای خود کسب کنند و لذا این عده از اصلی‌ترین منابع مالی کاندیداهای دمکرات قرار گرفته‌اند.[۱]

افکار عمومی به طور متناوب و ممتد نسبت به رنج‌هایی که ادعا می‌شود یهودیان در طول جنگ جهانی دوم متحمل شده‌اند، مورد یادآوری و تذکر قرار می‌گیرد. فقط در سال‌های ۲۰۰۳-۱۹۸۹ میلادی، ۱۷۰ فیلم که در آنها موضوع هولوکاست مورد توجه بوده، ساخته شده است.[۲]

در این فیلم‌ها یا به طور مستقیم هولوکاست مورد تأیید قرار می‌گیرد و یا به‌گونه‌ای در حاشیه داستان فیلم، هولوکاست پدیده‌ای قطعی و تاریخی جلوه داده می‌شود. برخی از مشهورترین این فیلم‌ها عبارت است از:

۱- پیانیست
۲- فهرست شیندلر
۳- فرار جوجه‌ای
۴- زندگی زیباست
۵- آمین
۶- اروپا اروپا
۷- آخرین روزها
۸- عصر به خیر آقای والنبرگ
۹- بازماندگان هولوکاست

---

۱. همان، ص ۱۵۱

۲. گروه پژوهشی هنری حنیف، مجموعه مقالات سایه ها(ایرانی کشی)، ج ۲، موسسه روزنامه ایران، ۱۳۸۷، ص ۴۳

۱۰- آنه فرانک (داستان کامل)
۱۱- فرار از سابیبور
۱۲- شب و مه
۱۳- جعبه موسیقی
۱۴- هرگز فراموش نکن
۱۵- شوآه
۱۶- عدالت در نورمبرگ
... و صدها فیلم دیگر[۱]

که در این قسمت به طور اختصار به معرفی و بیان سه فیلم که در زمینه هولوکاست ساخته شده است می‌پردازیم.

۱- شب و مه

فیلم «شب و مه» در سال ۱۹۵۵ به صورت سیاه و سفید در ۳۲ دقیقه تولید شد و بیش از ۴۰ سال بدون وقفه در مدارس و مراکز علمی و دانشگاهی فرانسه و نیز در تلویزیون به نمایش در آمد.[۲]

در فیلم تبلیغاتی و تأثیر گذار «شب و مه» که از سوی مقامات ارتش آمریکا ساخته شده بود.[۳] عنوان می‌شود که ۹ میلیون نفر در اردوگاه آشویتس کشته شده‌اند.[۴]

---

۱. سیدمجتبی عزیزی، همان، ص ۵۲
۲. علی عبدا...زاده، همان، ص ۲۹۵
۳. سیدمجتبی عزیزی، همان، ص ۳۵
۴. روژه گارودی، همان، ص ۱۷۷

«آلن رنه» فیلمساز معروف فرانسوی برای ساخت این فیلم از آرشیوهای فیلم کشورهای آلمان غربی و لهستان استفاده می‌کند.[۱]

این فیلم با ارائه تصاویر تکان دهنده، درصدد است تا اثبات نماید که از جنازه‌ها، صابون، کود، حباب لامپ، کیف و مانند آن تهیه می‌شده است. ادعایی که پس از چند دهه، بی‌پایه و اساس بودن آن توسط اسطوره‌سازان تأیید شده است.[۲]

از صحنه‌های ویژه‌ای که نشان داده می‌شود، تصویری است که در آن یک بولدوزرر، اجساد جمع شده [در اردوگاه برگن – بلسن] را داخل یک گودال بزرگ می‌ریزد. این صحنه - بعداز آزادسازی اردوگاه توسط انگلیسی‌ها – تهیه شده بود. بولدوزر مزبور [که فقط یک دستگاه بود] در اختیار سربازان انگلیسی قرار داشت و یک سرباز انگلیسی آن را می‌راند. اما سازندگان فیلم، به گونه‌ای وانمود کردند تا بسیاری از بینندگان تصور کنند، بولدوزرهای آلمانی را در حال انجام چنین عملیاتی دیده‌اند.[۳]

این فیلم که از نظر هنری به عنوان اثری برجسته و قابل ستایش در کتاب‌های تاریخ سینما، همواره ستوده شده است. تصویری کاذب اما فراموش نشدنی از وحشیگری نازی‌ها و مرگ یهودیان را ارائه می‌کند. از همه بدتر آنکه بر رقم ۹ میلیون نفر قربانیان یهودی آنهم تنها در این اردوگاه تکیه می‌کند. «رنه» در واقع ارائه کننده تصویری بی‌قواره و سراپا دروغ است. تا

---

۱. سید ابوالحسن علوی طباطبایی، همان، ص۵۹

۲. سیدمحمد تراهی، همان، ص ۱۵۲

۳. روبر فورسیون، همان، ص ۳۷

مردم اروپا و آمریکای شمالی در سال‌های دهه ۱۹۵۰ با پدیده هولوکاست آشنا شوند.[۱]

شروع کار تصویر کردن کاذب هولوکاست با همان فیلم معروف «شب و مه» اثر «آلن رنه» آغاز شد.[۲]

۲- فهرست شیندلر

فیلم «فهرست شیندلر» در سال ۱۹۹۳ و به کارگردانی استیون اسپلبرگ، پول‌سازترین کارگردان یهودی هالیوود، ساخته شد. این فیلم، ماجرای نجات ۱۱۰۰ یهودی از مرگ به دست کارخانه‌داری عیاش به نام اسکار شیندلر است. فیلم که براساس کتاب توماس کنلی ساخته شده، داستان یک آلمانی خوب و نمونه را روایت می‌کند.[۳]

«اسکار شیندلر» سوداگر ماجراجوی اتریشی در جستجوی پول و ثروت وارد «کراکو» در لهستان می‌شود. او با رهبران نازی در منطقه طرح دوستی ریخته و به زودی حق امتیاز یک کارخانه تولید ظروف لعابی را به دست می‌آورد تا ظروف مورد نیاز سربازان آلمانی را تهیه کند. او با استفاده از کارگران یهودی و نپرداختن دستمزد به آنها در مدت کوتاهی به یک سود سرشار می‌رسد. حسابدارش به نام «آیزاک اشترن» که خود یهودی است. کارخانه را به مخفیگاه اسیران بدل می‌سازد. در سال ۱۹۴۲ فرمانده جدید اس.اس وارد شهر می‌شود. گتوهای یهودی‌نشین نابود شده و یهودیان به اردوگاه فرستاده می‌شوند. «شیندلر» با فرمانده اس.اس دوست می‌شود و او را

---

۱. ابوالحسن علوی طباطبایی، همان، ص ۶۰

۲. همان، ص ۶۲

۳. سیدمحمد تراهی، همان، ص ۱۵۶

تشویق می‌کند تا اردوگاهی کوچک در کارخانه‌اش به راه بیندازد. در سال ۱۹۴۴ «هیتلر» به دنبال راه‌حل نهایی برای یهودیان، دستوری می‌دهد که همه اسیران به آشویتس فرستاده شوند. «شیندلر» تصمیم به ترک شهر کراکو می‌گیرد و با دادن یک چمدان پر از پول به فرمانده اس.اس ۱۱۰۰ کارگر اصلی و مورد نیاز کارخانه‌اش را به محل جدید کارخانه در مرکز چکسلواکی منتقل می‌کند. در پایان با رسیدن نیروهای متفقین تعداد ۱۱۰۰ نفر اسیر نجات یافته و از اردوگاه آشویتس آزاد می‌شوند.[1]

فهرست شیندلر، در واقع در اثبات مظلومیت یهود از دیدگاه صهیونیسم موفق عمل کرد. این فیلم به طرز هنرمندانه‌ای ماجرای مظلومیت یهود در طول تاریخ، به ویژه در قرن ۲۰ را نشان می‌دهد. اسپیلبرگ در این فیلم به جای تعریف داستانی با مفهوم جهانی، ترجیح داده تا یک فیلم یهودی، یعنی فیلمی [ساخته شده توسط] یهودیان، درباره یهودیان و برای یهودیان، جهت استفاده علیه غیریهودیان بسازد.[2]

در این فیلم سه ساعته، اسپیلبرگ پاسخ نهایی را به انکارکنندگان هولوکاست می‌دهد و در داستان بلند فیلم، سیاست کلی نابودسازی یهودیان اروپا را به جز چند دقیقه آخر فیلم نادیده می‌گیرد.

بدیهی است که فهرست شیندلر مورد استقبال قرار گیرد، اما نه به دلیل هنرمندانه بودن، بلکه به دلیل محتوا و پیام سیاسی که دارد. اسپیلبرگ به سبب شهرتی که دارد، توانسته خود را به عنوان نگهبان هولوکاست معرفی نماید اما رویدادها نشان داده که هر چه ابعاد بیشتری از اسطوره هولوکاست

---

۱. افسانه‌سازان «هولوکاست» در سینما – ۲۶ فیلمی از استیون اسپیلبرگ «فهرست شیندلر» ادای دین کارگران.

۲. سیدمحمد تراهی، همان صص ۱۵۸-۱۵۷

روشن می‌شود افراد بیشتری درباره آن سئوال می‌کنند؛ سؤالاتی که نه اسپیلبرگ و نه فیلم وی می‌توانند پاسخ دهند.[۱]

۳- مجموعه تلویزیونی هولوکاست

در سال ۱۹۷۸ یک مجموعه تلویزیونی در خصوص «هولوکاست» ساخته می‌شود. کارگردان این مجموعه «ماروین جی چامسکی» است. این مجموعه تلویزیونی طبق معمول برنده چندین جایزه نیز گردیده است. مجموعه ۴۷۵ دقیقه‌ای به ماجراهای خانواده یهودی می‌پردازد که سعی دارند از انتقال به اردوگاه‌های کار اجباری و کوره‌های آدم‌سوزی در امان بمانند. مجموعه مذکور، این خانواده را در دوران حکومت هیتلر نشان می‌دهد که در آن به زندگی اعضای یک خانواده یهودی می‌پردازد. ولی در پایان جنگ تنها پسر خانواده زنده می‌ماند.[۲]

این فیلم ملال‌آور و مضحک در ۱۹۷۸ در انگلیس و در ۱۹۷۹ در چندین کشور اروپایی دیَگر پخش شد. پخش این فیلم در آلمان به نحوی زمان‌بندی شده بود تا بر تصمیم مجلس آلمان، که به دنبال تصویب قانونی برای محدود کردن مصوبه «جنایات جنگی» بود، اثر بگذارد و آن را تصویب نکند.[۳]

این فیلم بیش از همه در تحریف واقعیت‌ها، در افکار جهانی نقش داشته است. در واقع این مجموعه، جنایتی علیه حقیقت تاریخی است. موضوع کلی فیلم آن بودکه حادثه‌ای به این وسعت - کشتار ۶ میلیونی

---

۱. دکتر بهرام امیراحمدیان، «هولوکاست و تبلیغات»، مجموعه مقالات سمینار بین‌المللی، بررسی هولوکاست: چشم‌انداز جهانی، ص ۱۶۹

۲. (افسانه‌سازان «هولوکاست» در سینما – ۲۳ «پسران برزیل» و صهیونیست‌های مهربان)

۳. سیدمحمد تراهی، همان، ص ۱۵۹

یهودی – نمی‌توانست [در زمان جنگ] از دید مردم آلمان پنهان مانده باشد. لذا اگر آلمانی‌ها چیزی از آن نمی‌دانستند، به خاطر این بود که نمی‌خواستند بدانند، از این‌رو مجرم هستند.[۱]

از فیلم‌ها گذشته، در کارتون‌های بچه‌ها هم نمادهای یهودی و ترویج افکار صهیونیسم وجود دارد. «میکی ماوس» نمادی از همان یهودی سرگردان است که از سوی رقیبان تهدید می‌شود. «تام و جری» که در آن جری موش فقیر و آواره است که تام ستمگر او را عذاب می‌دهد جری با نیک بختی و نیک رویی وقتی به قدرت می‌رسد از تام حمایت می‌کند.[۲]

قصه «جوجه اردک زشت» به نویسندگی هانس کریستین اندرسن که مهم‌ترین اثر او و خود او مهم‌ترین نویسنده کودکان تلقی می‌شود تا جایی که یونسکو روز تولدش را روز جهانی کودک قرار داده است. در حالی که این داستان، داستان یهود است و به روایت خود آنها چنین آمده است:

در میان یک مشت جوجه اردک، یکی زشت است (یعنی یهودی) از ابتدا و به دلیل نژادش در میان دیگران منفور است و مورد آزار و اذیت آنان، و به همین دلیل هم منزوی می‌شود؛ اما کم‌کم که بزرگ می‌شود می‌فهمد که از نژادی برتر و برگزیده است. بعد هم به همراه یکدسته قو به سمت افق و دریا و خورشید که سمبل‌های یهود برای سلطه و بزرگی اسرائیل است، روان می‌شود.[۳]

---

۱. روژه گارودی، همان، ص ۱۵۳

۲. فریبا انیسی، همان، ص ۲۵۳

۳. علی جدید بناب، همان، ص ۱۳۰

دامبو، فیل کوچکی که به خاطر گوش‌های بلندش مورد تمسخر قرار می‌گیرد. حتی دلقک سیرک می‌شود. مادرش که به جرم دفاع از فرزند در اسارت قرار می‌گیرد، کلاه مخصوص یهودیان را بر سر دارد.[۱]

«دانیل داک» یعنی اردکی که نامش نام یک شخص یهودی است.[۲]

کارتون‌های کشتی نوح، زندگی حضرت موسی(ع) و حضرت یوسف(ع) که توسط هالیوود ساخته شده علاوه بر تحریفی که در متن داستان صورت گرفته پر از علائم و نشانه‌های صهیونیسم است.

داستان سیندرلا، تنها در خانه و ... افرادی محروم از آغوش گرم مادر خانواده، دور افتاده از میراث اجدادی، نماد همان یهودی سرگردان هستند که از سرزمین مادری دور هستند.[۳]

ب) کتاب و آثار مکتوب

حاکمیت صهیونیسم بر مطبوعات و رسانه‌های گروهی جهان در عصر حاضر بر هیچ انسان آگاه پوشیده نیست که اکثر رسانه‌های گروهی جهان به خصوص آمریکا و اروپا در زیر سلطه و انحصار صهیونیست‌های شیطان صفت می‌باشد.

آنان با در اختیار گرفتن تمامی امکانات اطلاع‌رسانی از قبیل چاپ، انتشار کتاب، نشریات، مجلات، روزنامه‌ها و یا در انحصار گرفتن همه وسائل خبری و در اختیار گرفتن کامل رادیو و تلویزیون بالاخره ماهواره‌های سراسر

---

۱. فریبا انیسی، همان، ص ۲۵۳

۲. علی جدید بناب، همان

۳. فریبا انیسی، همان، ص ۲۵۴

جهان و با انواع وسائل تحریکی مغزهای تشنه شعور و آگاهی و معنویت را به ناآگاهی و فساد بکشانند.[۱]

جدیدترین گزارش‌ها حاکی از آن است که صهیونیست‌ها مالک چیزی در حدود ۱۰۳۵ روزنامه و مجله در سطح بین‌الملل هستند: ۲۵۴ نشریه در آمریکا، ۱۵۸ نشریه در اروپا، ۱۲۳ نشریه در آمریکای لاتین و آمریکای جنوبی، ۲۳ نشریه در آفریقا و ... بیش از ۳۰۰۰ نشریه نیز وجود دارد که یهودیان در آنها مشغول به کار هستند.[۲]

سه روزنامه مهم و اصلی آمریکا یعنی نیویورک تایمز، وال استریت ژورنال، و واشنگتن پست تحت مالکیت و کنترل یهودیان هستند.[۳] و عملاً خط‌مشی سیاست و اقتصاد را معین می‌کنند. همچنین در حوزه‌های مد، سرگرمی، فرهنگی خط‌مشی زندگی را تعیین می‌کنند.[۴]

در واقع نیویورک تایمز راهنمای غیررسمی ملت آمریکا در موضوعات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. روزنامه‌های واشنگتن پست و وال‌استریت جورنال نیز تقریباً جایگاه همسانی با نیویورک تایمز دارند. این سه روزنامه در مجموع با پرستیژترین و با نفوذترین روزنامه‌های آمریکا هستند و در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به داخل و خارج از آمریکا

---

۱. محمد کریمی‌نسب، تاریخ چهار هزار ساله قوم یهود، ۱۳۸۳، انتشارات لاهوت، ص ۱۸۷

۲. علیرضا فجری، (سیطره لابی صهیونیسم بر رسانه‌های جهان)، ماهنامه ناظر امین، آبان ۸۵، ص ۱۸

۳. عبدالله قنبرلو، پژوهشکده مطالعات راهبردی، گزارش راهبردی: شماره ۱۱۹-۱-۶-۱-۱۳۸۳» «گزارش پژوهشی (لابی یهود و تداوم بحران در روابط جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا)»، ص ۱۰

۴. فریبا انیسی، همان، ص ۲۷۸

خط می‌دهند. این روزنامه‌ها خبر می‌سازند و سایر روزنامه‌ها عمده خبرها را از این‌ها می‌گیرند.[۱]

در میان مجلات خبری ایالات متحده، سه مجله مهم آمریکا یعنی «تایم»، «نیوزویک» و «یواس نیوز اند ورلد ریپورت» نیز تحت اختیار یهودیان می‌باشد.[۲]

در عرصه ناشران کتاب نیز یهودیان آمریکا دست برتر را دارند از میان شش ناشر بزرگ ایالات متحده سه ناشر یهودی بوده و تحت کنترل یهودیان هستند. این سه ناشر عبارتند از: «رندوم هاوس» (Random House)، «سیمون اندشوستر» (Siman and Sehuster)، و «تایم و ارنرترید گروپ» (Time Warner Group) که به ترتیب دارای رتبه‌های اول، دوم و سوم هستند.[۳]

کتابهای بی‌شماری تاکنون در حمایت از هولوکاست نگاشته شده است. برخی از این کتاب‌ها، داستان‌هایی با رنگ هولوکاست است و برخی دیگر، کتاب‌های به اصطلاح تاریخی هستند. بخش زیادی از این کتاب‌ها در ظاهر خاطرات بازماندگان هولوکاست است و کتاب‌هایی نیز در مورد ادبیات هولوکاست وجود دارد.[۴]

معروف‌ترین کتاب‌های تاریخی در موضوع هولوکاست: هولوکاست و تاریخ‌نگاران، نابودی یهودیان اروپا، راه‌حل نهایی، انکار هولوکاست، دژخیمان

---

۱. عبدالله قنبرلو، همان

۲. فریبا انیسی، همان

۳. عبدالله قنبرلو، همان

۴. سیدمجتبی عزیزی، همان، ص ۵۲

مشتاق هیتلر، ... معروف‌ترین کتاب‌های خاطرات در موضوع هولوکاست: خاطرات دختر جوان، پرنده رنگ شده، پاره خاطرات، ...)[۱]

مشهورترین رمان‌نویس راجع به یهودی‌سوزی الی ویزل نام دارد. او یک یهودی مجاری‌الاصل است.[۲] ویزل در رمانی به نام **«شب»** زندگی یهودیان مجارستانی را در اواخر جنگ جهانی دوم به تصویر کشیده و در این قصه کوشیده تا ماجرای جعلی کوره‌های آدم سوزی را به عنوان یک واقعیت به خوانندگان خود بباوراند.[۳]

ویزل در زمان نوشتن رمان «شب» نویسنده‌ای نوخاسته و جوان بوده و ناخواسته آنچه در توصیف کوره‌های آدم‌سوزی گفته است بیشتر مضحک می‌نماید تا ترسناک! جالبتر اینکه ویزل در رمان خود گویا فراموش کرده که در اردوگاه‌های یهودیان به زعم صهیونیست‌های تحریف‌گر و افسانه‌پرداز، اتاقهای گاز نیز وجود داشته است.[۴]

کتاب **«پرنده رنگ شده»**، کتاب اصلی درباره یهودی‌سوزی به شمار آمد. به نویسندگی «جرزی کوریسنسیکی» که البته به فارسی ترجمه نشده است.[۵] این اثر بسیار پرفروش بود، جایزه گرفت، به چند زبان ترجمه و جز مواد درسی لازم در دبیرستان و دانشگاه گنجانده شد.[۶] کوسینسکی با

---

۱. سیدمهدی تراهی، همان، صص ۱۷۶-۱۷۴

۲. مجید گودرزی، «حقایقی پیرامون هولوکاست» ، مجموعه مقالات سمینار بین‌المللی، بررسی هولوکاست: چشم‌انداز جهانی، ص ۲۹۶

۳. مهدی علیخانی، همان

۴. مجید صفاتاج، همان، ص ۵۰

۵. «گفت‌وگو با محمدتقی تقی‌پور»، هولوکاست دروغ مقدس غرب، روزنامه کیهان، ۸۴/۱۰/۶، ص ۱۲

۶. مجید صفاتاج، همان، ۴۹

برگزاری سخنرانی در نقاط مختلف دنیا درباره یهودی‌سوزی خود را الی ویزل دوم لقب داد.[۱]

کتاب «**پاره خاطرات**» نوشته «بنجامین ویلکو میرسکی» یهودی‌ها این کتاب را به عنوان شاهکار کوچک معرفی کردند.[۲] این کتاب را به دوازده زبان ترجمه کردند و جایزه کتاب ملی یهودیان، جایزه جوئیش کوآرترلی و جایزه یادواره‌های یهودی‌سازی را به خود اختصاص داد.[۳]

ویلکو میرسکی همانند کوسینسکی خود را کودکی بازمانده و تنها به تصویر می‌کشد که قدرت تکلم را از دست داده، سرانجام به یتیم‌خانه سپرده می‌شود و دیرهنگام درمی‌یابد که یهودی است.[۴] «همانند داستان کوسینسکی، نقطه اوج روایت در هر فصل، کامجویی خشونت‌آمیز است. کوسینسکی کتاب خود را «ذوب تدریجی فکر یخزده» و ویلکومیرسکی اثرش را «خاطره باز یافته» معرفی می‌کند.[۵]

جدیدترین اثر پرشکوه یهودی‌سوزی «**دژخیمان مشتاق هیتلر**»، تألیف دانیل گلد هیگن است. این کتاب با فروش پانصد هزار نسخه و ترجمه به سیزده زبان در مجله تایم به عنوان تألیفی که بیشترین بحث‌ها را به خود اختصاص داده است. الی ویزل از این کتاب در مقام «مشارکت بزرگ به فهم و آموزش یهودی‌سوزی» یاد کرد. کتاب گلد هیگن که کتابی تاریخی

---

۱. علی عبدا...زاده، همان، ص ۲۹۷

۲. «گفت‌وگو با محمدتقی تقی‌پور»، هولوکاست دروغ مقدس غرب، روزنامه کیهان، ۸۴/۱۰/۶، ص ۱۲

۳. علی عبدا...زاده، همان، ص ۲۹۸

۴. سیدمحمد تراهی، همان، ص ۵۲

۵. مجید صفاتاج، همان، ص ۵۲

محسوب می‌شود آکنده از تناقض‌های درونی، ارجاعات غلط به منابع و فاقد هرگونه ارزش تحقیقی است.[۱]

اعطای جایزه صلح نوبل ادبی به نویسندگانی که درباره هولوکاست به خیال‌پردازی پرداخته‌اند نیز از دیگر ابزارهای غرب برای تثبیت این ادعای واهی بوده است. به عنوان مثال در سال ۱۹۹۲ جایزه صلح نوبل به «درک والکوت» تعلق می‌گیرد[۲] که به صراحت می‌گوید: کشتار یهودیان در جریان جنگ جهانی دوم، مهم‌ترین حادثه قرن بیستم است و به نظر می‌رسد که از این واقعه درس لازم را نگرفته‌ایم، چون برخی مواقع می‌کوشیم آن را انکار کنیم.[۳]

همچنین جایزه صلح نوبل ۲۰۰۲ به یک یهودی مجارستانی به نام «ایمرکرتس» داده شد، وی در آثارش به تکرار واقعه هولوکاست پرداخته است و جایزه خود را نیز از دست «الی ویزل» عنصر فعال فرهنگی و سیاسی صهیونیسم دریافت می‌نماید و این در حالی است که به اعتقاد اکثر کارشناسان ادبی، در مقایسه «لوئیس مارشالکو» مجارستانی و دیگر هموطن وی یعنی «ویزل» کمتر کسی ویزل و آثارش را می‌شناسد اما شهرت مارشالکو از مرزهای اروپا هم گذشته است. اما مارشالکو جایزه نمی‌گیرد چون علیه یک دروغ تاریخی افشاگری کرده است و ویزل گمنام به شهرت، ثروت و اقتدار می‌رسد چون پایه‌های یک افسانه را مستحکم نموده است.[۴]

---

۱. علی عبدا...زاده، همان، ص ۲۹۸

۲. هفته نامه صبح صادق، همان

۳. مجید صفا تاج، همان، ص ۵۴

۴. هفته نامه صبح صادق، همان

ج) موزه‌ها و بناهای یادبود

از جمله ابزارهای فرهنگی برای پذیرش اسطوره‌ای که محافل صهیونیستی آن را خلق کرده‌اند، موزه می‌باشد. پس از پایان جنگ، بسیاری از اردوگاه‌هایی که محل کشتارهای ادعایی بودند به موزه تبدیل شدند.[۱]

در بسیاری از کشورهای دنیا و حتی در بسیاری از ایالت‌های آمریکا، موزه‌ها و بناهای بزرگی برای یادبود و بزرگداشت به اصطلاح قربانیان هولوکاست ایجاد شده است که تقریباً همه این موزه‌ها و بناها از سال‌های اولیه دهه ۱۹۶۰ به این سو ساخته شده‌اند.[۲]

در این موزه‌ها، ظاهراً یهودیان، آلمانی‌ها و سران حزب نازی را به خاطر جنایت‌هایی که مرتکب شده‌اند، محکوم می‌نمایند. اما در واقع همه ملت‌های دنیا محکوم می‌شوند، به این دلیل که در برابر کشتار و نسل‌کشی یهودیان چشمان خود را بستند.[۳]

در حال حاضر، بیش از ۲۵۰ موزه و یادبود بزرگ هولوکاست در سراسر دنیا وجود دارد که اغلب آنها در آمریکا و اروپا هستند.[۴] که این موزه‌ها پر از اسنادی است که توسط دولت اسرائیل تهیه شده است.[۵]

بزرگ‌ترین موزه یادبود هولوکاست در واشنگتن قرار دارد که از بودجه عمومی دولت اداره می‌شود و هزینه آن را از مالیات شهروندان می‌پردازند.

---

۱. سیدمحمد تراهی، همان، ص ۱۶۰

۲. سیدمجتبی عزیزی، همان، ص ۵۱

۳. سیدمحمد تراهی، همان، ص ۱۶۳

۴. مارک وبر، «پشت پرده بزرگداشت هولوکاست»، ماهنامه ناظر امین، مرداد ۸۵، شماره ۲۹، ص ۳۸

۵. مهدی علیخانی، همان

این موزه، سالانه بیش از ۲ میلیون بازدید کننده دارد.[1] این موزه را پرزیدنت کلینتون در آخرین هفته آوریل ۱۹۹۳ افتتاح کرد. هزینه ساخت این موزه ۹۰ میلیون دلار بود.[2]

مهم‌ترین موزه‌ها عبارتند از:

- موزه هولوکاست در اسرائیل (یادواشم)
- موزه هولوکاست در فلوریدا
- موزه یادبود هولوکاست در ایالات متحده
- اولین موزه یادبود هولوکاست در آمریکا
- موزه هولوکاست در هوستون
- موزه هولوکاست در ویرجینیا (تساهل و تسامح از طریق آموزش)
- موزه یهودی سیدنی
- موزه هولوکاست و مرکز مطالعات ال پاسو
- موزه یادبود هولوکاست در ساحل تامپا۳

... و صدها موزه و یادبود دیگر.

د) برگزاری روز یادبود هولوکاست در جهان

یهودیان هر ساله مراسمی را برای گرامیداشت هولوکاست به صورت پراکنده (زمانی – مکانی) در سراسر جهان ترتیب می‌دادند ولی برای اولین بار، به طور هماهنگ و همزمان، در ۲۷ ژانویه ۲۰۰۰م. دولتمردان و رهبران حدود ۴۰ کشور اروپا و نیز ایالات متحده آمریکا، اجلاسی با عنوان «مجمع

---

۱. مارک وبر، همان

۲. عبدالوهاب المسیری، همان، ج ۳، صص ۳۳۵-۳۳۴

۳. سیدمجتبی عزیزی، همان، ص ۵۱

بین‌المللی هولوکاست» در استکلهم – پایتخت سوئد – برگزار کردند که در آن هولوکاست را به عنوان بخشی از تاریخ ملی کشورشان به رسمیت شناختند.[۱]

بالاخره در تاریخ اول نوامبر ۲۰۰۵ (۱۳۸۴/۸/۱۰) قطعنامه یادبود هولوکاست پس از دو روز بحث و بررسی در مجمع سازمان ملل متحد با اجماع (Consensus) یعنی عمل تصویب یک قطعنامه بدون رأی‌گیری و نظر مخالف در میان اعضای حاضر به تصویب رسید.[۲] روز ۲۷ ژانویه به عنوان روز یادبود هولوکاست.[۳]

جالب آنکه کوفی عنان دبیرکل سابق سازمان ملل در اولین سالگرد این روز طی سخنان تأمل برانگیزی که توسط خبرگزاری BBC، منتشر شد، گفت: «انکار هولوکاست کار ریاکاران است و ما باید تا زمانی که دنیایی وجود دارد از این واقعه به عنوان یک واقعه تأسف‌بار یاد کنیم و همیشه آن را به خاطر داشته باشیم!»[۴]

---

۱. محمدتقی تقی‌پور، همان، ص ۱۳

۲. مجید صفا تاج، همان،ص ۱۴۱

۳. علیرضا سلطانشاهی، همان، ص ۲۲۷

۴. مهدی علیخانی، «افسانه شوآه و صنعت»، هولوکاست مجموعه مقالات سمینار بین‌المللی، بررسی هولوکاست؛ چشم‌انداز جهانی، ص ۴۰۴

در پایان جهت تبرک حدیثی را از امیرالمومنین علی (ع) زینت دهنده و حسن ختام قرار می‌دهیم :

قالَ امیرالمُومِنین (ع) : وَ سَتَاتیِ الیَهُودُ مِنَ الغَربِ لِاِنشاء دَولَتِهِم بِفِلسطِینِ قالَ النّاس یا اباالحسن آنّی تکونُ العَرَبُ اَجابَ اَنداکَ تَکونُ مُفکَکَهُ القُوی مُفَکَکَهُ العُری غَیرَ مُتکاتِفَهٍ وَ غَیرَ مُترادِفهٍ ثُمَ سُئِلَ عَلَیهِ السلام اَیَطُولُ هذا البَلاءُ قالَ لا حتّی اِذا اَطلَقَتِ العَربُ اَعَنتَها و رَجَعَت اِلیها عَوازِمُ اَحلامِها عِندَئذٍ یِفحَ عَلی یَدِهِم فِلسطینَ وَ تَخرُجُ العَرَبُ ظاهِرَهً و مُوَحِدَهً : وَ سَتَأتی اَنّجدَهُ مِنَ العِراقِ کُتِبَ عِلی رایاتِها القّوهُ و تَشتَرِکُ العَرَبُ وَ اَلاِسلامُ کافَّهً لِتَخَلُّصِ فَلَسطین مَعرِکَهً و اَیُّ مَعَرِکَهٍ فی جُلِّ البِحرِ تِخُوضُ الناسُ فیِ الّدِماءِ و یَمشی الجَرحُ عَلَی القُتیلِ ثُمَّ قالَ علیه السلام و سَتَفعَلُ العَرَبُ ثَلاثاً وَ فی الرّابِعَه یَعلَمُ الله ما فی نُفُوسِهِم مِنَ الثَّباتِ وَ الایمانِ فیهِ فَرَّفَ عَلی رُؤسِهِم النَّصرُ ثُمَّ قال ...

«ص ۲۷۰ کتاب عقائد الامایه» تألیف حاج سید ابراهیم الموسوی الزنجانی

«امیرالمومنین علی (ع) فرمود که : «زود است یهود از غرب بیاید برای تشکیل دولت خود در فلسطین، مردم به حضرت عرض کردند ای اباالحسن پس عرب در آن وقت کجا هستند حضرت فرمود در آنوقت قوای عرب تفکی شده و دسته دسته شده‌اند. جماعت آنها از هم پراکنده و با هم در یک ردیف نیستند. از حضرت سوال شد آیا این بلا طول می‌کشد؟ فرمود نه، آنوقتی که عرب از شکست‌های خود برگردد و از خواب‌های خود بیدار شود آنوقت به دست آنها فلسطین فتح می‌شود و عرب خارج می‌شوند با هم متحد و یکجا و مردمان شجاع و دلیری هم از عراق می‌آیند که بر پرچم‌های آنها نوشته شده است قوت و قدرت، آن وقت عرب و سایر مسلمان‌ها با هم متحد می‌شوند.

برای نجات فلسطین جنگی خواهد شد چه جنگی، در تمام اطراف دریا فرو می‌ریزند مردم در خون تا اینکه مجروحان از روی کشته‌ها عبور می‌کنند پس حضرت فرمود : عرب بر سه قسمت می‌شود و دسته چهارم که خدا می‌داند چقدر ثبات قدم و ایمان دارند (شاید منظور ایرانی ها باشند) پس مانند ابر بر سر آنها به یاری خداوند فرو می‌ریزند.[۱]»

نتیجه

در این پژوهش ماجرای هولوکاست یا همان ادعای کشتار ۶ میلیون یهودی در جنگ جهانی دوم، که افسانه‌ای خود ساخته از جانب یهودیان است، در حالی‌که یهودیان خود اعمالی اینگونه را در حق مردم اعراب ساکن فلسطین و ایرانیان و حتی مسیحیان اهل یمن انجام داده‌اند ولی با مظلوم نمایی در تلاشند که خود را قربانی هولوکاست معرفی کنند در قالب‌های زیر بررسی شده است:

۱. عوامل و انگیزه‌هایی که موجب طرح و شکل‌گیری هولوکاست شده‌اند.
۲. بررسی مقاطع مختلف تاریخ در راستای هولوکاست.
۳. دلایل رد هولوکاست و معرفی مخالفان.

در این پژوهش پس از تبیین واقعیت‌های تاریخی آن و تحقیق و بررسی دیدگاه‌ها و مواضع منکران (تجدیدنظرطلبان تاریخی) درباره ماجرای هولوکاست، آنچه بیشتر به واقعیت نزدیک است و سندیت آن قطعی می‌باشد این موضوع است که ادعای کشتار یهودیان در جنگ جهانی دوم تنها برای بزرگ‌نمایی مسأله و مظلوم‌نمایی یهودیان بود تا صهیونیسم بتواند دولت اسرائیل را در سرزمین فلسطین ایجاد کند و زمینه‌های پذیرش این دولت

---

۱ . محمد کریمی‌نسب، همان، صص ۲۰۵-۲۰۴ .

صهیونیستی را در افکار عمومی جهان به ویژه نزد اروپایی‌ها بـه وجـود آورد. زیرا یهودیان تا قبل از این زمان در افکار عمومی غرب به ویژه اروپای شـرقی به عنوان افرادی که دارای نقش منفی و مخرب در اقتـصاد کـشورها هـستند معرفی می‌شدند.

بنابراین طرح کشتار یهودیان با نام هولوکاست توسط صهیونیست‌ها هم به لحاظ واقعیت تاریخی، هم از نظر تجدیدنظرطلبان تـاریخی، بیـشتر بـرای جلب نظر افکار عمـومی در اروپـا و در راسـتای پـذیرش دولـت اسـرائیل در فلسطین و نیز بهره‌برداری‌های سیاسی و مالی صهیونیـست‌هـا انجـام گرفتـه است.

صهیونیست‌ها برای تثبیت ادعاهـای خـود و حفـظ سـاختار اسـطوره از حوزه فرهنگ کمک گرفته‌اند. آنان تلاش کردند تا با به کـارگیری بـسترهای مناسب فرهنگی و هنری همچون انتشار کتاب، ساخت فیلم، سـاخت مـوزه و بنای یادبود و ...، هولوکاست را احیا نمایند و این موضوع را در اذهان جهانیان زنده نگهدارند.

یادآوری می‌گردد که هیچ ملتی به خـاطر یـادآوری ظلـم‌هـایی کـه بـر سرش آمده سرزنش نمی‌شود و عادلانه و عاقلانه نیـست کـه آنچـه در ذهـن دارد محو کند، بلکه مبالغه و استفاده نادرست و ظالمانه از این امور است کـه مورد سرزنش قرار می‌گیرد.

امید است عموم، با شناخت هـر چـه بیـشتر از یهـود و صهیونیـسم از دستهای پنهان آنان در جهان آگاهی یابند و دستمایه اهداف شوم آنهـا قـرار نگیرند.

منابع و ضمائم

منابع و ماخذ

الف) کتب

* قرآن الکریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، چ۲، دارالقرآن کریم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، بیتا

۱. فوریسون، روبر، ***اتاق‌های گاز در جنگ جهانی دوم واقعیت یا افسانه؟***، ترجمه سید ابوالفرید ضیاءالدینی، مؤسسه فرهنگی پژوهشی ضیاء اندیشه، ۱۳۸۱.

۲. گارودی، روژه، ***اسطوره‌های بنیانگذار سیاست اسرائیل***، ترجمه حمیدرضا آژیر، حمیدرضا شیخی، چاپخانه روزنامه قدس، ۱۳۷۷.

۳. صدیق (ابومحی الدین)، زین‌الدین، ***افسانه قتل عام یهود در جنگ جهانی دوم***، نشر هلال، ۱۳۷۲.

۴. توفیقی، حسین، ***آشنایی با ادیان بزرگ***، انتشارات سمت، چ ۵، ۱۳۸۱.

۵. آریا، غلامعلی، ***آشنایی با تاریخ ادیان***، موسسه فرهنگی انتشاراتی پایا،۱۳۷۶.

۶. آصفی، حمدالله، ***آلمان از دوپارگی تا یگانگی***، انتشارات نوید شیراز، ۱۳۷۳

۷. مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ***آمریکا از دیدگاه امام خمینی(ره)***، ستاد نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۷۸.

۸. ولایتی، علی اکبر، ***ایران و مسأله فلسطین بر اساس اسناد وزارت امور خارجه***، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶.

۹. نویهض، عجاج، ***پروتکل‌های دانشوران صهیون برنامه عملی صهیونیسم جهانی***، ترجمه حمیدرضا شیخی، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۱.

۱۰. گارودی، روژه، ***پرونده اسرائیل و صهیونیسم سیاسی***، ترجمه دکتر نسرین حکمی، انتشارات وزارت فرهنک و ارشاد الامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۷.

۱۱. جمعی از نویسندگان، ***پژوهه صهیونیت***، انتشارات مرکز مطالعات فلسطین، ۱۳۸۱، کتاب اول.

۱۲. جمعی از نویسندگان، ***پژوهه صهیونیت***، انتشارات مرکز مطالعات فلسطین، ۱۳۸۱، کتاب دوم.

۱۳. تقی‌پور، محمدتقی، ***پس پرده هولوکاست***، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۵.

۱۴. صادقی، مصطفی، ***پیامبر(ص) و یهود حجاز***، مؤسسه بوستان کتاب، چ ۳، ۱۳۸۶.

۱۵. دورانت، ویلیام جیمز(ویل)، ***تاریخ تمدن***، ترجمه بدره‌ای و دیگران، نشر آموزش انقلاب اسلام، ۱۳۶۸، ج ۶.

۱۶. کریمی‌نسب، محمد، ***تاریخ چهار هزار ساله قوم یهود (از زمان حضرت ابراهیم (ع) تا عصر حاضر)***، انتشارات لاهوت، ۱۳۸۳.

۱۷. سوکوف، ناهوم، ***تاریخ صهیونیسم***، ترجمه داوود حیدری، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۷، ج۲.

۱۸. گارودی، روژه، ***تاریخ یک ارتداد: اسطوره‌های بنیانگذار سیاست اسرائیل***، ترجمه مجید شریف، موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۵.

۱۹. شاهاک، اسرائیل، ***تاریخ یهود - مذهب یهود، بار سنگین سه هزاره***، ترجمه مجید شریف، انتشارات چاپخش، ۱۳۷۶.

۲۰. اعرجی، دکتر شریف‌الدین، ***تحلیلی بر پیشگویی نوستر آداموس***، ترجمه عباسعلی براتی، انتشارات کامکار، ۱۳۸۳.

۲۱. رحمانی، شمس‌الدین، ***تصویر آینده***، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹.

۲۲. هرست، دیوید، ***تفنگ شاخه زیتون***، ترجمه رحیم قاسمیان، انتشارات بنیاد، ۱۳۷۰.

۲۳. تقی‌پور، محمدتقی، ***توطئه جهانی***، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ .

۲۴. تراهی، سیدمحمد، ***جایگاه هولوکاست در پروژه صهیونیسم (اسطوره یا واقعیت)***، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴.

۲۵. ماتیل، الکساندر، ***جنبش‌های شخصیت‌ها و مفاهیم***، ترجمه کامران فانی، نورالله مرادی، انتشارات کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه تهران، ۱۳۸۴، ج ۳.

۲۶. مشکور، جواد، ***خلاصه ادیان و تاریخ دینهای بزرگ***، انتشارات شرق، ۱۳۶۲.
۲۷. صفاتاج، مجید، ***دانشنامه فلسطین***، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰، ج ۱.
۲۸. لیپست، سیمور مارتین، ***دایره المعارف دموکراسی***، ترجمه کامران فانی، نورالله مرادی، کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳، ج ۲.
۲۹. مصاحب، غلامحسین، ***دایره المعارف فارسی***، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۵، ج ۱.
۳۰. المسیری، عبدالوهاب، **دایره المعارف یهود، یهودیت و صهیونیسم**، موسسه مطالعات و پژوهش‌های تاریخ خاورمیانه، ۱۳۸۳، ج۸،۳،۲ .
۳۱. انیسی، فریبا، **رازهای سرزمین سبز**، انتشارات بروج، ۱۳۸۶.
۳۲. شهبازی، عبدالله، ***زرسالاران یهودی وپارسی استعمار بریتانیا و ایران، (الیگارشی یهودی و پیدایش زرسالاری جهان)***، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۷۷، ج ۲.
۳۳. گروه هنری پژوهشی حنیف، **سایه‌ها (ایرانی‌کشی)**، موسسه روزنامه ایران، ۱۳۸۷، ج ۲.
۳۴. مؤسسه اطلاعات فلسطین، ***سیاست و حکومت رژیم صهیونیستی***، ترجمه مطالعات اندیشه‌سازان نور، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷.
۳۵. حاجی‌صادقی، عبدالله، ***سیمای یهود در قرآن***، بنیاد قران وعترت سپاه، ۱۳۸۴.
۳۶. علم‌الهدی، سیدجواد، ***شناخت صهیونیسم بین‌الملل***، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶.
۳۷. المسیری، عبدالوهاب، ***صهیونیسم***، ترجمه لواء رودباری، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۴.
۳۸. فریدونی، حسین، ***صهیونیسم سرطانی بر پیکر جامعه بشری***، انتشارات آفاق، ۱۳۸۶.
۳۹. شهبازی، عبدالله، ***ظهور و سقوط سلطنت پهلوی جستارهایی از تاریخ معاصر ایران (خاطرات حسین فردوست)***، انتشارات اطلاعات، چ ۱۹، ۱۳۸۵.
۴۰. جدید بناب، علی، ***عملکرد صهیونیسم در برابر جهان اسلام***، انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲.

۴۱. مارشالکو، لوییس، ***فاتحین جهانی (جنایتکاران حقیقی جنگ)***، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، انتشارات تبیان، ۱۳۷۷.

۴۲. قمی، شیخ عباس، ***فرهنگ واژگان قرآن کریم***، ترجمه غلامحسین انصاری، انتشارات امیرکبیر، چ ۲، ۱۳۸۵.

۴۳. کارتر، جیمی، ***فلسطین صلح یا نژادپرستی***، ترجمه محمدحسین وقار، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۶.

۴۴. هافمن، مایکل، و موشه لیبرمن، ***فلسطین‌کشی، هولوکاست اسرائیلی***، ترجمه محمدرضا عادلی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۶.

۴۵. شیرودی، مرتضی، ***فلسطین و صهیونیسم***، انتشارات تحسین، ۱۳۸۲.

۴۶. وستری، رابرت اس، ***کلیسا و یهودیان***، ترجمه مسعود آریایی‌نیا، مطالعات منطقه‌ای، ۱۳۷۸، ج ۱.

۴۷. اسلامی، محسن، ***لابی صهیونیسم در ایالات متحده آمریکا***، انتشارات فقاهت، ۱۳۸۴.

۴۸. صفاتاج، مجید، ***ماجرای هولوکاست بازنگری تاریخی کشتار یهودیان***، انتشارات سیب، ۱۳۸۴.

۴۹. گروه تحقیقات علمی ترکیه [یحیی هارون]، ***مبانی فراماسونری***، ترجمه جعفر سعیدی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چ ۳، ۱۳۸۴.

۵۰. به کوشش طاهری، زهرا، ***مجموعه مقالات سیمنار بین‌المللی بررسی هولوکاست چشم‌انداز جهانی***، وزارت امورخارجه، ۱۳۸۴.

۵۱. مهری کرمانشاهی، محمدجواد، ***مجموعه کامل قصه‌های قرآن (از آدم تا خاتم و زنان مشهور)***، انتشارات آیین دانش، چ۲، ۱۳۸۶.

۵۲. گارودی، روژه، ***محاکمه آزادی***، ترجمه مجید خلیلی‌زاده، احمد نخستین، جعفر پاز، مؤسسه فرهنگی اندیشه معاصر، ۱۳۷۷.

۵۳. گارودی، روژه، ***محاکمه صهیونیسم اسرائیل***، ترجمه جعفر یاره و دیگران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۸.

۵۴. حسینی دشتی، سید مصطفی، ***معارف و معاریف (دایره المعارف جامع اسلامی)***، مؤسسه فرهنگی آرایه، چ۳، ۱۳۷۹،ج ۱۰.
۵۵. اصفهانی، راغب، ***معجم مفردات الفاض قرآن***، انتشارت مرتضوی، ۱۳۹۲ه.ق.
۵۶. واعضی، حسن، ***نبرد نابرابر (روند ظهور و سقوط رژیم صهیونیستی)***، انتشارات سروش، ۱۳۷۹.
۵۷. علوی طباطبایی، ابوالحسن، ***نیمه پنهان ۲۷ (افسانه سازان هولوکاست)***، انتشارات کیهان، ۱۳۸۶.
۵۸. رضایی، محمد، ***واژه‌های قرآن***، انتشارات مفید، ۱۳۶۰.
۵۹. دفتر انتشارات اسلامی، ***هولوکاست و اسلام‌ستیزی***، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۶.
۶۰. فورد، هنری، ***یهود بین‌الملل***، ترجمه علی آرش، انتشارات موسسه فرهنگی پژوهشی ضیاء اندیشه، ۱۳۸۲.
۶۱. جلالی کندری، سهیلا، ***یهود شناخت***، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۲.
۶۲. کریمیان، احمد، ***یهود و صهیونیسم (تحلیل عناصر قومی و تاریخی و دینی یک فاجعه)***، موسسه بوستان کتاب قم، ۱۳۸۴.

ب) روزنامه ها

۱. هولوکاست زمینه‌ساز مصونیت اسرائیل، **جوان**، ۸۴/۱۰/۱.
۲. افسانه کوره‌های آدم‌سوزی برای باج‌گیری، **جوان**، ۸۴/۱۰/۶.
۳. چه کسانی هولوکاست را افسانه نمی‌دانند، **جوان**، ۸۴/۱۰/۶.
۴. زواری، سید عبدالمجید، گام نخستین شکستن تابوی هولوکاست، **جوان**، ۸۴/۱۰/۱۵
۵. معافی، مجید، گفت‌وگو روبر فوریسون با خبرنگار گروه سیاسی روزنامه قدس، **قدس**، ۸۵/۹/۲۳.
۶. شریعتمداری، حسین، هولوکاست افسانه نیست، **کیهان**، ۸۴/۹/۲۲
۷. گفت‌وگو با محمدتقی تقی‌پور، هولوکاست دروغ مقدس غرب، **کیهان**، ۸۴/۱۰/۶.

۸. حسینی، سیدمجید، انکار هولوکاست تلنگر به وجدان‌های خفته جهان، **کیهان**، ۸۴/۱۲/۱۱

۹. حسینی، سیدمجید، هولوکاست را بشناسیم، **کیهان**، ش ۱۸۴۶۸، ۸۴/۱۲/۱۳.

۱۰. علوی طباطبایی، ابوالحسن، افسانه‌سازان «هولوکاست» در سینما-۱، هولوکاست بزرگ‌ترین سلاح تبلیغی نظام سلطه، **کیهان**، ۸۵/۳/۱۰.

ج) نشریات

۱. آجیلی، هادی، ارتباط هویتی میان یهود و صهیونیسم، مرکز تحقیقات استراتژیک، **راهبرد**، ش ۴۱، پاییز ۸۵.

۲. رویداد و گزارش، مؤسسه تحقیقات و پژوهش‌های سیاسی و علمی **ندا**، ش ۱۶۶، ۸۱/۱۱/۶

۳. **شمیم یاس**، سال ۶، ش ۳۷، فروردین ۸۵.

۴. گزارش تحلیلی صبح صادق از بازتاب اظهارات رئیس جمهور درباره رژیم صهیونیستی (احمدی نژاد در حریم ممنوعه غرب)، **صبح صادق**، ۸۴/۹/۲۸.

۵. قنبرلو، عبدالله، گزارش پژوهشی (لابی یهود و تداوم بحران در روابط جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا)، پژوهشکده مطالعات راهبردی، **گزارش راهبردی**: شماره ۱۱۹-۱-۶-۱-۱۳۸۳.

۶. امامزاده فرد، پرویز، ساختار روابط آمریکا و اسرائیل و میزان تاثیرپذیری تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی اسرائیل از آن، **فصلنامه تخصصی علوم سیاسی**، سال ۲، بهار ۸۴.

۷. به کوشش رفعت‌نژاد، غلامرضا و سیدمجتبی عزیزی، **فصلنامه مطالعات تاریخی (ویژه‌نامه هولوکاست)**، سال ۳ ،ش۱۴، پاییز ۱۳۸۵.

۸. وبر، مارک، پشت پرده بزرگداشت هولوکاست، **ناظر امین**، ش ۲۹، مرداد ۸۵.

۹. فجری، علیرضا، سیطره لابی صهیونیسم بر رسانه‌های جهان، **ناظر امین**، ش۳۲، آبان ۸۵.

د) سایت‌ها

۱. هولوکاست افسانه نیست، حسین شریعتمداری، http://www.aviny.com

۲. افسانه‌سازان «هولوکاست» در سینما – ۲۳، «پسران برزیل» و صهیونیست‌های مهربان! http://holocauste.blogfa.com

۳. افسانه‌سازان «هولوکاست» در سینما - ۲۶، «فهرست شیندلر» - فیلمی از استیون اسپیلبرگ http://holocauste.blogfa.com

۴. شبکه تروریسم، سایت عملیات روانی http://holocaust.mihanblog.com

۵. هولوکاست افسانه‌ای خاص صهیونیسم است، خبرگزاری مهر، ۸۳/۱۱/۶ http://www.mehrnews.ir

۶. در هولوکاست شک نکنید، پایگاه خبری شریف نیوز، ۸۴/۱۱/۲۷ http://www.sharifnews.ir

۷. افسانه شوآه و صنعت یهودی‌سوزی، مهدی علیخانی، پایگاه خبری شریف نیوز، ۸۴/۱۲/۱۶ http://www.sharifnews.ir



پیوست ۱: بنیامین زئب (تئودور) هرتسل، یک روزنامه نگار اتریشی الاصل که بنیانگذار تفکر صهیونیسم بود و برای نخستین بار مساله مهاجرت یهودیان از اقصی نقاط جهان در کشوری مستقل را مطرح نمود.

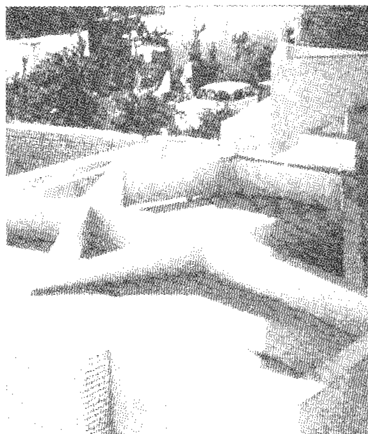


پیوست ۲: دیوید ایروینگ: نخستین تاریخ نویسی است که درستی «خاطرات روزانه هیتلر» را که در سراسر جهان منتشر شده بود، زیر سؤال برد. او در میان پژوهشها و مطالعات فراوانش پرده از اسنادی برداشته است که برخی یا بیشتر سخنان مدعیان هولوکاست را زیر سؤال برده است. دولت آلمان وی را به لکه دار کردن و بدنام کردن یاد و خاطره کشته شدگان متهم کرد. وی به پرداخت سی هزار مارک محکوم همچنین مورد ضرب و شتم بدنی نیز قرار گرفت و در کانادا بنا

به درخواست مرکز سایمون و پسینتال، بازداشت و دست بسته از کشور اخراج شد.



پیوست ۳: «فهرست شیندلر» اثر تلخ و سیاهی درباره جنایات نازی‌ها و کوره‌های آدم‌سوزی آن‌هاست؛ گرچه به نظر می‌رسد کارگردان با تأکید بر اتفاقات خاص و نوع پردازش موضوع و نیز با بهره‌گیری از هم‌ذات‌پنداری تماشاگر قصد داشته به توجیه صهیونیسم بپردازد. آکادمی اسکار با اهدای چندین جایزه به این فیلم مراتب وابستگی خود را به صهیونیزم بین‌الملل آشکارتر ساخت.



پیوست ۴: مقبره استر و مردخای و کنیسه مجاورش با معماری برگرفته از ستاره داوود در همدان



پیوست ۵ : **این تصویر، مربوط به قربانیان تیفوس در اردوگاه برگن بلزن است. با آنکه همه محققان اتفاق نظر دارند که در این مکان کشتار جمعی در کار نبوده است، اما نشریات و رسانه‌های حامی هولوکاست آنرا به دروغ به کشتار جمعی یهودیان در اردوگاه آشویتس نسبت می‌دهند.**



پیوست ۶: **رقص و پایکوبی در روز عید پوریم، در اراضی اشغالی**